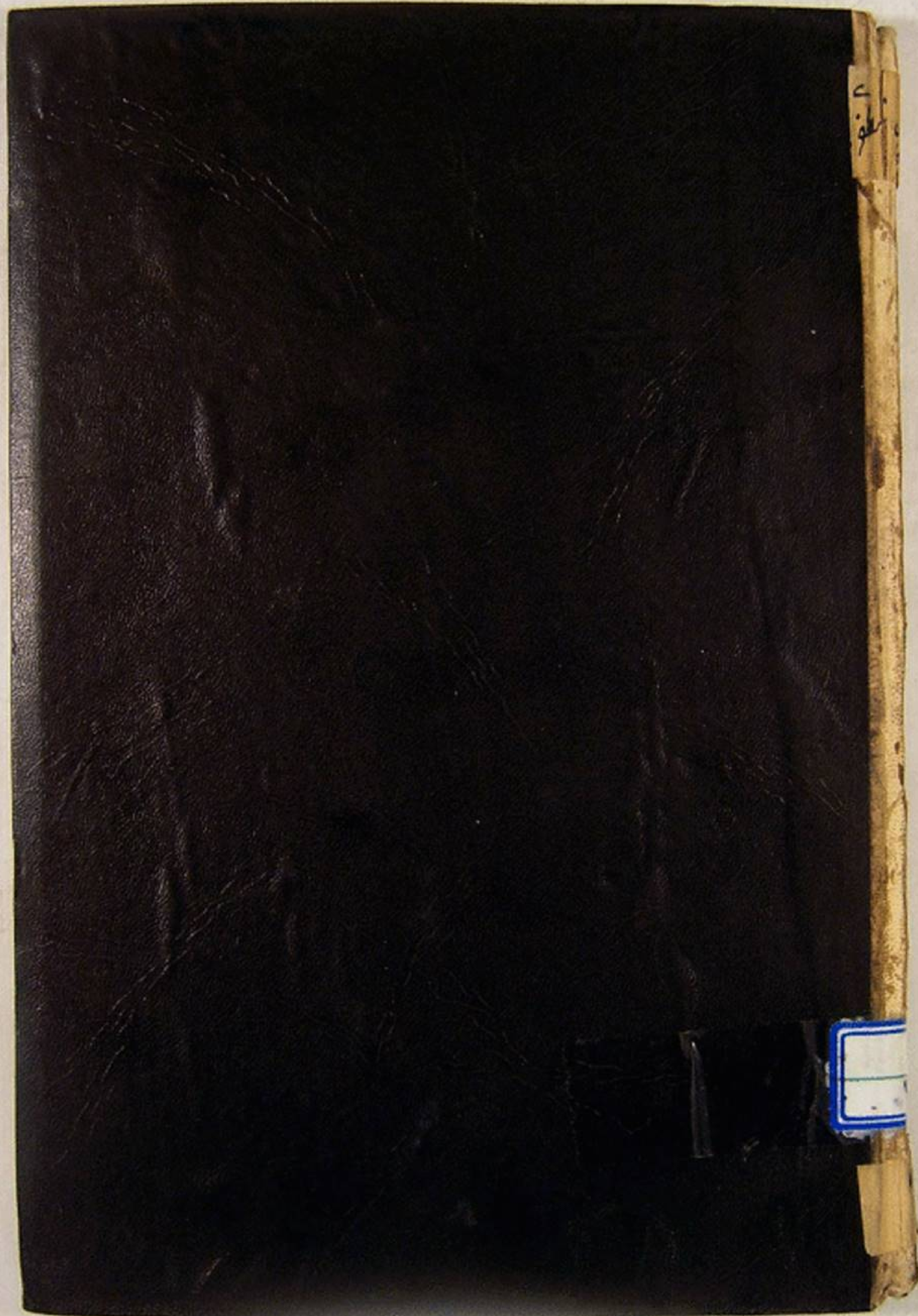
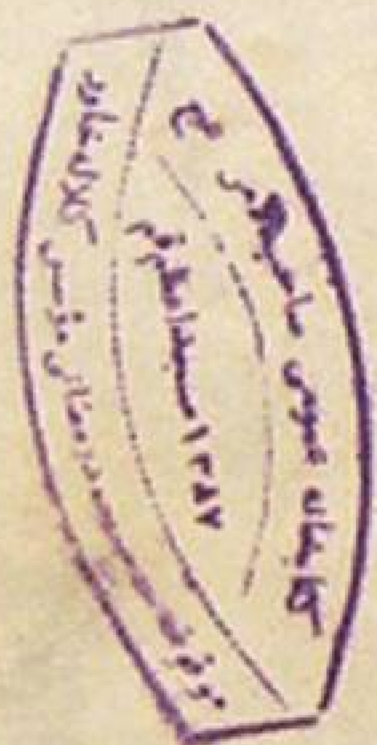




مظفری

احیاء الاطفال



احیاء الاطفال مظفری

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الذی خلق الانسان من سلالة من طین ثم جعله نطفة فی قرار مکین ثم خلق النطفة علقة فخلق العلقة مضغة فخلق المضغة عظاما فکسی العظام لحما ثم انشأه خلقا آخر فتبارک الله احسن الخالقین ثم رباه فی حجر ظئر جوده و کرمه و ارضعه من ثدی آلائه و نعمه ثم فطمه و غذاه ثم بلغه اشده و قواه فمنهم من یتوفی و منهم من یرد الی ارذل العمر ثم اماته فاقبره ثم اذا شاء انشره اللهم علمنا تداوی داء الذنوب بدواء توبتک و مغفرتک واشف قلوبنا المریضة من امراض الجهالة بنسخة انابتک و خلّ نفوسنا العلیلة بمنفی الخوف و الخشیة عن اخلاط الشهوات و العصیان و نق رؤسنا الثقیلة بغفراء الفقر و المسکنة عن ابخاد الغرور و الکبر و الطغیان و صل اللهم علی طبیب نفوسنا و حبیب قلوبنا رسولک الذی قوی قلوبنا الضعیفة بدوام مسک خلافته الکاملة و فرح افئدتنا النحیفة بمفرح شفاعته الشاملة و علی آله و اصحابه الذین طیب بطیب اخلاقهم الآفاق و عطر بعطر انفاسهم الاصفاق سیما ابن عمه و عیبة علمه الذی یشفی کل علیل بطبه الاکبر و یسقی کل غلیل من حوضه الکوثر

سپس بر دانشمندان بصیر نقادان خبیر پوشیده نیست که بیشتر اطفال ما از حین تولد تا بعد از زمان فطام علیل یا تلف میشوند و بعض اشخاص از

دیباچه

عدد اولادشان سؤال شده میگویند از ما ده و از ده تا چهارده اولاد متولد شده و حال از آنها دو سه تا چهار نفر که بعضشان هم علیل اند مانده یا هیچ نمانده اند که بعضی قبل از وقت سقط شده یا در حین وضع حمل یا بعد از آن در ایام رضاع و فطام تلف شده اند و سبب این خسارت بی اطلاعی مادرها است که طریقه حفظ صحت مرضعه و پرستارها را نمیدانند و در زمان حمل حفظ صحت نمیکنند تا نا بابی قابله‌ها است که در وقت وضع حمل طفل را چنانچه شایسته است نمیتوانند بگیرند و رشته خوره او بلکه ماد رشته را منقطع میسازند تا آنکه قصور مرضعه است که طریقه ارضاع و اندازه دادن شیر و حفظ صحت و تربیت اطفال را مطلقا نمیدانند کما اینکه از وضع ممالک متمدنه اطلاع دارند میدانند که عده نفوسشان روز بروز در تزاید است و ساحت ممالکشان از کثرت نفوس تنگی میشود که از مسکن مألوف خود بجای دیگر مهاجرت میکنند و حال آنکه بحکم شرع بعضشان مرد بر اخذ یک زن مجبور است و در ملت حنیف اسلام که حضرت عقل کل و هادی سبل صلی الله علیه و آله برای تکثیر نفوس امت مرحومه یک مرد را از زنان متعدده مباح و سنت نموده تناکحوا و تناسلوا فانی اباهی بکم الامم فرموده اند با وجود این از عده نفوس ما سال بسال میکاهد در آخرین سفر فرنگ در شهر پاریس در یکی از معابر زن و شوهری را دیدم میگذشتند غبطه و افسوس خوردم هفت طفل که سن تمامشان بهم نزدیک گویا متعاقبا متولد شده بودند در جلو آنها راه میرفتند طفل صغیری را هم در میان کردونی گذارده میکشیدند و همه با هم در کمال محبت و مهربانی در حالت تازگی خندان میرفتند معلوم میشد بچه از آنها متولد شده بدون آفت همه مانده اند و این از آن باب است که در تربیت اطفال جهد بلیغ داده اند و از ازدیاد مهم ملتفت اند آنها را قسمی تربیت میکنند که با کمال استعداد همیشه خوشحال و مأنوس و خندان اند و موجبات ملال و حزن را از آنها دور کرده

دیباچه

طرز غصه و بدخلقی را با ایشان مسدود مینمایند چنانچه هیچ گریه از اطفال
انها شنیده نمیشود نمیگذارند ضعیف القلب و ترسان شوند تدبیری میکنند
که جرئت پیدا کنند بر خلاف اهالی ما که از نادانی و سوء تدبیر طفل را بگریه
میاندازند چون نمیتوانند ساکت کنند او را میزنند و از گرگ و سگ و لولو
و خاله غولان و صداهای غریب و اشکال عجیب میترسانند طفل بیچاره که در این
دایره خیال تربیت یافته و سبع است از اینها تصورات فوق العاده میکند و از کمال
خوف و دهشت ساکت گشته اما مادام العمر جبان میشود یا وقتی از اسکات او
عاجز مانده پی در پی باو شیر میدهند بقدری ساکت میشود باز گریه میکند باز
شیر میدهند ولی از شدت امتلاء مبتلاء بسوء هضم و قولنج میگردد گریه را
بیشتر میکند بعض مادرها که بکلی از جاده مروت خارجند مخصوصا
در شبها برای راحت خواب خود شان وقتی طفل گریه میکند شربت خشخاش
و افیون و حب کیف میدهند تا ساکت شود غافل از اینکه بجدو و بلادت ذهن
مبتلا شده مستعد امراض صعبه متعدده میگردد و این ودایع الهیه را که عاجز
ترین مخلوقند بهمین قسمها خراب و ضایع کرده فوج فوج بوادی فنا میفرستند
لهذا این پرورده نعمت خادم دولت ابد مدت جاودانی **علی ابن زین العابدین**
همدانی که تمام همّ خود را صرف [illegible] در خدمت هموطنان بلکه عموم ابناء
جنس نموده اغلب اوقات را صرف ترجمه و تالیف و طبع کتب مفیده مانند دوره تشریح
مصور و تمام دوره طب فرنگی و یکدوره کحالی و امراض عصبانی و غیرها نموده
بود کتاب حفظ صحت و معالجه امراض اطفال را ابتلایی که ذکر شد اهم و فایده
آنرا اعم دیده با وجود هجوم هموم و ضعف مزاج و پریشانی خیال و تبلبل بال
از میان هفت کتاب امراض اطفال از تصانیف اطبای بزرگ فرنگ که در این
سفر اخیر تحصیل کرده بودم کتابی انتخاب و استخراج کردم که تمام شروط حفظ

طفلی را
از گربه که در خانه
بود زیاد ترسانده بودند
هر وقت گریه میکرد
میگفتند گربه آمد کشتا
میشد هر وقت گربه را
میدید بفریاد میکرد
روزیکه در اطاق تنها
خوابیده بود گربه داخل
اطاق میشود و خوفناک
او میبیند که گربه
در بالین طفل نشسته
و طفل مرده است
علی

صحت مادر و طفل در هنگام حمل و حین وضع حمل و حفظ صحت طفل و دایه را
بعد از وضع حمل از دادن شیر و غذا و تربیتهای جسمانیه و نفسانیه از هنگام
تولد تا زمان فطام و تهیه اغذیه و ادویه مناسبه و علاج ناخوشیهائیکه از وقت تولد
و بعد از آن تا سن هفت سالگی عارض میشود و کیفیت ترتیب و تعلیم آنها در آن مندرج با
بفضل الله تعالی و حسن توفیقه بزبان خوش و عبارات ساده نوشته که برای مادران
و دایگان و زنان هر خانواده دستوری و برای اطباء تذکاری و از این قلیل البضاعه
یادگاری باشد تالیف نمودم و برای پیشکش قدوم اعلیحضرت جمجاه سپهر دستگاه شاهنشاه
جهان پناه انجم سپاه که دین و دولت را از جلوس خود فروغی تازه بخشید جوهر فرد
مجمع فرزانگی مظهر مردانگی ممهد قوانین عدل و انصاف و بنیه کن بنیان جور و اعتساف
منبع شجاعت مرکز مدار سخاوت پادشاهی که جهان تا پاید از استواری عهدش
پاینده شد و عالم را اعتبار از محکمی بنیان دولتش اعتبار دیگر آورد مظفری که
ظفر از کمر بستگان خاصه و منصوری که نصرت از ملازمان حضرت او است مالک
الملوک القاهر و سلطان السلاطین الجابره الملک العادل و السلطان الباذل
والخاقان القاهر و البطل الشدید و الظفر و الناشد السلطان ابن السلطان ابن السلطان
والخاقان ابن الخاقان ابن الخاقان السلطان، خلد الله تعالی ملکه و سلطانه و
ادام الله علی العالمین فیض بره و احسانه موسوم **باحیاء الاطفال مظفری**
کرده بر مقدمه و دو مقاله و خاتمه مرتب نمودم و اینک بتوفیق حضرت واهب
العطایا شروع بمقدمه نموده از خداوند علی اعلی توفیق اتمام کتاب را مسئلت مینمایم

مقدمه

در حفظ جنین در ایام حمل و بعد از وضع حمل و آن در دو فصل ایراد میشود

فصل اول در مطالبیکه دانستن آنها بر ابوین لازم است —

مردیکه بخواهد طفل سالم صحیح المزاجی داشته باشد باید زن جوان خوش خلق فربه نجیبی

که خون صافی و مزاج سالمی داشته باشد اختیار نماید و از زنانیکه غالبا خون از آنها
جاریست مجتنب باشد چه سلامت بودن خاصه مادر اول شرط سلامت طفل است مکرر دیده
شده اطفالیکه از بدن مادر مریض یا ضعیف متولد میشوند در همه عمر علیل مهموم و مغموم
و به تنبلی و کاهلی زندگانی مینمایند

در ایام حمل باید بکمال مواظبت نمود که مادر مریض نشود چه اعضا طفلی که در شکم دارد
در حقیقت عضوی از او است وقتیکه مریض شد اعضا طفل متاثر شده مریض میشود
بالجمله سلامت جنین موقوف بسلامت مادر است پس باید در حفظ صحت او کوشید برای
نیل باین مقصود بر حوامل لازم است که جمیع شرایط حفظ صحت و همه حالات جسمانیه و نفسانیه
خود را بنهجی که مشروحا مرتبا مرقوم خواهد شد منظم و مراعات نمایند

زن حامله باید بداند که انسانی مثل خودش در شکم دارد که بسی عزیز است نا چار
طریقه و دستور زندگی خود را که قبل از حمل داشته در اوقات حمل تغییر داده مبنا انرا
بر حفظ خود و طفلش بگذارد حوامل در جمیع ممالک متمدنه بسیار محترم و از همه تکالیف
مشکله و شاقه معاف اند حتی از روزه و بر منزلهائیکه در شریعت ما واجبست معفوند

فصل دوم

در تدابیر حوامل برای حفظ جنین

De la conservation des enfants pendant la grossesse.

(۱) هوای مستنشق حوامل — تا ممکن است در مکان خلوت و راحت و هوای
صاف خالص زندگی نموده و هوای اطاق خود را مکرر تجدید نمایند چه تجربه شده
هوای غیر مجدد بسیار مضر و موجب امراض کثیره اینها میشود چنانکه زنان ساکنین بعضی
از قراء روپا که در میان دره تنگی واقع بودند و هوای بد داشتند اولادشان
بسیار ضعیف متولد شده میمردند چندی اینها در ایام حمل بامکنه وسیعه مرتفعه
که هوای خوب داشت اقامت داده اولادشان قوی و عده اموات شان کم شد

De l'air que doit respirer une femme grosse.

(۲) در کمیت و انتخاب نوع اغذیه حوامل — در تمام مدت حمل بخصوص در

De la quantité et du choix des aliments.

اواخر باید از امتلاء معده و پرخوری اجتناب نمایند تا از سوء هضم ایمن باشند
پس مناسب این است که دفعات غذا را بیشتر و مقدار آنرا کمتر کنند و این موجب
نیکی اشتهاء و جودت هضم میشود —

ولی کسانیکه اشتها دارند و غذا را خوب هضم میکنند چون باید بدو نفر غذا برسد
بعادت سابقه خودشان یعنی مثل اوقات قبل از حمل غذا بخورند بلکه وقتی طفل
در شکم بزرگ شد بشرط جودت هضم بیشتر از آن هم غذا بخورند اما از غذای
بد و ثقیل احتراز کنند و پیروی عقاید باطله عوام را که میگویند زن حامله میتواند
هر گونه غذای بد غیر منهضمی را هضم کند و ضرر باو نرساند نمایند

Des boissons.

(۳) مشروبات حوامل — تنها شراب و مشروبات الکلی بخصوص مقدار زیادشان همیشه در حوامل
نتایج ناگوار دارد زیرا علاوه بر ضرریکه بخودشان میرسانند ممکن است اطفال شانرا
مستعد عوارض خطرناک از قبیل مستی و امراض کثیره صعب العلاج مانند صرع و اختناق
رحم و جنون و غیرها نماید —

De l'exercice.

(۴) ریاضات حوامل — علی العموم ریاضات معتدله اسباب سلامتی خود و طفل
انها است و مناسب ترین ریاضات معتدله انها پیاده راه رفتن است که برای جلب اشتها و سهولت
هضم و حفظ صحت و تقویت قوی بدن لازم است اما زنان ضعیف البنیه که قوه حرکت و رفتار
ندارند پیاده خیلی با تانی و آرامی راه روند یا در کالسکه نرمی نشسته در روی
زمینهای صاف و هموار با آهستگی حرکت دهند مطلقا سواری و رقص و سفر طولانی و
حرکات عنیفه بر زنان حامله اجازه داده نشده است خاصه اوقات قریب بوضع حمل که باید
از ریاضات شاقه و حرکات شدیده اجتناب نمایند هر گاه علامات سقط ظاهر شود مانند آنکه
در اواخر حمل در وقت حرکت احساس سنگینی و تیر کشیدن دردناکی در شکم نمایند باید
مطلقا بی حرکت و راحت بمانند

Du sommeil.

(۵) خواب حوامل — کلیه خواب زن حامله در وقت حمل باید زیادتر از سابق باشد

حفظ صحت حوامل

از خوابیدن در رختخوابیکه میان آن پر باشد اجتناب نمایند زیرا که سبب کثرت حرارت شده خون را بطرفی لکن برده ممکن است موجب سقط گردد از زیادتی خواب هم که خون را گرم کرده بنیان اعصاب را ضعیف مینماید بپرهیزند

Des bains.

(۶) حمام حوامل — حمام را اگر بعضی منع کرده اند برای ملاحظات حفظ صحتی لازم است در قولنج کلیوی و آفات مرضیه دیگر و درد اوجاع حتی در زیادتی درد هرگاه خون ورم شکم باشد یا زن احساس حرارت زیاد و وجع شدید نماید با حرکات تشنجیه و ارتعاد به عارض گردد حمام رفتن واجب میشود زنها نیکه زیاد حمام میرفتند باید در اول حمل دفعات آن را کم کنند و حمام آنها زیاد گرم نباشد مخصوصا در شکم اول حمام طولانی بسیار مضر و اغلب موجب سقط میگردد خصوصا در زنهای ضعیف المزاج گفته اند وقتیکه بماه چهارم و پنجم میرسند انقلابهای صحت ندارد نزدیک زاییدن نیز برای آنکه وضع حمل آسان شود مفید است

Dangers des passions.

(۷) خطر اعراض نفسانیه آنها — زن حامله باید از غضب و خوف احتراز کند از حسد و بغض کناره جوید غم و اندوه و میلهای غریبه را بقدر امکان از خود دور نماید خود را گرفتار عشق و هوا نکند از جماع زیاد و طولانی بخصوص در اواخر حمل که موجب جریان حیض و سقط میشود بپرهیزد

Des vêtements

(۸) لباس حوامل — لباس آنها باید گشاد و سبک و قسمی باشد که مزاحم طفل نشود و بدن هم چسبیده باشد که سرما نخورند بعضی از زنان بواسطه شرم و حیا حمل خود را مخفی میکنند و شکم را محکم و سخت می بندند باید طبیب ملتفت اینمطالب باشد و زن حامله را از استعمال کمربند و سینه بند و پستان بند و لباسهای تنگ منع نماید که مانع عمل معاشیه موجب زحمت تنفس و دوران خون خود شان و دوران خون طفلشان و مانع از نمو و حرکات طبیعیه او در شکم آنها میگردد و اغلب موجب تغییر مکان رحم و تغییر وضع طفل شده وضع حمل را مشکل مینماید ضرر دیگر سینه بند

مولف: بگویند با حمام مادرها فرنگیها تفاوت کلی است مقصود از حمام که فرنگیها میگویند ظرف بزرگی است که بلندی دو گز آب میگیرد اگر گرم و سرد در وان میریزند نباید دخیر که میخواهند گرم باشد میرسد بنیان آن زن نیم ساعت کمتر میباشد نشست و شو کرده اگر بخواهند صابون میزنند بعد خوب شسته بیرون آیند خارج میشوند و این قسمت بحمامهای ما که محوطه وسیع پر از بخار گرمی زیاد و گرد در حقیقت حمام بخار است شبیه آن نیست بحرارت زیاد گرم اغلب اوقات زیاد گرم است که مریض ما تحمل گرما را نمیکنند مخصوصا از نهایت دمای گرم میباشد و مکرر از بلدها بالا رفته داخل آنجا انشاء شده و زیاده معمول حمام میباشد استعمال برای حوامل نیز ملکه موجب سقط و خونریزی میگردد مگر اینکه حمامی اختیار کنند که بخار آن چندان گرم نباشد و نیز [illegible] اوقات عرق نکنند

عوارض هنگام حمل

و پستان بند این است که پستانها را فشرده شیر کم شده مانع از تغذیه طفل میشود

فصل سیم

Des principaux accidents qui peuvent survenir pendant la grossesse.

در عوارضی که ممکن است در مدت حمل اتفاق افتد

Des indications de la saignée.

(۱) فصد حوامل — هرگاه در ماه سیم یا چهارم طپش قلب و خفگی و درد سر و ظلمت بصر عارض شوند از یکی از اوردهٔ دست فصد نمایند بخصوص اگر این عوارض در وقتی که همیشه حایض میشدند ظاهر گردد اما از افراط در فصد که در بعضی بلاد معمول است که در هفته ششم و در اواسط حمل و در ماه نهم بدون موجبی فصد میکنند باید اجتناب کنند زنان قلیل الدم پریده رنگ اگر مکرر بسیار هم فصد کنند موجب ضرر کلی میشود

De la constipation.

(۲) یبوست مزاج حوامل — هرگاه یبوست عارض شود اشیاء ملینه از قبیل اسفناج و کاهو و کره تازه و آش زردک و نان سبوس دار و گوشت گوساله و غلوالوی پخته و عمر نابی کالابی بخورند حقنه های ساده نیز مفید است و اگر لازم شود ملینی هم بدهند نباید گذاشت یبوست بجائی برسد که در وقت تخلیه زیاد زور و قوت کنند که بسیار با خطر است و موجب سقط میشود مطلقا منع از حقنه هم در وقت حمل خطا است زیرا که گاهی زیاد لازم میشود باید دانست که مدتی در بستر راحت ماندن استعداد یبوست را بیشتر میکند

Des vomissements.

(۳) قی حوامل — در اول حمل زیاد اتفاق میافتد و از علامتی است که دلیل بر حمل است اغلب بی خطر است در ماه سیم یا چهارم موقوف میشود سهل ترین تدابیر برای منع آن از استعمال مطبوخات معطره است (برگ نارنج و گل گاوزبان و چای و غیره) و آب سلتز و شربت های بارده بالفعل یا با یخ سرد کرده و بلعیدن قطعات کوچک یخ نیز قی را دفع مینماید هرگاه اینها مفید نشد طبیب لابد از تجویز تریاک و ترکیبات آن میگردد و اگر چنانچه قی بنوبه عارض شود استعمال گنه گنه بسیار

مفید است و اگر مربوط بکثرت دم باشد فصد و بالعکس در قلت دم مقویات و ترکیبات
انفوتیه تجویز نمایند

Des purgatifs

(۴) مسهلات حوامل — نباید در هنگام حمل از مطلق مسهلات اجتناب نمود
مسهل برنو و مسهل خفیف عند الضروره بدهند و از مسهلات قوی تر منع نمایند چنانچه
سوء هضمی که اغلب عارض زنان حامله میشود هرگاه مسهل ندهند ممکن است بعد از
وضع حمل بجهات دیگر و اسهال و سوء مزاج مبتلا گردند

Des dégoûts

(۵) بی اشتهائی آنها (ویار) — اینحالت غالبا عصبانی است و از استعمال ادویه ضد تشنج
و مقویات مره از قبیل کلمبو و کاسیا و جنطیانا و سولفات دو کنین زایل میشود و
هم ممکن است بواسطه امتلاء مجرای تغذیه عارض گردد علاج آن مسهلات برنو است
ممکن است کثرت دم موجب بی اشتهائی شود بهترین علاج آن فصد است

Des aigreurs.

(۶) ترشی معده آنها — در این حالت منیزی کالسینه و بی کربنات دو سود و غیره
و قی بسیار مفیدند گاهی ادویه مره معطره در دفع این مرض از هر دوائی
بیشتر مؤثرند

De la salivation.

(۷) تلعب حوامل — در ابتدای حمل اغلب جریان لعاب دهان موذیتی عارض
میشود و از ادویه ضد تشنجیه مانند مطبوخ سنبل الطیب رفع میشود هرگاه
حالت موذیه داشته باشند کنه بهترین دوا است که از آنها رفع نشد منع غذای
بانبات در دهان گیرند

Du mal de dents.

(۸) درد دندان حوامل — گاهی سبب از انصباب خون بفکین است ولی غالبا
عصبانی و بدون انصباب ماده است اگر احتمال و تجمع خون باشد اخراج خون کنی مثل
ارسال چند زلو در محاذی موضع وجع کنند و اگر عصبانی باشد ادویه مسکنه
مثل برمور دو پطاس و تریاک بدهند و اگر درد بنوبه عارض گردد کنه کنه تجویز کنند

Des hémorrhoïdes et des varices.

(۹) بواسیر و ورم وریدها — این مرض بواسطه فشار دادن رحم با ورید

که از اطراف سافله و از قسمت اخیر امعا خون را بقلب میبرند عارض میگردند و غالبا
بواسطه یبوست شدید عارض میشوند خطر ورم وریدها از بواسیر بیشتر است
زیرا که بعد از وضع حمل علاج نشده و در هر حمل صعب تر میشود احتیاط این است
که در ورم وریدها نوار پیچی کنند و لباسهای تنگ نپوشند که مانع از دوران
خون شوند و یبوست مزاج را بملینات و مسهلات و حقنهای ملینه علاج نمایند در
بواسیر مالیدن پماد نوانکیل و استعمال شیافهای و غیره کاکائو برای معالجات بسیار
در این دو مرض حمام های موضعی و عمومی بسیار مفیدند

Des démangeaisons.

(۱۰) خارش حوامل — گاهی در اوایل حمل خارش شدید در آلات تناسل
زن ظاهر میشود که او را از خواب و خوراک و رفتار باز دارد استحمام و غسول بالقلیات
و حمامهای کوکردی در علاج آن کافی اند بعضی ارسال چند زلو بموضعی که زیاد
میخارد تجویز کرده اند

Des déplacements de l'utérus

(۱۱) تغییر مکان رحم آنها — در هنگام حمل اغلب رحم از جای خود حرکت کرده
غالبا پائین نزول مینماید و در شکم دویم و سیم بیشتر از شکم اول است برای شکم را
بطوریکه رحم نزول نکند محکم ببندند و استعمال کمربند در اواخر حمل بسیار مفید است

De l'avortement

(۱۲) در سقط و علامات عمده و اسباب آن و تدابیر منع از آن — دقت باید کرد در اول

اول در بیان فرق میان سقط و زائیدن قبل از موعد —
سقط عبارت از افتادن طفل است پیش از ماه ششم و وضع حمل قبل از موعد افتادن
آنست از ماه ششم تا ماه نهم

Sa gravité.

دویم خطر سقط — این خطا است که گفته اند سقط چندان خطری ندارد
چه خطر آن کمتر از زائیدن بموعد نیست هرچه مدت حمل بیشتر باشد در اثنا
سقط بیشتر است در اواخر ماه اول تا اواخر ماه چهارم هم از بابت اینکه نزف الدم
شدید عارض شده اخراج جنین صعب و بیرون آوردن جفت بزحمت میشود

نیز با خطر است

Des signes.

سیم علامات عمدهٔ سقط — هرگاه زنی که قبل از حمل در هر حیض خون زیاد از او جاری میشد احساس زحمت و سنگینی در دلکن و وجع در کلیه کرده خاصه وقتیکه خون کمی هم از او جاری است جریان خون بعد از تحقق حمل بخصوص بعد از ماه سیم باشد باید ملتفت سقط باشند هرگاه یکی از اسباب قویه موجب سقط گردد او مبتلا بدرد شدید در کلیه با سایر نقاط بطن شده که دائم و گاهی پس از لحظهٔ شدت میکند و درد زائیدن غالبا در روز بعد از این واقعه نمودار میگردد و اما اینکه ممکن است کمتر یا بیشتر شود و طفل چند ماه در رحم مرده مانده پس از آن خارج شود مرده ماندن طفل در رحم ضرری ندارد بجهة اینکه هوا داخل رحم نمیشود که طفل را متعفن کند علامات مردن جنین اینست که زن احساس سنگینی دردناکی در شکم میکند که با حرکات بدن متابعت مینماید و در هر شب میکند و تغییر بروز نمود پستانها متأثر شده و شیر از آنها ترشح کرده حرکات شدیدیکه طفل در شکم میکرد موقوف میشود از آن معلوم میشود که طفل مرده است اگر سقط بواسطهٔ عللی مادر یا سببی دیگر که کم کم در طفل اثر میکند عارض شود علامات ذیل ظاهر میشود کاهی تشعریره و کاهی گرمی بدن سقوط اشتها و وجع قلب خستگی و سردی اطراف و غمگینی و بدخلقی و احساس سردی در مواد و ضعف سنگینی و غیرها در شکم اینها که ظاهر شدند حتما جنین سقط میشود و هیچ تدبیری منع از آن نمیتوان نمود

Moyens de …

چهارم پیشگیری از سقط — برای جلوگیری از سقط باید از اسباب عمدهٔ آن که مذکور میشود دوری جسته بیکاری و گوشه نشینی که ضرر شان از کارهای پر زحمت بیشتر است استعمال پستان بند تنگ که مانع انبساط شکم است و هر چیز رحم را تحریک مینماید از مسهل و حقنه و مقوی کردن و ضربه و سقطه و جماع طولانی که بقوت بکنند و برداشتن چیزهای ثقیل و زیاد و رقص و خیلی مکث …

لقعا مؤلف بر آنست که اگر زن از اول طلوع بحرکت ذات چنانکه عادت داشته و معمول است کرده تمام ایام حمل حرکت و جمیع اعمال را که در ایام … و سعی کرده … میماید نهادن آنها … بکذارند منع از حرکت و اشتغال نمایند که اسباب ضعف و توحش جمیع حالات آنها میشود اما اگر از اول عادت بحرکت نداشتند البته زیاد … وضع حمل باید کرد

ایام حیض باید کرم و رقص و سواری و اغراض نفسانیه شدید مانند غضب و غم و خوف و غیرها اجتناب نمایند زنانیکه زیاد مستعد سقط اند باید از یبوست مزاج پرهیز نمایند

پنجم دفع اسباب آن — رفع اسباب عمدهٔ مذکوره در منع از سقط کافی نیست مراعات چهار امر دیگر هم لازم است

Moyens d'en combattre les causes.

(۱) زنان ضعیف البنیه قلیل الدم و آنهائیکه مزاجشان بواسطهٔ امراض طویله ضعیف شده باید با اغذیهٔ مقویه و ترکیبات آهن و حمامهای بارده بخصوص حمام نهر و بحر مداومت نمایند مراعات این تدابیر برای آنها در تمام مدت حمل لازم است مگر گاهی که زیاد اسباب خستگی شوند که باید چند روزی ترک کرده دوباره معمول داشت —

(۲) جریان آب سفید اغلب باعث سقط میگردد باید برحسب حالات زن و مزاج بخصوص بزودی آبدزدکها و حمامهای موضعی و گاهی با اخراج خون کمی از او رفع آن را نمایند

(۳) اگر چند مرتبه سقط کرده اند و سبب آن معلوم نشد که میتوان از ضعف رحم نسبت داد باید بحمامهای بارده رفته آبدزدکهای سرد با آب خالص یا مطبوخ پوست کنه یا مطبوخات قابضه و مقویه برحم بزنند

(۴) زنان کثیر الحیض زیاد سقط میکنند باید قبل از حمل و در مدت حمل غذاهای مقویه را ترک کنند و همینکه معلوم شد خون آنها زیاد است فصد کنند بهتر این است که در هنگام حمل در هر ماه قبل از زمانیکه عادت میشدند اخراج دم نمایند

Premiers soins dans l'avortement commencé.

ششم تدابیر اولیه در وقتیکه شروع بسقط میشود — علامات آن از انقباض وجعی که شروع از ناف و ملکن منتهی میشود و وجع کلیتین و صلابت شکم و ثقل نشیمنگاه و اغلب اغراض آنها طولی نمیکشد که لختهای خون آلوده پدیدار می کردند و نزف الدمی که ابتداء اندک و بعد زیاد شده و مصادف است با پاره شدن کیسهٔ ماء ظاهر میگردد باید قبل از وصول طبیب بچه را مذکور میشود معمول دارند او را بروی رختخواب یا بزمین بوضع افقی یعنی دراز بخوابانند مطلقا از حرکات …

آن انکه زنهای حامله مزاج و آنها یکی از اغراض نفسانیه مثل غضب و فرح و غیرها زود متأثر میشوند از زنانیکه اینحالات ندارند و ادار طبیعت اند بیشتر سقط میکنند
علی



برای دفع مواد بکه در امعاء است یکمرتبه با آب خالص حقنه نمایند پس از آن حقنه دیگر با نصف پیاله آب دوازده قطره لودانم کرده کمی نگاه دارند لیمونادسرد که با آب لیمو یا ترنجها خامضه ساخته اند مفیدند هرگاه نزف الدم زیاد باشد دستمالهای تاب سرخ و برده بروی فخذین ارسال دارند اگر با اینها موقوف نشد بطبیب رجوع نمایند

فصل چهارم

در دقایق وضع حمل و حفظ صحت زاهو و دزان پانزده دقیقه

Hygiène de l'accouchement et des nouvelles accouchées.

دقیقهٔ اول حفظ صحت زن در حین زائیدن — باید اطاق بزرگ و جدید الهوا و خلوت و درجه حرارت آن معتدل و روشنی آن کم باشد همینکه درد زائیدن ظاهر شد هیچ غذائی نخورند زیراکه تمام قوای طبیعیه در آن حالت متوجه رحم است و غذا هضم نشده استفراغ میشود هرگاه درد زائیدن زیاد طول کشید و زن اشتها دارد کمی آب گوشت بدهند شربت باید کم و ملایم باشد استعمال شراب مضرات اگرچه بعضی از زنها برای ازدیاد قوه آنرا میدهند ولی ضرر آن از نفع آن بیشتر است زیراکه موجب ورم و نزف الدم میشود کمی روغن زیتون یا روغن زیتون چرب کرده بیافتند تا از صدمات زائیدن محفوظ ماند لباس او باید مناسب فصل باشد بندهای آن تماماً گشوده بستر خواب او را قابله تهیه نماید مشمعی بروی تشک بیندازند و در اطاق دیگر طبیب و دو نفر شاگرد او و یک نفر پرستار کسی نماند در وقت زائیدن باید زن قوی دل باشد و او را بترسانند و از زنانیکه در وقت وضع حمل تلف شده اند گفتگو نکنند بلکه او را دلداری کنند و از سهولت زائیدن متذکر شوند

Hygiène de l'accouchement

بقراط و بعض متقدمین گفته اند که طفل بقوت و طبیعت خود از رحم خارج میشود این رای را معاصرین و متاخرین مردود کرده و ثابت کرده اند که انقباضات رحم او را بخارج میافکند قوت کردن طفل در آن مدخلیتی نیست پس اگر بعد از این عقیده را کرده شکم را بفشارند که طفل زود خارج شود نباید خطر دارد و نباید هم

نباید برای اخراج جنین قوت کند باید منتظر قابله باشد هنوز در بعض دهات این اعمال را میکنند و بسیار مضر است بعض اعمال بجا هم از قبیل سهولت وضع حمل میکنند که آنها نیز خالی از خطر نیست از قبیل بردن انگشت بتقبه عنق رحم در وقت درد زائیدن که بعضی قابله ها برای سهولت عبور سر طفل مرتکب میشوند و استعمال شربتهای تبادره قلبیه و حقنه های محرکه است که برای سرعت و سهولت وضع حمل میدهند **سکل ارکته** از دواهای بسیار نیک و برای سهولت وضع حمل فائده کلی میکند و استعمال آنرا طبیب میداند نه زنهای قابله که در هر موقع آنرا استعمال میکنند و دادن این دوا در غیر موقع مضر و موجب عوارض خطرناک میگردد اول دقتی که برای طفل بلا فاصله بعد از وضع حمل باید کرد اگر طفل ساکت باشد و گریه کند و بقاعده نفس بکشد این است که از قاعده بند ناف مطمئن شوند که متصل بفوسی از امعاء نباشد و بفاصله دو یا سه عرض انگشت از شکم بند ناف را محکم ببندند و قبل از بستن بچه در جوف آن بطرف ناف دو بفشارند تا تعدی الاثر از موضع بسته شده آنرا قطع نمایند

De la délivrance.

دقیقهٔ دویم بعد از وضع حمل — دردهائی هنوز عادت یکی دو ساعت است که بلا فاصله پس از خروج طفل و پیش از بستن بند ناف (مشیمه) جفت را بیرون میکنند و این سبب درد شدیدی میشود و ممکن است که رحم را از این کشش وارونه نمایند یا نزف الدم شدیدی عارض شود پس باید دانست که جفت بواسطه انقباضات رحم خود بخود بالطبع جدا شده خارج میشود بیرون نکشند آن وقت از نیم ساعت تا سه ساعت پس از وضع حمل جایز نیست که هم لازم شود در کمال دقت و ملایمت بیرون آورده هرگز بقوت نکشند

Préjugés relatifs à la nouvelle accouchée

دقیقهٔ سیم اعمالی که برای زاهو مضرات هنوز بعضی از آنها معمول میدارند اول بعد از وضع حمل برای حفظ شکم نوارها یا کرباسی به شکم زن با فشار می پیچند و این

خالی از خطر نیست اگر دستمالی که چندان فشار ندهند روی شکم ببندند ضرری ندارد

دوم بعضی مشروبات گرم و مشروبات الکلی برای دفع درد زائیدن میدهند
ممکن است موجب نزف الدم مهلکی شوند

سیم از مسهل و حقنه و مقی بکلی منع میکنند و حال اینکه گاهی لازم میشوند آب
گوشتهای مقوی نیز او میدهند و در اطاق او مهمانی میکنند و این بکلی ممنوع است

Soins à donner à la femme après la délivrance.

دقت چهارم ملاحظه اینکه برای مادر بلا فاصله پس از زائیدن باید کرد
بعد از وضع حمل بقدر دو ساعت او را آسوده و راحت بحالت خود بگذارند
که جفت خون محتوی در رحم بکلی خارج شود بعد از آن مشغول پاکیزه کی او شوند
پارچهای سفید که برای این لازمست نیم گرم کرده رختخواب او را حاضر نموده مواضع
او که باید شسته شود با غسول نیم گرمی از لعاب خطمی یا آب بزرک بشویند و با
خشکی بزیر او بگسترانند پارچهای آلوده را از زیر او بیرون آورند و او را بروی دست
بوضع افقی گرفته در رختخواب تمیز بگذارند خودش راه برود اگر خیلی سنگین است
و نمیتوان او را حرکت داد رختخواب را نزد وی آورند ظرفی برای خون و خونابه
که از او خارج میشود زیر مشمع روی تشک قرار دهند تشک نیز مناسب حال
او نیست بجهت اینکه نرم است متصل وضع آن تغییر میکند اطاق او را پاکیزه کنند
پارچهای آلوده را بیرون ببرند گلهای معطره که بعضی در اطاق میگذارند بیرون آورند
همیشه درجه حرارت اطاق را ملاحظه کنند که اگر زیاد سرد باشد ترشح رطوبت
نفاسی قطع و موقوف میشود و اگر زیاد گرم باشد موجب عرق و ضعف و درد سر
و امراض دیگر میگردد همه روزه هوای اطاق او را تجدید کنند وقتی در و پنجره را
برای تجدید هوا باز میکنند او را بدقت بپوشانند مگر اینکه هوا خیلی گرم باشد
هیچ وقت بستر او را در محل جریان هوا نگذارند طبیب باید یکساعت بعد از وضع حمل
از پیش او نرود تا اینکه بکلی بحالت صحت رجعت نکند او را ترک نکنند که روی شکم نیز

ببندند و نباید در ساعت اول بعد از وضع حمل او را خواب نمایند بکلی از اختلاط باید
اطاق را اندکی تاریک کنند که خواب بر او خوش شود بجز یک نفر پرستار کسی نزد
او نماند و از مواظبت و احتیاطهای بیجا او را خسته نکنند اگر طفل گریه میکند
او را باطاق دیگر ببرند که خواب مادر راحت شود و بر حسب سهولت و صعوبت وضع حمل
بگذارند از دو الی هشت ساعت بخوابد در بعض مواضع عادت شده مردها اگر چه
خواص هم باشند منع میکنند بلکه در بالای در منویسند که نباید کسی داخل این
اطاق بشود

Régime de la nouvelle accouchée.

دقت پنجم تغذیه زائو — مشروب معتدل اول چای از گل زیرفون و برگ
نارنج است که شربت هم عرق بید داخل آن کرده میدهند اما باید زیاد سرد نباشد
مادام که اشتها کم دارند آبگوشت بآنها میدهند وقتی گرسنه شدند بآنها کمی
شیر میدهند شبانه روزی سه مرتبه و آنهائیکه شیر نمیدهند دو مرتبه آش ساده میدهند

Des tranchées utérines.

دقت ششم دردهای متناوب بعد از وضع که از حرکات رحم برای اخراج
لختههای خون و خونیکه باز محتوی رحم بوده و از آن حاصل میشود در زنانیکه
چند دفعه زائیده اند شدیدتر و بیشتر از آنها است که شکم اولشان است
و در بین این درد لحظه بلحظه یعنی در هر انقباض رحم در زیر شکم مثل تومر
(عقده) صلبی جمع و برآمده میشود و در هر بلند شدن خون کمی از آنجا جاری
میگردد هرگاه این درد بسیار شدید باشد تا طبیب حاضر نشده ضمادی از
بزرک که بیست و پنج الی سی قطره لودانم بر آن گسترده باشند بروی شکم بنهند
اگر از این ضماد درد ساکت نشده قطره لودانم در دوازده مثقال آب نیم
گرم ریخته حقنه نمایند

Des lochies.

دقت هفتم رطوبت نفاسی — مائی که بعد از وضع حمل از زنانیکه
رحم آنها بحالت طبیعی برنگشته جاری میشود رطوبت نفاسی نامند و اول خون خالص

پس از آن مایع مصلی خون آلودی دفع میشود هرگاه در آن وقت تب شیر عارض گردد رطوبت نفاسی موقوف میشود و همینکه تب دفع میشود دوباره جاری میگردد اما آن وقت سفید مایل بزردی است در زنان شیرده نفرس با سه هفته و در آنهائیکه بچه شیر نمیدهند اغلب شش هفته جاریست اگر این رطوبت بصفات مذکوره نباشد تا وقتیکه قطع شود فقط مواظبت پاکیزگی در علاج آن کافیست و اگر بواسطه سببی معین یا غیر معین قطع شود باید فورا بطبیب عرضه کرد که او جاری کند چه موقوف شدن آن که غالبا بنظر چندان معتنا به نیست ماگاهی سبب خطر شدید میشود اگر رطوبت مذکوره گندیده و متعفن شود با مطبوخ بابونه آبدزدک بزنند که مهبل را بشویند

de la fièvre de lait.

دقت هشتم تب شیر — این تب را واخر روز دوم یا نصف اول روز سیم بروز میکند گاهی از قشعریره کم و صداع و بعد از آن از سرعت نبض و حرارت جلد که در ابتداء خشک و بعد از چند لحظه عرق وافری در آن ظاهر میشود شروع میکند و همیشه مصادف با صلابت پستانها است که اغلب تا زیر بغل را متورم مینماید وگاهی موجب درد بسیار شدیدی میشود این تب در زنان شیرده اغلب خفیفتر است بخصوص در زنهائیکه طریقه احتیاط را از دست نداده چند ساعت بعد از وضع حمل پستان خود را بدهان طفل گذارده شیر داده اند در مدت تب پرهیز کامل لازم است سینه را گرم بپوشانند و وقتی خوف سرما خوردگی باشد از غسول و حقنه اجتناب نمایند

Du régime après la fièvre de lait.

دقت نهم غذای آنها بعد از تب شیر — چون تب شیر قطع شود غذا تجویز نموده و بتدریج زیاد کنند و اغذیه مقویه بدهند هرگاه پستانها زیاد صلب باشند باید غذا کم تجویز نموده غذای مقوی را ترک کنند برای تلیین سه مثقال روغن کرچک بدهند در روز یازدهم و دوازدهم او را بعادات سابقه امر نمایند

Du lever de l'accouchée.

دقت دهم برخاستن زائو — بعد از دفع تب شیر مادر را از رختخواب بیرون آورده بستر او را عوض کنند در روز نهم میتوان روزی دو ساعت او را بروی صندلی نشانید

De la première sortie.

دقت یازدهم بیرون رفتن زائو — در تابستان روز بیستم میتوانند از خانه بیرون رود و در زمستان یکماه الی شش هفته راحت ماندن در خانه لازم است

De la liberté du ventre après les couches.

دقت دوازدهم تلیین مزاج آنها — بعد از وضع حمل مانند قبل از آن شکم را باید بواسطه حقنه یا مسهلات خفیفه ملایم آزاد نمود

Faire passer le lait.

دقت سیزدهم خشکانیدن شیر زنی که نخواهد طفل خود را شیر بدهد مطبوخ نی شکر (ده مثقال در دویست مثقال آب) بنوشد یا مطبوخ دو مثقال برگ غار بدهند و اغذیه مقویه را ترک کند یا چندین مسهل خفیف مثل آب سدلیتز یا سیترات دو منیزی تجویز کنند پستانها را گرم بپوشند

De l'engorgement des seins.

دقت چهاردهم خالک پستانها — هرگاه یک یا چند عقده پستانها سخت و صلب شوند ضماد گرم بروی آن اندازند و شیر را دوشیدن مداومت نمایند هرگاه آن صلابت ساده نبوده ورم عارض شود باید شیر دادن را ترک نمود ضماد برنج بروی پستان اندازند اگر درد داشته باشد عصاره بلادن را داخل روغن خاکستری کرده بمالند که تحلیل برود اگر تحلیل نرفت و ریم در آن ظاهر شد باید بجراح رجوع کرد که بدون تأمل نیشتر بزنند

Des gerçures des seins.

دقت پانزدهم شقاق پستانها — در زنانیکه دفعه اول شیر دادن آنها است و در بعضی دیگر شیر دادن شقاق عمیقی در پستانها عارض میشود اگرچه خطری ندارد اما از مکیدن متألم شده وجع شدید عارض میشود و اغلب آنها را از شیر دادن باز میدارد و ممکن است چرک یا رطوبتی که

از آنها جاری میشود داخل شیر شده برای نوزاده ضرور داشته باشد
تدابیر زیادی برای علاج آنها کرده اند اما کاهی مفید و کاهی بی اثر
بوده اند برای پیش بندی از آن باید ده دوازده روز قبل از وضع حمل
باد فاده های آلوده بشراب پوست کنه کنه یا غسولی از جوهر مازو که بروی
حلمه الثدی کذارند موضع را تقویت نموده لعاب بهدانه (پنج تا شش دانه
بهدانه زاد را با قاشق آب جوش بریزند تا لعاب کند) بروی شقاقها اندوده
موم روغنها و روغن کاکائو بروی شقاقها بمالند مفید است آب آهک
معمول را داخل جوهر (حسن لبه) حصی لبان نموده بمالند و موضع را
با نرشی بوری (اسید بریک) بشویند اکر ممکن باشد
چند روزی طفل را از پستان شیر نداده شیر
کاو با قاشق یا پستانک بنوشانند و در این
بین شقاقها را علاج کنند زود تر
معالجه میشود

تمت المقدمة وتتلوها المقالة
الاولی انشاء الله
تعالی

مقاله اولی

De l'éducation physique des enfants depuis la naissance jusqu'après le sevrage.

در حفظ صحت نوزاد و دراز دو تا یک

باب اول در حفظ صحت و تربیتهای طبیعیه و جسمانیه از حین تولد تا بعد از
زمان از فطام و آن در چهار فصل بیان میشود

Des premiers soins.

فصل اول در تدابیر اولیه و در آنها چهارده ملاحظات

ملاحظه اول در انقطاع نفس نوزاد — بعضی اوقات طفل که متولد
میشود صورت او بنفش و منتفخ و بدنش بی حرکت و ضربانات بند ناف او غیر محسوس
است در اینحالت باید بند ناف را ببرند تا قدری خون جاری شود دوباره ببندند زیرا
که سبب این اختناق (ایستادن) خون در دماغ و در پیرات همینکه خون
خارج شد احتقان رفع میشود و هم در این حالت طفل را عرضه هوا نمایند
که نفس بکشد بلغمها یکه در کلوی او جمع شده با انکشت یا قلم مو بیرون بیاورند
و با کمال قوت هوا در صدر او را بفشارند و دلکهای محرکه نمایند و تنفس مصنوعی
چنانچه مذکور میشود کنند لهذا بایستی اب سرد بر صورت بلکه بتمام بدن
و دلك بر روی سینه او را تمجید کرده اند

Asphyxie des nouveau-nés

ملاحظه دوم در اختناق (خفه شدن) نوزاد — همینکه متولد
شد اکر پریده رنك و بدن او نرم و سرد است و نفس نمیکشد اما ضربان ناف بند
ناف او محسوس است دیکر خفه شده است و اینحالت بلا فاصله بعد از تولد
عارض میشود و سبب آن طول عبور سر او از رحم و مهبل است در اینجا هم باید بند
ناف را ببرند و بکذارند قدری خون برود و ببندند و نوزاد را با پارچه های
کرم بپوشند اکر در اطاق بسته است بکشایند تا او را در جلو پنجره بکذارند
که هوا سینه او اثر نماید و روی سینه او را بادستمال یا پارچه که آلوده بسرکه
سرد باشد بمالند و با دست بقوت بر نشیمنگاه و اسافل بدن او سیلی بزنند و در حینی

Asphyxie des nouveau-nés

مدت
جوه طبیعی انظار
بچهار قسمت کرده اند
سن طفولیت سن رشد سن
جوانی سن پیری طفولیت را
بدو قسمت کرده اند
طفولیت اول که از زمان
تولد است تا دو سالکی
که وقت فطام است طفولیت
دوم از زمان فطام است
تا هفت سالکی سن رشد را
هم بدو قسمت کرده اند
فتای اول که از هفت سالکی
تا دوازده و یا زده سالکی
فتای دوم زمان بلوغ
که از دوازده و یا زده سالکی
است تا بیست و بیست و چهار
سالکی و کلیه بانات را
در اینکتاب از رشد و
احکام زمان طفولیت
که از زمان تولد تا هفت
سالکی است که اینها را جو
احکامشان تفاوت دارد
بدو قسمت کرده
بیان بکنیم
علی

ضعف مولودی و شستشوی نوزاد

که این کار را فورا میکنند حمام فاتری حاضر کنند که وقتی شروع بنفس کشیدن نمود او را در آب غوطه دهند باید غالبا در این تدابیر باشند و او را بحالت خود نگذارند نیز اگر اغلب این تدابیر بعد از یک الی دو ساعت اثر میکنند هر گاه اینها مفید نیفتادند آلت خاص مخصوص تنفس مصنوعی کنند یا دهن را بدهن او گذارده چندین مرتبه هوا را در سینه او نمایند و در هر دم خال نفس اول هوای سینه را باز کرده و انگشت گرفته فشرده و رها کنند تا زمان دخول هوا نه خیلی طولانی و نه دفعی باشد یا بنفسه که دخول هوا را باید بتدریج زیاد نمایند پس از آنکه قدری هوا داخل کردند موقوف کنند و فشاری بسینه دهند که هوا خارج شد شبیه باخراج نفس گردد

Faiblesse congénitale.

ملاحظه سیم در ضعف مولودی نوزاد — هر گاه قبل از موعد یا بعد از مرض شدید مادر متولد شوند بسیار ضعیف اند و تدبیر مخصوصی لازم دارند باید بلا فاصله پس از تولد آنها را در فلانل (ما هوت نازکی است) یا در پنبهٔ محلوج به پیچند و گرم نگاه دارند که سرما بآنها اثر نکند پس اطاق آنها را گرم و بیک هوا نگه دارند آب گرم در بطریها ریخته در اطراف آنها بگذارند بهتر این است که اگر ممکن باشد گاهوارهٔ فلزی برای آنها بسازند و از زیر بدرجه حمام فاتر یعنی بدرجهٔ رحم مادر گرم کنند طفل را در میان آن گذارده بر حسب حالت فصل او را بپوشند و ساعتی یک مثقال و نیم الی دو مثقال شیر با قاشق یا لوله کائوچو یا لوله دیگر یا قیف بدهان او بریزند اگر از راه دهان ممکن نشود او را افقا بر روی دست گرفته از سوراخ بینی گاهی از این بینی و گاهی از آن بینی داخل کنند

Nettoiement du nouveau-né.

ملاحظه چهارم در شستشوی نوزاد — پس از تولد بعض مواضع او از ماده چرب غلیظی پوشیده شده باید آنرا با ماده چرب دیگر مثل روغن زیتون و کره و موم و روغن بر داشت بهتر این است که زردهٔ تخم را زیاد بزنند و بموضع مالیده آنها را بر دارند و موضع را با اندکی آب فاتر و اگر خوب پاک نمیشود با

در تن [illegible] نماند او را کنند میگویند که طفلی که قبل از موعد متولد میشود [illegible]

در حفظ صحت نوزاد

صابون شسته با پارچه نازکی خشک کنند و با مندیل گرمی او را بپوشانند و طور آنرا بجا گذارند بمطلب یا حیوانات همه میدانند که بچه خود را اینقدر با زبان می لیسند که پاک شود

Du filet.

ملاحظه پنجم — باید پس از تولد تمام بدن نوزاد را ملاحظه نمود که سوء شکل یا نقصان خلقتی دارا نباشد غالبا رشته باطنی در زیر زبان او است که باید طبیب آنرا با مقراضی که نوک آن تیز نباشد ببرد و نگذارد که قابله ها آنرا با ناخن بکنند که اغلب لجام زبان را با آن قطع میکنند و زیان اینکه موجب نزف الدم میشود خالی از خطر نیست و باید دانست اگر طفل پستان خوب میگیرد دارای این رباط نه و محتاج باین عمل نیست

Déformation de la tête.

ملاحظه ششم در سوء شکل سر آنها — اگر وضع حمل مدتی طول بکشد که سر طفل از رحم و مهبل دیر خارج شود سوء شکل عارض آن شده دراز و کشیده میشود بعض از زنهای قابله سر را گرفته بهم میفشارند که بحالت طبیعی برگردد و این خیلی با خطر است باید آنرا بحالت خود واگذارند که خود بخود بطریق غیر محسوس بحالت طبیعی برگردد

Toilettes de l'enfant.

ملاحظه هفتم در لباس پوشانیدن بر نوزاد — پس از آنکه او را شسته و پاکیزه کردند کلاه از پارچه نازک لطیفی که قدری استعمال شده بر سر او بگذارند و اگر هوا سرد باشد در روی آن کلاه دیگر از فلانل نازکی وضع نمایند و همینکه موی سر او بلند شد و قدری بسرما عادت کرد یکی از آنها را بر دارند و قدری بکه گذشت دیگر کلاه لازم نیست همیشه سر برهنه باشد بعد از آن پیراهنی از پارچه نرم نازکی که آهار نداشته و قدری استعمال شده باشد باو بپوشانند و نیم تنه بروی او بپوشانند و آستینی از پارچه کتان یا پنبه بدوزند و بکشند اگر هوا سرد باشد میان این آستین و پیراهن آستین فلانلی هم قرار بدهند

این آستین‌ها باید وسیع باشد که دایه بتواند دست خود را برای اطلاع از حالت طفل داخل و خارج کند اگر گشاد نباشد که بعسرت دست داخل آستین شود ممکن است دست طفل را که هنوز استخوانهای او نرم است بشکند بالجمله باید لباسها نه آنقدر گشاد باشد که سرما داخل شود و نه خیلی تنگ باشد در اینحالت کمربند این طفل باز است پس از کمربند این آنرا با پارچه نرمی بدون فشار به پیچید و بقدری بلند باشد که تا سینه و زیر بغل آنها باید و نوار دیگر چندان فشار ندهد بدور آن به پیچند و بحسب فصل لباس آنها را تغییر دهند در زمستان آنها را گرم بپوشند تا ممکن است سوزن و سنجاق بلباس و باین پارچه‌ها فرو نکنند و با بند و تکمه بملایمت بقسمی به بندند که با کمال راحت نفس بکشد و سینه بند را از پشت تکمه نمایند که راحت باشد و در وقت پوشانیدن و کندن محتاج به پیچاندن دست نباشد جمیع این تدابیر را در اطاق گرمی اگر زمستان باشد آتش معتدلی هم داشته باشد بنمایند دست طفل را قسمی کنند که بی حرکت نماند و آزاد باشد

ملاحظهٔ هشتم در بریدن ناف نوزاد — استعمال را باید اندکی پس از تولد بکنند اول کلاه و پیراهن گذاشته سینه بند او را به بندند که سرما نخورد پس بند ناف را با انگشت سخت بگیرند و آن موضع را که میخواهند ببرند قدری بالاتر و قدری پائین‌تر آنرا از دو جا محکم به بندند و آنوقت آنرا از وسط آن دو ببرند پس از آن در وسط دستمال مربع کوچکی سوراخی کنند که بقدر پنج دور ناف باشد و یکطرف دستمال را پاره کنند تا بان سوراخ برسد و آنرا آلوده بموم و روغن کرده به بیخ بند ناف فرو نمایند که آنسوراخ در وسط در دور بند ناف واقع شود بعد آنچه از بند ناف باقی مانده میان آن دستمال نهاده و در طرف چپ او گذارند که بر کبد فشار وارد نیاورد آنگاه دستمال دیگر چهار لا کرده بروی آن گذارده نوار دیگر بعرض

Pansement du cordon ombilical.

سه انگشت باشد چند دور بروی آن بدور کمر طفل به پیچند که محکم شود بند ناف در روز چهارم تا پنجم میافتد سوراخ کوچکی بجای آن میماند باید از همه روزه شسته شود گرد غبار نشاسته یا غبار (لیکوپد) کبریت نباتی بپاشند و دستمال خشکی بروی آن به بندند اگر بجای آن در موضع ناف قرحه بماند که رطوبتی از آن مترشح باشد و از این بمانند با پنبه روی داخل این کره کرده تدهین نمایند و بیسموت بپاشند

هرگاه فتق عارض ناف شود باید فوراً آنرا با نواری از مشمع یا خلبون یا نافه انگلیسی یا زفت که بروی پوست نازکی کشیده باشند به بندند اگر بیشتر باشد که اینها کافی نباشد قدری پنبه یا شارپی گلوله کرده بروی موضع فتق گذارند چوب پنبه کوچکی بروی آن وضع نموده چند دور نوار بدور کمر طفل به پیچند یا نوار الاستیکی بروی آن بربندند اگر باز فتق بیشتر باشد که اینها هم کفایت نکند قطعه سربی را پهن کرده چوب پنبه بروی آن وضع نموده با کمربند الاستیکی یا ماهوتی محکم ببندند تا سه ماه باز نکنند بعد از سه ماه که میخواهند کمربند را باز کنند بتدریج آنرا باریک و کوچک نموده آنوقت بردارند که دفعتاً ترک عادت نشود و اگر طفل زیاد گریه و سرفه میکند که احتمال بیرون آمدن و دوباره فتق شدن میرود کمربند را دوباره بربندند

Dangers du maillot.

ملاحظهٔ نهم در خطرهای قماط (قنداق) استعمال سابق براین در همه جا متداول و از عادات سنه بود و امروز بحمدالله در تمام اروپا متروک شده است ضررهای آن بسیار است یکی از آنها این است هر وقت طفلان که همه کس دیده است که وقتی طفل خوابیده است دست و پای خود را حرکت میدهد چگونه نشاطی دارد که از هیچ چیز چنین نشاطی برای او حاصل نمیشود هم وقتی دستهای او باز است بروی پستان مادر میگذارد و اسباب هیجان شیر شود

شیر زیاد به پستان آمده جاری میشود و نیز دستها و پای او را اگر ببندند خوب
نمو نمیکنند و کوچک میمانند بلکه از این فشار تمام بدن بی حرکت مانده نمو
کامل نمیکنند ممکن است از قماط استخوانهای او که نرم است کج شوند و بدشکل
عارض آنها شود و هم وقتیکه تمام اعضای نوزاد بواسطهٔ قماط فشرده شد
زیاد گرم میشود عرق زیاد میکند و موجب قلق و اضطراب او میگردد و هم فشار
قماط در بطن موجب احتباس باد و در صدر سبب ثقل صدر و زحمت نفس و دوران
خون گشته خون بطرف سر و دماغ میل میکند و نیز آن فشار موجب اختلال هضم
گشته در زیر شکم عارض میشود که عاقبت سبب مبتلا شدن بحالت
صرع میگردد

ملاحظهٔ دهم وقتیکه مادر میخواهد بطفل شیر بدهد — باید
دو سه ساعت بعد از وضع حمل شروع کرده و برای دفع عقی (اول مدفوع طفل را)
عوام آنرا ماموری مانند تمدری عسل داخل آب کرده باو بخورانند اما اگر
دایه شیر میدهد چند مرتبه دو سه مثقال ترنجبین داخل آب کرده یا آب عسل
و ترنجبین را با هم مخلوط کرده بطفل بدهند که عقی را خارج کند و بعد از دوازده
ساعت و بیشتر شیر بدهند همینکه تلیین کرد و عقی خارج شد دیگر ترنجبین
ندهند

Soins sous le rapport du régime

ملاحظهٔ یازدهم — بعضی گفته اند مادر دو سه روز صبر کند
تا شیر به پستانش بیاید آنوقت شیر بدهد در بعضی قری هنوز هم تا سه روز بکودک
شیر نمیدهند و این خطا است چه محقق شده که تا حوالی سه ساعت شیر رقیق
که خاصیت آن این است که عقی را خارج کند به پستان او میآید از این است که گفتیم
که وقتیکه دایه شیر میدهد ترنجبین بطفل بدهند تا عقی خارج شود بجهة اینکه
شیر او این خاصیت را ندارد که عقی را دفع کند و دیگر اینکه اگر مادر در دو ساعت

Quand faut-il donner le sein pour la 1ère fois.

اول شیر نمیدهد پستانها ممتلی از کثرت شیر متمدد شده بزرگ میشود که دیگر
طفل نمیتواند سر پستان را بدهان خود ببرد و هم عقده های پستانی او
متورم و ملتهب شده دمل در پستان ظاهر میشود

Du coucher de l'enfant.

ملاحظهٔ دوازدهم طریقهٔ خوابانیدن و تهیهٔ جامهٔ خواب و پوشانیدن
نوزاد — پس از آنکه لباس باو پوشانیدند ملاحظات ذیل در حالت معده
او کردند او را برخت خواب ببرند اما در جامهٔ خواب مادر و دایه نخوابانند
همیشه هوای رختخواب آنها و نفس آنها نامناسب است و طفل را مریض میکند
مکرر دیده شده دایه در خواب بوده بروی طفل افتاده یا لحاف را سخت پیچیده
با او زانتک در آغوش گرفته او را خفه کرده است نگاه باید او را در گاهواره
گذاشت که لبهٔ آن بلندتر از توشک باشد که وقتی متغلطد و حرکت میکند بزمین
نیفتد و در زیر گهواره قرقره باشد که باسانی بتوان آنرا از جائی بجائی نقل کرد
در میان تشک آنها پر و پشم نگذارند موی دم اسب و برگ سرخس و حشائش باید
مناسب بگذارند اگر اینها ممکن نشود آنرا از کاه نرمی پر کنند و برای پر کردن
میان بالش آنها موی دم اسب هم مناسب است اول توشک بزرگی در گهواره
گذارده توشک دیگر که سه قطعه باشد بروی آن وضع کنند که بتوان هر یک قطعه
آنرا جدا کانه برداشت بخصوص وسطی را که اغلب آلوده میشود و باید آنرا شست و
تجدید کرد اما اگر پارچهٔ نازکی زیبنهٔ یا کتان بروی توشک اندازند که بول را
بخود جذب نماید همینکه آلوده میشود بشویند و تجدید نمایند بهتر از مشمع است
باید طفل را احتیاطاً به پهلو بخوابانند برای اینکه بلغمها ئیکه در دهان و بینی او
مجتمع شده بسهولت خارج گردند و بحلق او نروند و در وسط روز هم که بیدار
است او را روبروی پنجره و جائی که روشنائی زیاد دارد نخوابانند که روشنائی
چشم او را اذیت میکند اگر در اینحالت او را به پهلو نخوابانند احول میشود بوشتر

روی او را بر حسب حالت فصل کم و زیاد کنند اما ملاحظهٔ سرما را بیشتر از گرما
بکنند که سرما نخورند و برای گاهوارهٔ آنها پردهٔ از تور یا پارچهٔ مثل ململ و یا
با پارچهٔ سفید نازکی (تنزیب) بپوشند که هوا بسهولت از آنها داخل و خارج
شود و از اذیت جانوران محفوظ باشد اما در زمستان باید پردهٔ از پارچهٔ کلفتی
بیندازند و این ملاحظه بسیار مهم و برای حفظ صحت آنها مفید است گاهواره را
در مکانی که هوا نداشته و در نزدیک بخاری که آتش دارد و در محل جریان هوا نگذارند
اگر ممکن شود بهتر اینکه دو گاهواره داشته باشد اولی را در مکان وسیعی که هوای
آن جاری است پاکیزه و مهیا کنند که وقتی دومی تر و بد هوا میشود بردارند و طفل را
در آن اولی بگذارند و هکذا

Comment il faut placer le berceau

در ایام سابق جنبانیدن گاهواره در همه جا متداول بود متاخرین هم گاهی آنرا
تجویز میکردند اما در این ایام اغلب منع کرده اند بجهت اینکه عادت میشود و ترک
کردن آن بسیار مشکل است همینکه نمی جنبانند طفل گریه را بیشتر میکند و دیگر
اینکه اسباب ناراحتی و بی خوابی دایه میگردد تا گریه میکند ناچار میشود گاهواره را
بجنباند و برای طفل هم خالی از ضرر نیست اینست که در این ایام گاهواره
جنبانیدن را بسیار کم کرده اند

Que l'enfant doit toujours s'endormir dans son berceau.

ملاحظهٔ سیزدهم — همیشه طفل را در گاهواره خوابانیده شیر بدهند
و مثل بعضی دایه ها که او را بروی زانو گذاشته شیر میدهند نکنند چه در این بین خواب
میبرد وقتی او را برداشته بگاهواره میگذارند بیدار میشود آنوقت باید مدتی
سعی کنند یا باو شیر بدهند تا دوباره بخواب برود پس باید از اول عادت بدهند که
شیر را در گاهواره بخورد یا اینکه وقتی شیر داده اند و میخواهد بخوابد و در نزد [illegible]
بگذارند بدیهی شده که در وقتیکه دایه بطفل شیر میداد خواب رفته بود و بروی
طفل افتاده او را خفه کرده است پس بر دایه لازم است همینکه احساس مقدمات

بلینیس
میگوید خداوند
نباتات و حیوانات برای جمیع [illegible]
که متولد میشوند [illegible]
خلق کرده که آنها را از [illegible]
دیگر ما حفظ کند مگر انسان
پس نباید به این فکر [illegible]
مذکورات [illegible]
او را حفظ
کنند
علی

اول

خواب کردند فی الفور برخیزد و شیر ندهند در زمستان بهتر برای احتیاط از سرما زدگی
یک بطری پر از آب گرم کرده قدری دورتر از پاهای طفل بگذارند که سرما باو
اثر نکند

Degrés de la température de la chambre.

ملاحظهٔ چهاردهم در بعضی شهرها عدد متوفای اطفال بیشتر از کوچک
شهرها است حساب کرده اند در بعضی شهرها عدد متوفی در صد پنجاه و در دو پنجاه و
چهار و در دیگر شهر صد بیست بوده و سبب این است که طفل در حرارت زیاد و تغییر
هفت در تغیر متولد میشود هرگاه حرارت اطاق کمتر از این باشد بواسطه سرما تلف
میشود پس باید در شهرها حرارت اطاق پانزده درجه و همیشه یکسان باشد وقتیکه
بزرگتر میشود و میخواهند او را از اطاق بیرون ببرند باید او را خوب بپوشانند و
سینه و شکم و پاهای او را گرم نگاه دارند نگذارند بدن او سرد شود و اینها را دفعه
با بیرون فرستند و اگر بخواهند با سرد عادت بدهند پس از آنکه نوبت بیرون
کنند از تابستان کم کم شروع کنند ولی تا بتوانند بتدریج حرارت اطاق را کم کنند
وقت با بیرون فرستند در سرد شهرها هرگاه از اطاق گرم آنها را دفعه بخارج
بهوای سرد ببرند سرما بزودی اثر کرده موجب زکام و اگر بچشم برسد موجب
جریان اشک و بعد سبب تب و غیرها میشود پس باید بغتةً آنها را از اطاق
گرم خارج نکنند

فصل دوم

De l'alimentation de l'enfant jusqu'au sevrage.

در قانون رضاع و شروع در غذا دادن بنوزاد و دوران آن طریقه است

طریقهٔ اولی در شیر دادن مادر و دایه و آن بر سه قسمت است

De l'allaitement maternel.

قسمت اول در شیر دادن مادر — بهترین غذاها برای نوزاد
شیر است بهتر از همه شیرها شیر مادر است چه از مادر بوجود آمده از خون او نمو
کرده همان خونست که رنگ شیر گرفته بتدریج در پستان برای طفل ذخیره شده

در بیان شیر دادن مادر نوزاد را

در حقیقت بدن واحد بوده اند هم جدا شده اند پستان هم برای این عمل خلق شده اگر شیر ندهند
ملغی و باطل میماند برای این شیر چون از همه جهت مناسب حال او است زودتر نمو میکند چنانچه
طبیعی جمیع حیوانات است که از پستان مادر خود شیر میخورند و برای مادر هم چنانکه
مذکور خواهد شد شیر دادن بطفل خود فوائد است اگر دادن شیر مهر مادری بیشتر شده
تحمل زحمات و مشاق میکند که هیچ دایه طاقت تحمل آنها را ندارد و میل طفل هم بمادر زیاد
میشود اگر او را بدایه بدهند این میل منقطع و مادر مثل بیگانه میشود و این محبت را
بدایه پیدا میکند بعضی دیدیم که آن طفل را از مادر بیشتر دوست دارند که اسباب حسرت
مادر میشود و هم از بابت شکر خدا که درد آغوش مادر میکند و پیدا می بینند هم قسم
علاوه بر میبایند شد هم نفع میکرد و نیز اگر بدایه بدهند شیر آغوز را که خداوند تبارک
و تعالی برای اخراج عفی در وقت خاستن به پستان مادر آورده دایه ندارد و دو ساعت بعد
این هم موجب ضرری برای طفل شود و حقیقة این شیر حق این طفل است اگر بدایه بدهند
حق او را غصب کرده اند خاصه بجنین مظلوم که نسبت باین هنوز مادر اگر شیر ندهند
نصف تکلیف مادری خود را بعمل نیاورده با او بدتر از حیوانات و طیور کرده که غذای
دهان خود را به بچه خود میدهند بلکه آنرا خورد کرده بحلقوم او میریزند تا بزرگ
شود بعضی مادرها از خوف اینکه نقصی در جمال و در سایر حالات آنها پیدا شود
از شیر دادن بطفل خود اعراض دارند و این خوف بیجایی است چه زنانیکه طفل
خود را شیر میدهند مثل چرکسها و گرجیها بالاتفاق در وقت دادن شیر هیچ نقصی
در حسن آنها ظاهر نشده و چه تر و بهتر میشوند مادر باید مراعات جمیع شروط حفظ
صحتی را بنماید بطعام قوی داشتها و هضم و خوب باشد از خوردن و خوابیدن قوت
بگیرد کمیت و کیفیت شیر او را طبیب پسندیده باشد و معلوم کند که امراض مزاجیه
و مسریه مثل کوفت و خنازیر و سل و جنون و بعض امراض جلدیه و مزاج لنفی که
ممکن است سرایت بطفل نماید نداشته باشد اما افسوس که جمیع این شرایط در زنان

سواد

ماده
انضاع برای عمر
مادر شیر ندادن ... مشکله
از ابر پستانها ... که از آنها
دفع شود و مادر را از بعضی
امراضی که ممکن است بعد از
وضع حمل عارض او گردد
محفوظ نماید چنانچه ملاحظه
کرده ام در زنی چند پستان
پستانها بزرگ شده بود از
شیر میشود و اسباب شرح
درد و احوالی این شده که
برای حفظ صحت زن پستان
مفید است اگر بطفل بدهد
گاهی پستانها متورم شده و
منفتح میکرد و مدتی
او را مبتلا میکند ... انکه
مادر مریض شود با علت
دیگر داشته باشد باید
راضی بشیر دادن باشد و
بکمال عمل طفل خود را شیر
بدهد اگر او را شیر دادن
واداشتن احتمال خطر هم
برای خود و هم برای طفل
او میرود چنانچه زنی بود
طفل خود را شیر داده و آنها
خوب بزرگ کرده بود
دفعه سیم مثل ... شیر
بعد او را مجبور کردند که
نگذاشت که ضعف بود
مستولی شده مبتلا بمرض
سل شد لابد شدند شیر دادن
او را ترک کردند که کم کم
او خوب شد و همگذار
این قسم زنها باید بدیه
شیر داد است
منه

در فوائد شیر دادن مادر نوزاد را

سواد اعظم و بلای بختها جمع نمیشود در دهات و بلاد بعیده دور نیست جمع شود پس
اگر مادر فاقد بعضی از این شرایط باشد باز محتاج دیگر دارد که بهتر از دایه است که
محتاج ان بیشتر است چنانچه می بینیم مادرها شکم چندان قوی نیستند بلکه ضعیف و لاغر
هم هستند طفل آنها فربه و سالم تر از طفل دایه سالم است پس بر مادر لازم است که
اگر ممکن باشد هم بملاحظه طفل و هم بملاحظه خودش بعضی توهمات جزئیه متحمل
خسارت کلی نگشته شیر دادن را ترک نکند مادریکه میخواهد طفل خود را شیر بدهد
باید دو ماه آخر حمل سر پستان خود را با تنتور جوهر لیمان (حنزلیه) و ادکلنی
(جوهر اسطوخودوس) بشوید و اگر حلمه الثدی کردار آنوقت بیرون آمده بر
جسته میشود بیرون نیامده باشد باید با تمکید با لبها یا با اسباب مکیدن آنرا بیرون بیاورند
و دو سه ساعت بعد از تولد پستان او را بدهان او بگذارد و شیر آغوز را بخورد که عقی را
خارج کند و پیش بینی از ورم پستان نماید باید گاهی پستان راست و گاهی
پستان چپ شیر بدهد هر گاه شیر نش الی چهل ساعت بکند هر چه میکند شیر به پستان
نمی آید باین قسمت شیر گاو و داخل سه قسمت آب قند کرده کم کم بدهان طفل بریزد
De l'allaitement des nourrices و هم ملاحظه پستان بدهان نش گذارد تا بگیرد
قسمت دوم در شیر دادن دایه بدان دو قسم است یکی دایه این است که او را
بخانه میبرند و همیشه پدر و مادر و اهل خانه مواظب هستند و او را بحالت خود
وا نمیگذارند بلکه او را بقسمی که میخواهند تربیت میکنند بخصوص اگر از اهل دهات
هم باشد بهتر است همیشه در تحت نظر و قت جمیع اهل خانه است و در حکم مادر است
و اگر بانو و حالات او شک دارند و در دست طبیبان پیدا نکرده اند مواظب باشند
تا او را مطمئن شوند یکی دیگر دایه است که طفل را باو وا میگذارند بخانه
خود یا جای دیگر میبرد که دیگر پدر و مادر هیچ از حالت طفل اطلاع پیدا نمیکنند
با گاه گاهی طفل را می آورد با آنها میگویند که حال ... تمام در شیر دادن و تربیت او

اولادهم

زنی
مبتلا بامراض
شده او را از شیر دادن
بطفل منع کردند مرض او
شدت کرد و هر چه در
علاج او کوشیدند ثمری
نکرد روزی طفلش را
که بر او گرفته شیر داد
شیر به پستانش آمد طفل را
رها نکرده دوباره شیر داد
حالتش بهتر شد که کم کم
اوقات نجات داد بکند
طفل را باو واگذاشتند
چندین مرتبه که شیر داد
مرض او علاج شد
منه

بعض
اطفال منقلقه ضعیفه
با وجود انکه دهان آنها
سالم است ذکر نمیشود پستان
عجز دارند و منعم میکنند
دوا بحالت ...
شود باید که مقدار ...
شیر از پستان بدهان او
بچکانند که شیر بیاید و
با قاشق بدهان او بریزند
هستند که طعم شیر را چشیدند
خود بنای مکیدن ...
دیگر خود ...
میکنند
علی

اولاد هم ندارد و بعضی امور را بآنها مشتبه میکند که هرچه اهتمام میکنند غیر ازینچه میکویند
چیزی نمی فهمند و حال اینکه اغلب بچه دارد یقین است اگر شیر داشته باشد طفل خود را
ترجیح داده باو میدهد و باین طفل نمیدهد اگر اندک رحمی در دل او باشد شیر کاو یا
غذا میدهد و الا هیچ نمیدهد او را کرسنه میکذارد چنانچه طفل بیچاره بواسطه
نخوردن شیر و حیله کردن دایه ضعیف و در حالت تلف است و کسانیکه باین
قسم طفل خودشان را بدایه میدهند ملتفتم که با شیر حیوانات بدهند یا خودشان پستان
شیر بکیرند و شروطی که مذکور میشود با چیزهای دیکر که مناسب حالت طفل است ملاحظه
کنند و با پستانک بترتیبی که بیان میشود داده در آن بین غذا هم بدهند بهتر
ازین است که طفل را بدایه اجنبیه که حالت او معلوم نیست بسپارند یقین است
در خانه این دایه طفل زودتر میمیرد بجهة اینکه توجه نمیکند و مثل مادر غمخواری ندارد
و او را کثیف و آلوده نکهداشته بدخلق میکند و مقید بتربیت او نیست غالبا از اینکه
شیر غلیظ با غذای سنگینی بطفل میدهد که قی میکند و نمیخوابد شربت خشخاش یا تریاک
یا مخدر دیکر باو میخورانند که طفل بخوابد سبب میشود که خون بمغز او رفته خدر
و کیج و مستعد تشنجات و اختلاجات و اختلال هضم و امراض دماغیه کرده و هرچه از
او میپرسند همه را پنهان میکند و نیست اینچنین دایه مبتلا با مرض مسریه هم باشد
هرچه طبیب بپرسد نمیکوید و بیرون رفتن طفل مبتلا بان امراض میکردد بلکه طفل
عوض میکند چنانچه در پاریس مکرر اطفال را عوض کرده اند حکایتهای شیر دایه
که این مختصر کنجایش ذکر آنها ندارد

واثر
که بیش از یکسال
باشد که زائیده باشد شیر او
کهنه است تغذیه نمیکند و تا
شیر از وقت زائیدن تا آخر
شیر این کلی دارد اول غلیظ
که انرا بفارسی ... و بعربی
لبا و بترکی اغز ...
زرد و رقیق با ...
زیاد ...
او تغییر کرده سفید میشود
اما رقیق است کم کم قوام
آن بیشتر کشته تغذیه
آن بهتر میشود اما این
حالت بعد از زمانی که
در اشخاص متفاوت
در بعضی پس از یکسال
و در بعضی بیشتر تغییر
میکند و تغذیه آن کم
میشود چنانچه شیر یا
کهنه دیکر تغذیه نمیکند
اکر طفل بخورد ضعیف
و لاغر میشود
منه

قسمت سیم در انتخاب دایه — وقتیکه مادر از شیر دادن متعذر است

Choix de nourrice

ولابد از اختیار کردن دایه شدند باید دایه را با جمیع شروطی که در مادر ذکر شد
انتخاب کنند و او را بخانه بیاورند و ببینند و مادر و طبیب در کمال سختی بیش از آنچه
در مادر میکردند از بابت صحت مزاج و خوبی کیفیت و کمیت شیر و نداشتن امراض

مسریه مزاجیه و امثال آنها او را بدقت امتحان کنند و ملتفت حیلهای او باشند
بهتر از هر امتحان ملاحظه طفل دایه یا او طفلی است که آنوقت شیر میدهد اکر فربه
و شاداب شیر او خوبست باید پستانهای دایه نه خیلی بزرک و نه خیلی کوچک متوسط
یا مخروطی شبیه بپستان بز باشد که علامت خوبی است غدد شیر زیاد دارند و رکها
در پستانها ... دیده شده کبود باید ملاحظه شود حلمة الثدی هم نه خیلی بزرک و نه
خیلی پهن باشد خوب برجسته و خوش شکل باشد برای خوبی شیر علامت خوبست
دایه نباید کمتر از شش هفته که ماده نفاس او منقطع و تمام شده باشد و بیشتر
از شش ماه باشد که زائیده باشد باید تقریبا در وقت زائیدن مادر زائیده باشد
بهتر این است شوهر داشته و با شوهر خوش سلوک باشد پاکیزه و نظیف و خوش
خلق و خندان باشد رذل الطبیعه و نانجیب نباشد و سن او میان بیست تا سی و پنج سال
بوده مکانی را که تا آنوقت در او تعیش میکرده بد هوا و مرطوب نباشد وقتی او را
بخانه میبرند اسباب معیشت و راحتی فراهم کنند که دیکر برای کسب معاش از خانه بیرون نرود
و بعمل اشغال شاقه نکنند مشغول پرستاری طفل کشته همه روزه او را بتفرج و کردش
ببرند بلکه وقتی هم طفل بخواب میرود مشغول کارهای خانه نشود که برای او ریاضتی
باشد که شیرش بهتر شود و نباید اقلا یکمرتبه طفل شیر داده بزرک کرده اول
مرتبه شیر دادن او نباشد که تحصیل جزئی تجربه کرده باشد و دیکر اینکه در شکم
اول غالبا در هفته ششم تا ماه دوم شیر آنها خشک میشود و حیض آنها جاری
میکردد و اکر بنا بشود دایه را عوض بکنند نباید تعلل کنند زودتر دایه دیکر
بیاورند بجهة اینکه اکر دیر عوض کنند طفل عادت باو میکند یا بزرک میشود
پستان دایه دیکر را نمیکیرد

Allaitement mixte

طریقه ثانیه در شیر دادن مرکب یا مختلط — مقصود از آن

این است که با وجود شیر مادر شیر حیوان بلکه جزئی غذائی هم بدهند و این

در شیر دادن مرکب یا مختلط

در صورتی مجوز است که شیر مادر و دایه که میخورد کم شده و شیر دایه دیگر را هم نمیخورد آنوقت معلوم است شیر حیوان برای او بهتر از غذاست شیر حیوان را اول زیاد نمیتوان داد باید اول مرتبه کم و بتدریج زیاد کرد که شیر زیاد دوشید با پستانک داده یا پستان حیوان را بدهن او گذارند نمیکند در چند روز او را که میخواهند او را باین طریقه عادت دهند بهتر این است که شیر الاغ یا شیر گاو را در مثل خود آب داخل کرده بتدریج آب آنها را کم کرده بعد از یکماه شیر خالص بدهند در این بین اندکی از غذاهائیکه مناسب حال اوست کم کم بعد از آن مذکور میداریم بآن اضافه کنند و اما همیشه مواظب باشند که شیر پستان مادر و دایه زیاد شود اگر کم میشود مأیوس نشوند و همه روزه بعادت سابقه پستان را بدهان او بگذارند بلکه شیر بیاید و محتاج بآنها نشوند چه سبب آمدن شیر بر پستان همان است که از مکیدن طفل و گذاشتن دستها بر روی پستان و بدن مادر حاصل میشود اما جای افسوس است که وقتی مادرها این طریقه را معمول داشتند دیگر ملتفت این حالت نشده از او مأیوس میشوند و میگذارند تا شیر بکلی خشک میشود باید طبیب ملتفت باشد و همه روزه آنها را مجبور بدادن شیر نماید که دو و نیم در این بین شیر زیاد شود

De l'allaitement par des animaux

طریقهٔ ثالثه در شیر دادن از پستان حیوانات — در قدیم زمان متداول بود ولی از بابت اینکه استعمال او مشکل است در این ایام کم معمول است در بعض بلاد آلمانی و سوئیس هنوز هم معمول است که طفل را بدست میگیرند و بزیر شکم حیوان برده یا حیوان را میخوابانند و پستان را بدهان او میگذارند و ماند که کفایت میکند شیر میدهند شیر الاغ از بابت اینکه رقیق و در جمیع صفات اشبه بشیر انسان است مناسب تر است مادر داود و بعد گاو است و هم مشکل است از امر بگیرد و بگذارند طفل بقدری که لازم است شیر بخورد و شیر گاو از بابت

طریقه شیر دادن از پستان حیوانات

اینکه حرکت نمیکند و طفل زودتر بآن عادت میکند ترجیح دارد اما باید مدت زیادی از زائیدن حیوان نگذشته و شیر آن غلیظ نشده باشد دادن شیر بز مشکل تر است بجهت اینکه حرکت میکند و نمیگذارد درست شیر بخورد مگر اینکه او را بخوابانند و به بندند تا بتواند شیر بخورد و این طریقه برای اینکه شیر را بدوشند با پستانک یا ظرف دیگر بدهند ترجیح دارد چیزی که هست اینست که اگر شیر غلیظ باشد نمیتوان آب یا چیز دیگر داخل آن کرد که رقیق شود بنا بر این باید حیوان تازه زائیده انتخاب کرد اگر ممکن نباشد علفهای تر و تازه که مناسب مزاج طفل باشد باو بدهند که شیر رقیق شود و اگر لازم شود میتوان بعضی دواها هم که برای طفل لازم میشود بحیوان خورانیده شیر او را بدهند

Allaitement artificiel

Allaitement à l'aide du biberon

طریقهٔ رابعه در شیر دادن با پستانک و غیره — این است که شیر گاو یا الاغ یا شیر بز را بدوشند و بر حسب حالت طفل آب خالص یا آب مقطر یا آب ... یا آب آهک یا مطبوخ بعض ادویه یا ماء الشعیر یا آب برنج یا آب نان بکسمات یا آب بلغور داخل آن نموده با غایت ظرفی که شکل آن مختلف است بطفل بدهند و باید ملتفت باشند که مقدار شیری که میخورند باندازه شیر مادر باشد که اگر بیشتر باشد موجب عسر هضم گشته و اگر کمتر بدهند اسباب ضعف طفل میشود شیر یکه بنوزاد میدهند باید از حیوان نوزاده باشد که مدتی از زائیدن آن نگذشته تقریبا بقدر زمان زائیدن طفل باشد اگر ممکن نباشد بهتر این است که همیشه از شیر یک حیوان بدهند و آنرا عوض نکنند برای دادن با پستانک هر قدر شیر تازه دوشیده باشد بهتر است در بعض مواضع برای اینکار حیوان مخصوصی نگه میدارند که هر وقت بخواهند شیر تازه از آن بدوشند و فی الفور به پستانک بریزند اما در اغلب شهرها این چیز ممکن نمیشود و بجز صبح و شام که حیوانها را

میدوشند شیر ندارند نیست که اغلب ترش میشود و مورث بعض امراض
میگردد پس باید تا بستان شیر را در موضع خنک خشکی بگذارند
شیر خام خیلی زود ترش میشود بهتر این است تا دوشیدند بجوشانند با قدری
بی کربنات دو سود داخل آن کنند آب یا ماء الشعیر و غیره که میخواهند داخل آن
کنند قبل از وقت داخل آن نکنند وقتی داخل کنند که میخواهند باو بخورانند
هر چه داخل آن میکنند باید گرم باشد بدرجه گرمی شیر مادر یعنی سی و هفت درجه
یا بگرمی حمام ماریه باشد یا با آتش گرم کرده ترمومتر بگذارند تا باین درجه
گرم شود و شیر را با پستانک یا شیشه کوچکی که بد میزان یا نمره ذکی که
بدو ون پارچه مشکی مثل طور کذاشته باشند بدهند اگر انها حاضر نباشد
با طفل یا انها شیر بخورد با قاشق بدهند اول دو ثلث و بعد آب داخل کرده
بعد نصف آب داخل کنند و آخر یک ثلث داخل کنند چنانچه وقتی نباشد شیر
حیوان بطفل بدهند در روزهای اول قند یا آب داخل کنند و هر قدر اول روز آب
قند استعمال شیر بریزند که قدری آنرا سفید کند طریقه داخل کردن آب
بشیر از این جدول معلوم میشود اما اگر با شیشه میدهند ابر دهان
آنرا همیشه در آب سردی که همه روزه آنرا عوض کنند بگذارند و وقتیکه
دهند ترش شده یا شیر بر وده دوره چوب پنبه است باید آنرا عوض کنند

روز	شیر	آب	
روز اول	۲۰	۶۰	پستانک را هم باید همین طور مکرر بشویند
روز دویم	۴۰	۱۲۰	که شیر ترش شده در دوران نباشد شیر
روز سیم	۱۲۰	۳۶۰	حیوان محققا بخوبی شیر انسان نیست طفلی
روز چهارم	۲۰۰	۴۵۰	که مدتی از پستان مادر شیر خورده او را
تا یکماه	۳۰۰	۴۰۰	از پستانک شیر میدهند اغلب از آن اسهال
از دو ماه	۵۰۰	۳۰۰	و فساد میکند بر حسب حال طفل آب را باید

آر [illegible]

Quantités de lait coupé à donner dans les 24 heures.

اینکه شیر گاو و [illegible] هضم نمیشود نداشتن قنقان دو [illegible] که نمیتوانند بگذارند [illegible] طفل باشد پس باید او را بدان روزی نیم بخور [illegible] که چند روزی بدهند اصلاح کنند و این [illegible] در وقتی که با پستانک شیر کاو میدهند هضم نمیشود مفید [illegible]

	شیر	آب	
از چهار تا پنج ماه	۶۰۰	۳۰۰	تا آب آهک یا مطبوخ دوائی که منتا
از شش ماه بالاتر	۸۰۰	۲۰۰	حالت او شده داخل کرده با پستانک

بدهند و همینکه رفع ترشی و سنگینی شد تدریج کم کرده موقوف کنند خیلی
کم است که بتوان طفل ضعیفی را با شیر حیوان بزرگ کرد کما اینکه ممکن است
نا ممکن است شیر حیوان ندهند چه بعد از تجربت زیاد حساب کرده اند
موتهای اطفالیکه شیر حیوانات میخورند در صد پنجاه و موتهای اطفالیکه
شیر زن میخورند در صد ده بوده است بنابراین باید هرگز باطفال لطیف یا
اطفالیکه مزاج خوبی ندارند شیر حیوان ندهند بعضی از علمای شیمی جهد کرده اند
که از شیر حیوانات که داخل آن کنند مثل شیر زن بسازند این مخالست تنها
از بابت اینکه البومین شیر زن بیشتر است بلکه از بابت اینکه شیر زن تدریج
و کم کم داخل معده میشود و شیر حیوانات یکمرتبه داخل شده بواسطه ترشی معده
بریده شده لختهای صلب غیر محلول از آن حاصل میشود دیده شده اطفالیکه شیر
حیوان قی کرده اند لختهائی که بقدر شاه بلوط که بسیار صلب بوده قی کرده اند
و این هرگز از شیر زن پیدا نمیشود و هم در شیر حیوان دانه‌های کوچکی که
خیلی محلول در آب است قی میشود و همچنین در اطفالیکه از پستان انسان شیر
میخورند که دیده نشده اما در آنهائیکه شیر حیوان یا از پستانک شیر میخورند
در برازشان در بعض امتحانات کاولت که بقدر فندق قی نموده اند

Étude comparative des divers modes d'allaitement.

در نسبت شیرهای مختلفه بیکدیگر

اول شیر مادر پس از آن شیر دایه است مخصوص دایه که بخانه میبرند بهتر از همه است
که باید همیشه طبیب بیند و او را اختیار نماید چرا که هیچ گونه ضرری برایشان مترتب
نیست پس از آن شیر دادن مرکب شیر دادن از پستان حیوانات و بر طبیب است که عرض
از این سر را قبول نکند مگر اینکه پدر و مادر بی بضاعت و ناچار باشند واضح

بشیر دادن با پستانک داشته باشند و دوا مجبور نباشند در اول وقت هر دو تا
اول شیر الاغ خالص بدون اینکه چیزی داخل آن کرده باشند بدهند اگر
الاغ پیدا نشود شیر گاو و بز چنانکه ذکر شد اول دو ثلث و بعد نصف آب
داخل کنند و در آخر یک ثلث آب داخل کنند و چنانکه بیان شد پستانک را
هر روزه بشویند و مقدار شیر را بطوری مقدر کنند که مساوی شیر مادر
باشد و با تخم رخی که مذکور شد گرم کنند و داخل پستانک کرده بدهند
و بر طبیب است که هرگز راضی نشود که در دو ماه اول بعد از تولد بچه
شیر مادر و دایه داده شود چه اگر بلافاصله بعد از تولد از پستانک شیر بدهند
چند روزی بیشتر نمیکشد که تلف میشود

در صد قسمت شیر

جدول معرفت اجزاء شیمیائی شیرهای مختلفه	زن	الاغ	ماده گاو	بز
آب	۸۹	۹۱	۸۷	۸۲
روغن	۲	۱	۴	۵
شکر شیر یا چیزی که ذوب میشوند	۵	۶	۵	۴
ماده پنیری که ذوب نمیشود	۴	۲	۴	۹

Analyse chimique des laits généralement employés pour allaitement des nouveau-nés.

طریقهٔ خامسه در امتحان شیر — باید شیر سفید نه خیلی
غلیظ و نه خیلی رقیق باشد بعض اطباء میچشند یا در قاشقی ریخته گرم
کرده قدری که در ته قاشق مانده امتحان کرده و از آن حکم بخوبی و بدی شیر
میکنند یا آنکه چند قطره از آنرا در روی ناخن یا در روی آینه میریزند و قدری
کج میکنند اگر زمین نمیریزد میگویند خوب است اگر میریزد میگویند قابل تغذیه
نیست یا از قیماقی که بروی آن بسته میشود حکم میکنند حق این است که خوبی
شیر از نظر کردن تنها معلوم نمیشود مگر بتوسط اسبابی که آنرا
(لاکتسکوپ) یعنی ممتحن اللبن یا مثل آن که کوچکی است در اروپا در اغلب

خانها دارند و از آن سنگینی و سبکی و غلظت و رقت شیر معلوم میشود یا لاکتومتر
یعنی میزان اللبن یا بازدیمتر یا بواسطهٔ تجزیهٔ شیمیائی (امتحان بطریقهٔ فرنگی
و شیمیائی مفید است اما رفع تمام اشکالات را نمیکند) افسوس که این آلات کم
در ایران موجود نمیشود اگر هم بشود طریق استعمال آنرا نمیدانند پس استعلام
از کیفیت و کمیت شیر دایه یا از عمل شیر خوردن و حالت طفل نمود که اگر مدتی
تنها شیر میخورد و بعد از شیر خوردن گریه نمیکند و رنگ و قوام بول و براز او بحالت
طبیعی است و بوی بد بر بوده و آلوده بکثافات سبزی نشده و قی نمیکند معلوم میشود
کیفیت و کمیت شیر خوب است و خوب هضم شده است و این امتحان را باید مدتی باید
و مکرر کرد و هرگاه طفل چندین مرتبه که پستان میگیرد با نقلد بخورد که شیر دو شود
و پستان هیچ خالی نشود پستان او شیر زیاد کافی دارد و اگر طفل مضطرب بی تاب
است پستان را رها میکند و باز هم آنرا به بیحوصلگی میگیرد و بجای اینکه بخوابد
گریه میکند احتمال کلی است که شیر آن کم باشد یا اگر قدری بعد از شیر دادن یا قبل
از آنکه میخواهند دوباره شیر بدهند گریه میکند یا بیغضبی اگر از نوشیدن از بول
و براز و سرما و گرما و بوسیت مزاج است یا سنجاقی بجائی از او فرو رفته یا عضو او
یا جای دیگر او خراشیده شده یا چیز دیگر سبب گریه شده بچاره آن بکوشند یا اگر
سبب این سنگینی و هضم نشدن شیر است باید دیگر شیر بدهند تا آن شیر هضم شود
پس تا طفل گریه میکند شیر نباید داد چه همیشه سبب گریه گرسنگی نیست باید
سبب گریه را دانست و بچاره آن کوشید که شیر زیاد موجب خستگی و ضعف معده
و هضم نکردن طفل و حالت اسهال و قولنج او میشود گاهی هم سبب گریه بیتربیت
و لجوج کردن طفل است و امضوورت باید اعتنائی بگریه او نکنند که پس از چندی
ساکت میشود گاهی که طفل از گرسنگی و کمی شیر گریه میکند از آن است که طفل
دایه بزرگتر از این طفل است و پستان را بقوت نمیمکد و رنگ میکند شیر جاری نمیشود

کند
طفل بزرگ
اینست که وقتی طفل شیر
شیر بدهند بچه و بچه خوا
کسل میشود که کبد بزرگ
معده افتاده از قرنه
از عمل خوردن باز میماند
پس باید در وقت خوردن
شیر و خواب بچه او را به
پهلوی راست
بخوابانند
علی

هرگاه
طفلی را ناخوش باشد
یا سلفها دیگر دارد یا بچه
الغوکر شیر دادن باید
ترک کنند که ضرر دارد
و دایه صحیح و مرضی نیست
مادر با بچه ایشوند
شیر را ترک کنند
علی

میزان شیر دادن بنوزاد

همه را میخورد و این طفل از بی شیری تلف میشود لهذا باید اول پستان را بطفل
داده بعد وزن کنند تا درک کنند آنوقت این طفل را به پستان بچسبانند اگر ممکن نباشد
چند روزی تمام شیر را به بچه داده بدهند تا خوب عادی شود آنوقت باین طفل
بدهند اما وقتیکه شک دارند و نتوانستند حکم کنند که سبب گریه چیست باید
طفل را با ترازو بکشند از کشیدن مقدار شیری را که در بیست و چهار ساعت
خورده معلوم میشود اگر بیشتر خورده باید کمتر کرد و اگر کم خورده باید زیاد
کرد در مریضخانهای اطفال و خانهای بزرگان ترازوی مخصوصی برای آنکه
وزن اطفال را معلوم کنند گذارده اند و برای اینکه نمو روز بروز و مقدار
شیری که میخورند بفهمند همه روزه طفل را میکشند اگر یکروز ببینند از آن
وزنیکه باید داشته باشد کمتر شده میفهمند که یا شیر باو کم داده شده یا اینکه
عارضه او گشته یا سبب دیگر دارد و اگر ببینند وزن او زیاد شده ملاحظه میکنند
اگر تغییر حالتی مثل گریه و سوء مزاج و نفخ و سنگینی معده و شیر برگرداندن
مشاهده میکنند ملتفت میشوند که شیر زیاد داده شده هضم نکرده است
بچاره او میکوشند اگر اینها نیست معلوم میشود که نمو او بواسطه خوبی
هضم زیادتر شده است و از همین معین کرده اند که در روز اول و دوم
تولد وزن نوزاد از وزن حین تولد کمتر شده و این از بابت خارج شدن
موادیست که در اندرون او بوده (یعنی بول که مدتی مانده بودند) و
خشک شدن و افتادن بند ناف و شروع تنفس و تویی جلد است روز سیم از آنکه
بر آن افزوده شده روز چهارم تا نهم بوزن روز تولد میرسد بعد روز بروز
میرسد و وزنش بآن بر سبیل ناقص نیست چنانکه در ماه اول روزی شش مثقال
بوزنش افزوده میشود در ماه دوم پنج مثقال و نیم در ماه چهارم چهار و نیم مثقال
در ماه هفتم دو مثقال و نیم در ماه دهم و از دهم یک مثقال و نیم که هر قدر از زمان تولد

متن
تکنت طریقه برای معلوم کردن وزن شیر اختراع نموده که شیر را بلوله که یک طرفش
وسیع و طرف دیگر تنگ و مسدود داشته منقسم شده میریزند
جوهر که میخورد از شیر بخشد تمام از شیر جدا شده بالا آمده
یک شیر مثابه آنوقت لوله را سرنگون کرده بر میگردانند چربی بالا
بطرف تنگ لوله که بدرجات منقسم شده میرود درجات را ملاحظه کرده
معلوم میشود که شیر چه قدر کره دارد و باشیر دیگر مقایسه میکنند
علی

در تعیین نمو نوزاد

دو روز میشود نمو کم میشود باید طفل را در صبح ناشتا که تخلیه کرده شیر
نخورده باشد بکشند و بعد از شیر خوردن هم بکشند از این جدول نوشته
وزن متوسط موجود ماه بماه طفل را با آنچه روز بروز بر آن افزوده میشود معلوم میگردد

Poids moyen et augmentation mensuelle.

بایستی در روز زیاد شود	در ماه بایستی زیاد شود	وزن معمولی متوسط طفل	
٥ مثقال	١٥٠ مثقال	٦٥٠ مثقال	تولد
٤م ١٥ نخود	١٤٠ م	٨٠٠ م	ماه اول
٤م ١٠ نخود	١٣٠	٩٤٠	ماه دوم
٤ م	١٢٠	١٠٧٠	ماه سیم
٣م ١٥ نخود	١١٠	١١٩٠	ماه چهارم
٣م ١٠ نخود	١٠٠	١٣٠٠	ماه پنجم
٣ م	٩٠	١٤٠٠	ماه ششم
٢م ١٥ نخود	٨٠	١٤٩٠	ماه هفتم
٢م ١٠ نخود	٧٠	١٥٧٠	ماه هشتم
٢ م	٦٠	١٦٤٠	ماه نهم
١م ١٥ نخود	٥٠	١٧٠٠	ماه دهم
١م ١٠ نخود	٤٠	١٧٥٠	ماه یازدهم
		١٨٩٠	ماه دوازدهم

Augmentation quotidienne.

پس طفلیکه در وقت تولد وزنش یکمن و دو مثقال بود در آخر سال اول وقتیکه
نمو او بطور طبیعی باشد یکمن و پنج سیر میرسد اما این وزن و این نمو همیشه
باین طور منظم نیست هرگاه طفل بیشتر از آنچه گفته شد شیر بخورد وزن
او بیشتر میشود اگر مرض جزئی عارض آن شد کمتر میشود از روز اول باید سعی
کرد که دفعات شیر دادن طفل را منظم کرد که در روز هر دو ساعت و در شب

هر چهار ساعت اگر طفل خوب پستان میگیرد بدهند اما اگر قدری بعد از شیر دادن و قبل از آنکه دوباره میخواهند شیر باو بدهند گریه میکند باید فهمید سبب این گریه چیست بیچاره‌ها آن بکوشند باینکه تا گریه میکند شیر بدهند که سبب سوء هضم و قولنج گردد معدهٔ نوزاد بسیار کوچک و احساس باینکه چه قدر شیر میخورد ندارد این است که گفته‌اند باید دفعات شیر دادن تنها مقید و معین باشد اگر بمیل آنها واگذارند زیاد میخورند بعد از شش هفته الی دو ماه و هر چه نوزاد بزرگ میشود فاصله‌های شیر دادن را باید زیاد کرد چنانچه در سن پنج الی شش ماه در شب بیشتر از یک الی دو مرتبه شیر نباید بدهند ولی با وجود این باید چنانکه گفتیم ملاحظه کرد که طفل چگونه آنرا هضم میکند اگر خوب هضم میکند معلوم میشود که کمیت و کیفیت شیر خوب است بالجمله همینکه جزئی شکی پیدا شد باید طفل را با ترازو کشید که از کشیدن هم مقدار شیری را که طفل در یک دفعه میمکد و در ۲۴ ساعت خورده و تغییرات روز بروزی وزن طفل معلوم میشود

از این جدول که بوشه در مریضخانهٔ قابلگی پاریس (ماترنیته) بدقت امتحان کرده و تحقیق کرده است مقدار طبیعی شیری که طفل از روز تولد و بعد از آن روز بروز و ماه بماه میخورد معلوم میشود

Quantité de lait par tétées et en 24 heures.

		از یک دفعه مکیدن	در ۲۴ ساعت
روز اول	(منتهی مقدار)	۱۵ نخود	۶ مثقال
روز دوم		۳ مثقال	۳۰ مثقال
روز سوم		۸ مثقال	۸۰ مثقال
روز چهارم و پنجم		۱۱ مثقال	۱۱۰ مثقال
الی یکماه		۱۲ مثقال	۱۲۰ مثقال

		در یک دفعه	در ۲۴ ساعت
الی سه ماه	منتهی مقدار	۱۴ مثقال	۱۳۰ تا ۱۴۰ مثقال
چهار الی پنجماه		۲۰ مثقال	۱۴۰ تا ۱۶۰ مثقال
شش ماه		۲۴ مثقال	۱۶۰ مثقال
هفت ماه و بالاتر		۳۰ مثقال	۱۸۰ مثقال

De la nourriture de la mère et de la nourrice

طریقهٔ سادسه در غذای مادر و دایه — مادر و دایه همیشه غذای عادی خودشان یعنی همان غذائیکه در حالت صحت معتاد بودند بخورند هرگاه کسی بدایهٔ دهاتی که معتاد بغذای سادهٔ قلیل التغذیه که کلیهٔ نباتی بود غذاهای حیوانی مثل گوشت و تخم مرغ و غیره بدهند او را مریض میکند و شیر آن خوبی را فاسد مینماید و اسباب این میشود که عادت حیض او رجوع کند تا سبب فربهی دایه و نقصان شیر او گشته قوت آنرا زیاد کند زیادا تفاق افتاده است که در اینحالت بعد از چند هفته دایه خیلی چاق و شیر آن تمام شده است این سهو است که بعضی گفته‌اند بعض غذاها مخصوص‌اند باینکه ترشح شیر را زیاد میکنند همان غذاهائیکه با آنها عادت داشته‌اند سبب مزاج دایه و مادر بوده که دایه را که از دهات و جای دیگر میآورند بواسطه تغییر عادت و تغییر غذا و خستگی سفر و غصه و خوف و غیرها شیر آن کم میشود باید چند روزی صبر کنند شیر طفل دیگر یا شیر گاو و آب را خلط کرده بطفل بدهند تا از نو عادت کند و بحالت طبیعی خود برگردد وقتیکه با اهل خانه انس بگیرد شیر او باز زیاد میشود

ملاحظه شده که اگر کسی دیگر غیر از آنکه شیر بوده [illegible] شیر که [illegible] که [illegible] عارض آن نمی گردد

تا یک مادر و دایه همیشه از اغراض نفسانیه قویه اجتناب نمایند بجهت اینکه ممکن است شیر را بکلی فاسد کرده بلکه حالت سمیت در آن احداث نماید که شدید از هر سمی گردد و برای اینحالت حکایات و اتفاقات زیادی هست بعضی از آنها بیان میکنم شخص قصابی در خانه خود با سربازی نزاع کرد سرباز او شمشیر

غضب شمشیر کشید بطرف قصاب رفت و زن قصاب که اول این حالت را دید
شروع بلرزیدن کرد بعد از آن که بهیجان آمده شمشیر را از دست شوهر باز گرفته
شکست بعد و آنرا خشم را میکه هنوز در این حالت تحریک شدید بود طفل یازده
ماهه خود را که در کمال سلامت بود و در گهواره خود بازی میکرد بوی داشته
شیر داده و این بین که طفل شیر میخورد در فشر پستان زن را رها کرده چند دفعه
دهن خود را باز کرد و در بغل مادر بمرد
دایه دیگر را برای تقصیری که کرده بود آزرده و زدند و در این حالت بطفل شیر داد
فی الفور تشنج عارض طفل شده حالت او دیگرگون شد زن دیگر زیاد
مست شده بود بطفل خود شیر داد پس از لحظه تشنج عارض او شد
پس اگر مثل این اتفاقات برای مرضعه اتفاق افتد باید شیر دادن را ترک کرده
مطبوخی از زیرفون یا برگ نارنج بنوشد تا راحت شود و بعد شیر خود را بدوشد
با شخص جوانی آنرا بمکد و بعد از یک روز دو روز از آن شیر بدهد نباید دایه را و بخصوص
بخصوص بعضی دایه‌ها که بجوج و نادان باشند باید با او مهربانی کرد که دلتنگ و حزین
طفل شود اگر او را اذیت کنند و در وقت شیر دادن تعلل کرده بلکه طفل را
اذیت کند و بحفظ او نکوشد و او را تلف کند ملاحظات دیگر که دایه و مادر
باید پیروی نمایند در هواهای خالص و خشک زندگی کرده و هر روزه ریاضت
و حرکتی داشته باشند و پستانهای خود را از سرما حفظ نمایند و وقتیکه جریان
نفاس تمام شد مخصوصا کثرت حمام برود بعضی گمان کرده اند که جماع حالت شیر را
بد میکند و برای طفل ضرر میشود این خطا است نباید جماع را ترک کرد ولی باید
کم کرد آبستنی در زنهای فربه و قوی که حالت صحت کامله دارند ضرری بشیر دادن
ندارد و کتب آنرا کم و بیضرر به کیفیت آن دارد اما در زنان لاغر و ضعیف معتبر
است آبستنی شیر را کم و بیرنگ کرده تغذیه آنرا کم میکند بالجمله میتوان برای

بیانیه
نقل میکنند که
در حال تشنج و ...
...
...
...
...
...
...
آبستن میشود
[illegible]

مطلب حکم کلی نبود مگر اینکه بگوئیم وقتیکه آبستن میشود مادامیکه طفل او
سالم است شیر بدهد و همینکه ضرر شیر بطفل برسد که ضعیف و لاغر شود
شیر را قطع کند
اغلب در وقت شیر دادن حیض بکلی موقوف میشود و این برای آنست
که زنان بدون خون بطرف پستان رفته مستحیل بشیر میشود پس در میان ترشح شیر
و جریان حیض نسبت و رابطه هست چنانچه اغلب وقتیکه حیض میشود شیر
کم و کم رنگ میشود در این حالت نباید طفل را از شیر برید اما با وجود جریان
حیض هرگاه هیچ ضرری عارض نشود و طفل در کمال سلامت باشد باید ملاحظه
شیر بدهد بسیار شایع است که در زنان شیرده از هنگام وضع حمل تا ماه‌ها
که عادت میشدند عادت میشوند و با وجود آن طفل آنها سالم است وقتیکه میخواهند
دایه انتخاب کنند نباید دایه را که حایض میشود انتخاب نمایند بجهت رجوع حیض
دلیل است بر اینکه شیر بزودی کم یا تمام میشود

De la quantité du lait donné aux enfants.

طریقه سابعه — در اندازه شیر و غذا دادن اطفال و دوران شیر مطلب

مطلب اول

در دو هفته‌های اول بطور اطمینان بگذارید هر قدر و هر چند
مرتبه و هر قدر که میخواهند شیر بخورند بجهت اینکه هنوز عادت نکرده‌اند کم
میخورند و بعد از بیست و چهار ساعت و فاصله‌های شیر دادن میخواهد چندین دفعه
راحت میکند پس بعد از آن اگر مقتضی باشد دفعات شیر دادن‌ها را زیاد کنند
اما اگر شیر زیاد خورده باشد بخواهند کمتر بدهند باید او را به هوای خوب
تفرج ببرند تا دفعه‌ها شیر را فراموش نماید پس از آن برای خوبی حالت نوزاد شیر
دادن را منظم و عدد دفعات آنرا معین نماید بجهت اینکه منظم کردن وضع
دفعات آن برای صحت لازم است و مخصوصا باید ملتفت هضم آن باشند اگر
هضم نمیکند بر حسب آن کم و منظم نماید و هم منظم کردن آن فائده دیگر دارد

که طفل را هر دو شب زمان راحتی دارند باید ملتفت بود که استعداد باید
طفل را بر پستان گذاشت که در کمال سهل و سرعت پستان را میمکد و نفسی از روی میل
میخورد و خوب پستان را میگیرد فی الفور بردارند و وقتیکه سن طفل زیاد شد
هر دفعه زیاد شیر میخورد باید دفعات را کم کرد بقسمی که سال اول چهار مرتبه
در روز و سال دوم مرتبه در شب بیشتر ندهند و این وقتی است که تغذیه طفل
خوب است حالت خوشی دارد و وزنش زیاد و خوش خلق و خندان است و خواب آن خوب است
اما وقتیکه بعکس آن است باید شیر را کم کرد و تفحص کرد که سبب بی تغذیه چیست و
برفع آن کوشید

مطلب دویم — در اینکه چه هنگام با وجود خوردن شیر بطفل *Epoque de la nourriture donnée aux enfants pendant l'allaitement*
غذا باید داد اگر کیفیت و کمیت شیر خوب باشد یکسال تمام بجز شیر چیزی بکودک ندهند
بجهت اینکه شیر غذائیست که طبیعی طفل است و واسطه ما بین غذای حیوانی و نباتی
دارای موادیست که نوزاد با آنها نمو میکند و از بابت سهولت هضم مناسب معده ضعیف اوست
و در اول طفولیت چیزی قائم مقام آن نمیشود بعد از یکسال شروع بغذای سبک
اغلب در ماه پنجم و ششم از بابت کمی شیر دایه لازم میشود که بطفل جزئی غذا
بدهند در اینوقت اگر شیر را با شیر گاو و یک ماء الشعیر داخل کرده باشند اضافه
نمایند کفایت در تغذیه میکنند جزئی غذای سبکی هم بآن بیفزایند

مطلب سیم — وقتیکه میخواهند شروع بغذا کنند باید غذائی *Commencement de la nourriture.*
اختیار کنند که مناسب حالت طفل باشد و مفسد شیر نباشد بهترین غذاها
برای طفل شیرخواره آب گوشت تقیلی است که جزئی نان داخل آن کرده باشند
بجهت اینکه طبخی که در این مورد باید بشود شده است و سریع الهضم تر است تا اینکه بجهت
آبگوشت قدری شیر اضافه کرده که سوپ شیر با نان گویند و بعد از آن چنانچه در
طریقه تاسعه هم ذکر میشود قدری شیشه فرنگی و نشا پیکا و شلب یا اینکه آرد

سبب بی میلی داخل آن آبگوشت کرده بدهند یا برنج را با آب کمی نمک پخته آنکه
شیر داخل کرده بخورانند و باید تمام اینها که گفتیم کمی گرم باشد شش هفت
ماه که گذشت ممکن است از جمله غذاهای آنها را آبگوشت متعارفی را بعد از آن
از آن مرغ و یا ملخ و یا برای آنها تهیه کرد و هم چنین میتوان مغز نان زرد را
آبگوشت غرق بوده با آنها خورانید یا آنکه شربت قند بکار اندک شراب قوی و آب پخته
باشند که گاهی قدری نان داخل این شربت قرمز کنند قائم مقام آن میشود
و این غذای سبکی است که در وقت تفریح باطفال میدهند

Du Sevrage. **طریقه ثامنه** در فطام — مقصود از فطام این است که دیگر
بطفل شیر ندهند و برای آن وقتی باید اختیار کرد که طفل در کمال سلامت باشد
بهتر این است در بهار و یا پائیز او را از شیر بگیرند نه در تابستان که احتمال هیضه
مرض شود هر گاه ملتفت شوند که اسهال دارد باید در وقت وبا مبتلی بکلوی
(اسهالی که قبل از وبا عارض میشود) از شیر بگیرند اگر هم از شیر گرفته باشند
دوباره بدهند تا مرض بکلی رفع شود اتفاق کرده اند که طفل
دیرتر از شیر بگیرند بهتر است تا زودتر بگیرند مگر اینکه ضرورتی داعی شود
که زودتر از شیر بگیرند حد وسط شیر دادن را بعضی بخرج ماه مدت دوازده دندان
یا جمیع دندانهای شیر قرار داده اند ولی این حد اعتبار ندارد بجهت اینکه در بعضی
دندانها زودتر و در بعضی دیرتر بیرون میآید چنانچه قدری خواهد شد بعضی
با دندان متولد میشوند بعضی دیگر از بیست ماه تا دو سالگی را ممتنی کرده اند
بالجمله برای اینکه خطرات سنین و امراضی که در آن وقت عارض میشود نگذرد باید
صبر کنند تا دندانهای اولیه تمام خارج شوند آنوقت از شیر بگیرند گاهی وقت
شیر گرفتن شروع غذا دادن میکنند و هر غذائیکه بطفل میدهند هضم نمیکند روز
بروز ضعیف میشود از اینست که معده او هنوز قوت هضم غذا ندارد بخصوص

اگر غذا تعجیل و غلیظ هم باشد که محتمل است موجب ورم امعا شود در این وقت بالضروره باید نقلۀ شیر بدهند که معده قوت بگیرد و بتواند غذا را هضم کند اما باید بگوییم اگر خیلی از موعد شیر گرفتن بگذرد و باز شیر بدهند طفل از نمو باز میماند تنبل و لاغر شده استخوانهای او نرم مانده و مستعد کساحت (راشیتیسم) میشود چرا که شیر به قدر غذا نیست که کفایت بدن را در وقتیکه بزرگ شده هم بدهد نهایت بیرون آمدن طبیعت غذا مطلبد باید همینکه شروع بدادن غذا کردند باید از شیر کم کنند که هر قدر غذا را بیشتر میکنند شیر را کم کنند و کم کم شیر دادن شیر را موقوف کرده در بین روز هم از دفعات آن بکاهند بعد از مقدار آن کم کنند تا بکلی قطع نمایند شیر گرفتن بعض اطفال خیلی مشکل است متصل گریه میکنند پستان را میخواهند در اینحالت لابد باید روی آن تلخ و بدمزه مثل ننتور و افسنتین و حنظل تا و صبر زرد به پستان خود بمالند که دیگر پستان را نگیرد همینکه طفل از شیر گرفتند تعجیل در دادن گوشت و غذاهای ثقیل غلیظ نکنند اول غذاهای که نباتی و بتدریج گوشتهای طیور و غذاهای حیوانی بدهند که موجب تحریکات و ورم مجاری تغذیه نشود

Sevrage relativement aux nourrices.

خالت فطام نسبت بدایه کلیه هرقدر که بطفل شیر میدهند بتدریج شیر او کم میشود تا وقتیکه بکلی قطع کرده شیر تمام میشود اما گاهی با وجود فطام شیر او کم نمیشود در اینحالت باید هر روز صبح گل زبرفون را طبخ کرده یک قاشق آش خوری اکسیر نیکی نباتی داخل آن کرده بخورد با یک نالی دو مطری [illegible] شیرابه و مسهلی بنوشد

طریقۀ تاسعه -- شروع در گرفتن از شیر باید بنحوی باشد که مذکور شد میبایستی شیر دادن صبح را مبدل بدادن چند قاشق فرنی نماید بعد روز اول از غذای جدید نباید کراهت داشته و هیچ چیز غیر از شیر خود نمیخواهد اما نباید بانجات

با اینحالت عشائی که زود طولی نمیکشد که طفل آنرا خواهد خورد بعضی که اگر در هفت تا هشت ماهگی فرنی بدهند تقاضا مینمایند این فرنی را ممکن است از آرد گندم یا جو و غیره چنانچه مذکور میشود ساخت بهتر اینست آرد را الک کنند و با آتش بسیار ملایم که زیاد بخار نکند با آب یا با شیر بپزند در روز اول صبح الی چهار قاشق آش خوری بدهند که فرم آنرا بچشد و هر روز چند قاشق تا بعد از چند یکی که گذشت روزی دو مرتبه از آن فرنی یکی صبح یکی عصر بدهند تا مدتی که گذشت یکی صبح یکی ظهر یکی عصر بدهند و از این آردها بعض آشهای بچه [illegible] با قدری کره یا با شیر یا شته فرنگی یا مغز سیب زمینی یا بکسمات هم اغلب اطفال مرق گوشت گاو یا جوجه را خوب هضم کرده بعضی دیگر آنها را خوب هضم نمیکنند برای آنها مثل مسهلی میشود باعتقاد حقیر بهتر از اینست که برای آنها چند قسم آش و طریق پختن و تهیه کردن آنرا بیان کنیم

Allimentation préparant au sevrage

فرنی متعارفی

Bouillie commune.

یک قاشق آرد گندم را در چند قاشق آب سرد بریزند و کم کم شیر داخل کنند و همینطور بزنند تا بصد مثقال برسد و آنرا با آتش ملایم بجوشانند و متصل بهم زنند که آرد بقعر ظرف نچسبد فاسد شود آنگاه چند حبه قند بان بیندازند و قدری نمک هم داخل کنند و معمول دارند

فرنی از جو

Bouillie d'avoine

طریقۀ تهیۀ آن مثل فرنی آرد گندم است ولی میتوان آنرا باین قسم تهیه نمود یک قاشق آرد جو را در دو قاشق آب سرد مخلوط نموده زیاد بزنند که گلوله گلوله نشود پس صد مثقال دیگر آب جوشان داخل آن کرده تا نیم ساعت بجوشانند متصل بهم بزنند که غلیظ شود در این وقت هر قدر از آن میخواهند بردارند در ظرف دیگر ریخته امتداد شیر [illegible] بروی آن بریزند که روی آنرا بپوشاند بهم بزنند بخورد [illegible]

در این قسم همیشه هم آرد بخوبی پخته میشود و هم شیر مدتی نمی جوشد که غلیظ شود
هرگاه بخواهند از آرد برنج و آرد عدس و تاپیکا و غیرها فرنی بپزند میتوان همین قسم‌ها پخت

آرد شیری

Farine lactée.

نان سوخاری را کوبیده داخل شیر کنند و اگر میخواهند با پستانک بدهند یک قاشق
آنرا در ده قاشق آش خوری آب و اگر بخواهند از آن فرنی بپزند پنج قاشق آب
داخل نمایند و ده دقیقه بروی آتش نگاه دارند تا طبخ شود بعد بدهند

راکاو عربها

Racahout des Arabes.

ثعلب کوبیده	کاکاو کوبیده	مغز پسته چینی	آرد برنج	قند سفید مسحوق
		۴۰		۲۵۰

شکر پخته با وانیل معطر کرده . بلوط شیرین کرده بو داده کوبیده از همه اینها
فرنی با آب یا با شیر طبخ نمایند از بابت اینکه خوش مزه است و زود هضم میشود بهتر از اقسام دیگر است

آبگوشت نان

Soupe au pain.

پوست نان را اندکی برشته نمایند و در روی آتش بو بدهند و آنرا خورد خورد
کنند در ظرفی گذارده اندکی آب بروی آن بریزند که روی آنرا بپوشاند و ملایم
بجوشانند که نان خوب پخته و از هم پاشیده شود بعد صاف کرده قند و نمک داخل کنند معمول دارند

تخم شیر مرغ

Lait de poule.

زرده تخم مرغ	آب گرم	شکر سفید	عرق بهار نارنج	زرده تخم مرغ را
۱ دانه	یک پیاله	۵ مثقال	۱ مثقال نیم	با آب گرم زیاد

بزنند بعد شکر و بهار نارنج را داخل کنند اطفال آنرا خیلی زود هضم میکنند و از روی
میل میخورند

آبگوشت جوجه

Bouillon de poulet

جوجه را اگر پوست و پی آنرا گرفته باشند قطعه قطعه کنند و صد مثقال هم
گوشت گاو بران بیفزایند و قدری نمک بریزند و در چهار صد مثقال آب در حوالی

ساعت بجوشانند چربی روی آنرا که موجب سوء هضم و اسهال میشود بردارند
و با پارچه نازکی صاف کنند و بدهند و اگر بخواهند آش شود برنج یا بلغور
یا جو مقشر در آن بجوشانند و آنرا بگذارند سرد بشود بخورانند

آبگوشت فوری

Bouillon d'urgence.

هرگاه ضرورتی داعی شود که تعجیل داشته باشند صد الی دویست مثقال گوشت را
خوب قیمه کنند و هر سبزی که میل داشته باشند قیمه کرده حاضر کرده باشند همه را در
چهار صد مثقال آب پخته بجوشانند تا یک ثلث آن بماند صاف کنند در کمتر
از یک ساعت آبگوشت بسیار خوبی حاصل میشود

فرنی آرد گندم برای اسهال

Bouillie de la farine de blé pour la diarrhée.

یک سیر گندم را در پارچه ریخته دو سر آنرا جمع کرده گلوی آنرا با ریسمانی ببندند
در آب جوش انداخته دوازده ساعت بجوشانند و بیرون آورده خالی کنند آرد
سخت و دانه دانه میشود آنرا خشک نموده هر وقت میخواهند یک قاشق آنرا در
پنجاه مثقال شیر بجوشانند تا پخته شود در اسهال عفونی و ناخوشیهای معده و امعاء مفید است

فرنی عدس با شیر

Bouillie de lentille au lait.

بگیرند یک قاشق آش خوری آرد عدس و کمتر از یک قاشق آرد گندم و قدری
مثقال شیر اول آردها را با کمی از آن شیر مخلوط نمود زیاد بزنند و قدری قند و
نمک داخل کرده در ظرفی ریخته همینکه بنای جوش گذارد کم کم بقیه شیر را
ریخته و بهم زنند تا ده دقیقه بجوشانند اگر لازم شود میتوان یک زرده
تخم در وقت برداشتن بآن اضافه نموده بهم بزنند و بکار ببرند

شیر برنج

Du riz au lait.

سه قاشق آش خوری برنج را در نود مثقال شیر ریخته بجوشانند و بهم بزنند
تا برنج پخته شود وقتی میخواهند بردارند قند داخل نمایند استعمال کنند میتوان

از آب تطبر یومذکور بعوض برنج با آرد برنج ساخت که فرنی سینا مند یا با اقسام شیرها
فرنگی تهیه نمود

آب برنج

De l'eau de riz.

مقداری برنج پاک کرده شسته را مدت سه ساعت در آب گرم بخیسانند پس
از آن بیرون آورده در ظرفی نهاده بقدر کفایت آب بروی آن ریخته یکساعت
با آتش ملایم بجوشانند و صاف کنند اندکی لیموی عمانی کوبیده داخل آن صاف
کرده کنند اگر لازم شود یک قاشق کنیاک هم باز اضافه نمایند در اسهال
مفید است و اروت با شیر هم از اغذیهٔ مناسبهٔ اطفال است

شیر با دارچین

De la cannelle au lait.

پنجاه مثقال شیر را اندکی دارچین نرم کوبیده و قدری قند و یک مثقال و نیم
کنیاک داخل کرده بهم بزنند در اسهال مفید است اگر لازم شود قدری گرم کرده بدهند

گوشت خام

De la viande crue.

گوشت بی چربی مرغ یا گوسفند را گرفته پارچه پارچه یا قیمه کنند مثل آن قدر صاف
کرده در هاون ریخته انقدر بکوبند که آب شود در اسهال هر دو سه ساعت
یک مثقال و نیم از آن بدهند

شیرهٔ گوشت خام

Jus de viande crue.

گوشت بی چربی را گرفته قطعه قطعه کرده در ظرفی ریخته با قاشق یا با چوب
از سه ساعت بزنند تا تمام گوشت بهیئت الیاف بی رنگی گشته مایع مخصوص آن
برنگ خون گرد او را صاف کرده از آن مایع بر حسب لزوم و سن طفل روزی
چند پیاله یا چند قاشق در اسهال بدهند

طریق تهیهٔ ماء الشعیر

De l'eau d'orge.

هفت مثقال جو را اول در آب سرد شسته پنج دقیقه در آب گرم جوشانده آن

آبرا

آب را بریزند یازده سیر آب داغ بروی آن ریخته بملایمت بجوشانند تا یک
چهار یک آب باقی بماند با قدری پوست لیموی عمانی آنرا معطر نمایند اگر
لازم شود قدری قند داخل کرده بدهند ولی اغلب بدون شیر استعمال میشود

فصل سیم

Des soins de propreté, des bains, des vêtements, de l'exercice et du sommeil.

در ملاحظات ثانویه از نظافت و پاکیزگی حمام و لباس و ریاضت و خواب
اطفال و در آن پنج لحاظ است

لحاظ اول — در نظافت اطفال و در آن چهار مبحث است

Propreté.

مبحث اول — از زمان تولد باید بر حسب حال طفل همه روزه یا
یک روز در میان با قطعهٔ اسفنج نرمی که در آب نیم گرم فرو کرده باشند بکمال سرعت

Lavages quotidiens de tout le corps.

تمام بدن طفل بکشانند و بشویند و اگر در جلد خراشی و سرخی باشد غبار
نشاسته ببدن او بپاشند و این در اطاقی باشد که هوای آن سرد نباشد و در
مقابل آتش باشد و فی الفور بدن او را با پارچهٔ نازکی خشک کنند و لباس او را
بپوشانند و کمی بدن او را بمالند که گرم شود (اما تبصره) میگویند شستن با آب
نیم گرم جلد را ضعیف میکند و باید جلد را قوی و مستحکم کرد که حالت عرق منظم
گردد که اصل در صحت اطفال است پس باید در اوایل چندی با آب نیم گرم استعمال
کرد و بعد بتدریج باید شستن با آب نیم گرم را ترک کرد تا آنکه مثل آب چشمه
گرم باشد با این طریق که تمام بدن را در طشت کوچک از سر و صورت شروع کنند بشویند
این طریقه در تمام فرنگستان در اغلب ملل معمول بوده است بعضی مادرها چون
می بینند در مرتبهٔ اول طفل گریه میکند از آن مضایقه میکنند اما اگر
حقیقةً بچهٔ خود را دوست داشته باشند مهربانی آنها این است که طفل را بشویند این
شستن و شو برای اطفال ضعیف لازم تر است با بدایتها را بطور منظم همه روزه
شستشو دهند هوا گرم باشد آنها را در آب حوض یا رودخانه یا دریاچه فرو غوطه

دهند

دهند بعد از چند روز که گرمه کردند عادت میکنند و این یکی از بازیهای شمیها و نخو
انها ملیشود و در مدت این شستن همه را میخندند و یقین دارم اگر این طریقه
معمول بشود اطفال همیشه سالم و از اکثر آفات محفوظ میمانند فائده کلی
شستن و شوی این است که دیگر عرق زیاد نمیکنند و مواد را نها اثر نمیکنند و در
سر بچها زمستان سرما نمیخورند و از بسیاری از امراض مثل امراض جلدی و حالت
صرعی و زکام و نزله و ذات الجنب و ذات الریه محفوظ میمانند و چند یکه میکنند
قوی میشوند و صحت محکمی پیدا میکنند و در این ایام فواید استعمال آب سرد
بعموم مردم محقق و واضح شده است و بهترین اعمال است که مادران ما برای اولاد
معمول میداریم و در بادیه زیاد متداول شده است **تلبیس** برای اینکه
مادرها را مطمئن کند طفلی که از استعمال آب سرد بکمال قوت میرسد بهمه کس
نشان میدهد پس باید بتجربت آن را استعمال کرد و در حقیقت برای پیشرفت
و حفظ صحت اطفال بهترین تدابیر است بخصوص در اطفال ضعیف و لطیف
ساکنین شهرها و این میتوانند تمام اغلب غالبها حفظ صحت کردند پس شستن
شوی بکنند مبادا آب سرد از اعمال البنا ونیک است و اسباب جلب حفظ صحت
میشود و اگر کسی نخواهد خود شما این عمل را در تمام عمر بکند

مبحث دوم — در پاکیزگی آنها — هر روز باید سر طفل را شانه *Toilette de la tête.*
و شستشو کرد و ماموریت پاک کنند غالبا مادهٔ چرب با سبوسهٔ ضخیمی زرد
در پیش سر آنها ظاهر میشود عوام میگویند نباید آن را برداشت و این خطا است
که اگر آنرا بر میدارند سبب ورم جلد سر و کچلی و پیدا شدن طبقه کلفتی میشود
که دو زبان چرک پیدا خواهد برای برداشتن آن باید هر روز صبح روغن
زیتون بمالند و بلا ملی و صابون بعد از آن با ماموریت پاک کن نمک آن را
برمالند و با آب بشویند و همیشه مواظب پاکیزگی سر باشند و بعد از چند

روز حالت طفل خوب خواهد شد و اینحالت نگذارند که موی سر بلند شود که
جلب شپش و شیش کرده آنها را ضعیف میکند آنرا بتراشند یا قیچی کنند و عکسی
بر سرها افتد چنانچه بعضی مادرها هنوز هم کار میکنند برای صحت مفیدات
باید آنها را پاکیزه نگاه داشتن سر و مالیدن روغنهای ساده و تر یا متین و شستن
با مطبوخ منطور بون دقیق و غیره را رفع نمود و اگر آنها فایده نکرد روغن
خاکستری داخل کره کرده بمالند بکلی میبرند

Toilette de la figure. **مبحث سوم** در شستن صورت طفل — باید تمام اعضای صورت
و بینی و چشمها و گوشها را پاک کنند و بشویند بعض بلغمهای غلیظ در بینی جمع
میشود که سوراخ بینی را مسدود کرده نمیگذارند از بینی نفس بکشد وقتی او
شیر میدهند ناچار پستان را رها کرده گریه میکند بد نعماد و مضطرب میشوند
و هم ناچار میشود همیشه از حلق نفس بکشد راه حلق خشک شده موجب ورم
حلق میگردد پس باید با کمال دقت آن بلغمها را خارج کنند در گوش نیز اوساخ
جمع میشود که مجرای ظاهری گوش را مسدود میکند و مانع از شنوائی طفل
گشته کری موقتی عارض میشود اگر چه این کری موقتی است وقتی بزرگ شد
بجهت دفعه اوساخ شسته شده خارج میشوند کری رفع میشود اما ممکن است
مدتی بماند ملتفت نشوند و طفل همینکه نشنید تکلم نمیکند مدتی لال میماند
پس باید پارچه لوله کنند و نمدار نموده داخل گوش آنها کرده پاک کنند
یا با گوش پاک کن بر دارند

Propreté des linges. **مبحث چهارم** در پاکیزگی پارچهای سفید که بر سر یا اعضای
طفل میبندند بعضی دایه‌ها وقتیکه این پارچها از بول یا چیزهای دیگر نجس میشوند
فقط آنها را میخشکانند باید همینکه این پارچه‌ها تر شدند فی الفور آنها را عوض کرده
در جای آنها پارچه سفید شسته دیگر گذارند و آنها را با آب بشویند و وقتیکه اطفال

رختخواب خود را آلوده میکنند نباید آنها را گذاشت در آن آلوده شوند باید آنها را
با کنارهای پارچه که در روی آنها هست پاک کنند بلکه باید قطعهٔ ابری
در آب نیم گرمی که در آن اندکی (ادکلنی) جوهر اسطوخودوس ریخته
باشند فرو برده آنها را بشویند لباس آنها را روزی دو سه مرتبه عوض کنند
اگر زیر شلواری و زیر پیراهنی پوشیده اند آنها را زودتر عوض کنند برای
آنکه بول و براز مماس بدن آنها نشده مورث خطری شوند باید آنها را عادت
داد بروی لگن نگاه داشته در زمان طفولیت این عادت خیلی سهل است
باید بطور منظم آنها را عادت داد که تخلیه کنند با یکمرتبه روزی دو و سه مرتبه
آنها را بروی لگن بنشانند موضع آنها که آلوده ببول و براز میشود قطعهٔ ابری را
با آب فاتر فرو برده همه روزه بشویند

لحاظ دوم در حمام اطفال مقصود از حمام شستن طفل است — Des bains.

با آب گرم نه بردن بمثل حمامهای ایران که بسیار گرم و مرکب از چندین مادهٔ
متعفن است که آب خالص یا چیز دیگر که میخواهند طفل را با آن بحمام ببرند در
ظرف کوچکی باندازهٔ طفل ریخته در اطاق گرمی برده بهر درجه که میخواهند
گرم کنند اول قطعهٔ ابری تر کرده تمام اعضای طفل را بمالند پس او را در آن
ظرف فرو برده بشویند و هر قدر میخواهند نگه دارند و آنوقت او را خشک کنند
و فلانلی بدور او بپیچند و لباس او را بپوشانند و مادامیکه بدن او خشک
نشده او را بیرون نبرند و نگذارند بیرون برود اول باید حمام آنها فاتر باشد
و حرارت حمام تقریباً مثل حرارت بدن باشد و باید همیشه ترمومتر در کار باشد
برای اینکه بطور تحقیق درجهٔ گرمی آب معلوم شود که سهو نشود اگر چه چند
عشر درجه هم باشد که در اول اسباب خطر است هر چه طفل کوچکتر است
باید احتیاط را بیشتر کرد مدت حمام باید در شش ماه اول از پنج تا ده

دقیقه و بتدریج تا سال دویم از بیست تا سی دقیقه باشد اما وقتیکه اطفال
چنانچه ذکر شد همه روزه میشویند هفته یکبار حمام کفایت میکند اطفال خیلی
کوچک را در حمام نباید بخود واگذاشت باید دایه سر آنها را با یکدست نگهدارد
دست دیگر را زیر مفصل زانو داشته باشد بلکه اگر هم بزرگ باشند دایه در حمام
مواظب آنها باشد همینکه طفل را از حمام بیرون آوردند باید فوراً او را خشک
کنند و با پارچهای نازک او را مالش دهند چند دقیقه با دست او را بمالند نباید
قدری که از روز گذشته هوا گرم شد استحمام کنند صبح بسیار زود که سرد است
بحمام نبرند

لحاظ سیم در لباس اطفال آنچه سابقاً گفتیم در اول لباس نوزاد بود — Des vêtements

در ماه سیم و چهارم ممکن است رفته رفته قباهائی که مناسب نازکی و لطافت طفل
باشد باو بپوشانند و جوراب بپایش کنند و کفش کوچکی از پارچه نرمی که
مانع از حرکت و نمو پا نباشد و پا را هم نزنند و اذیت نکند بپای او کنند لباس
شب را هم باید تغییر داد باید چهار پنجماه بعد از تولد آن لباس را که روز میپوشید
خارج کرده و شب لباس راحت تری مثل پیراهن بلند باو بپوشانند که خواب
راحت کند اما چون در لباس بستر میپوشند در پوشش او را بستر کرده
و پرده روی رختخواب او را کلفت تر کنند که سرما نخورد وقتیکه هوا سرد — و در وقت خواب بیرون میاورند
نباشد طفل را عادت بدهند که همیشه سر برهنه باشد بشرطی که موی سر او
بلند باشد این معین است لباس را باید باقتضای فصل باو بپوشانید در فصول
بارده لباس را بیشتر و در فصول حاره کمتر کرد باید دانست که حرارت حیوانی
در زمان طفولیت خیلی کمتر از زمانهای دیگر است پس باید در لباس آنها
خیلی ملاحظه کرد که مطمئن بشوند که آنها را بیک حرارت معتدلی نگه میدارد
طفل که حرکت میکند باید لباسهای او گشاد باشد که در هنگام حرکت آزاد باشد

وفشار بر سینه وشکم وارد نشود ازبابت اینکه لازم میشود لباسهای انها از مکرر
عوض کنند باید در محل تخلیه لباس عوضی حاضر باشد

Exercices

لحاظ چهارم در ریاضت اطفال وان بر چهار قسم است

قسم اول در ریاضت هنگامیکه تازه متولد شده اند ریاضت آن
1° Pendant les premiers temps de la vie.

هنگام بودن در اغوش مادر ودایه است که انها قدری حرکت کنند در هفته
دویم وسیم روز مثلا انهارا بیرون ببرند تا انها زودتر بهوای ازاد عادت کنند
خالص برده بکردانند هوای خالص بقدری برای زندگی انها مفید است که از اکل
وشرب هم لازم تر است فایده دیگر هوا برای حفظ صحت این است که عادت بان
هوا کرده اند سخت وقوی میشوند دیگر تغییرات هوائیکه موجب امراض میشوند
در انها اثر نمیکند اما اگر ضعیف ولاغر باشند در هوای سرد خیلی احتیاط
کنند ووقتی میخواهند انها را بیرون ببرند خوب بپوشانند واگر شکایت
میکنند وهوا با انها اذیت میکند بردن بیرون را ترک کرده در میان خانه آنها را
بکردانند واین ریاضت همان طور که برای طفل مفید است برای
دایه هم مفید است زیرا که شیر او را خوب میکند
در ماه چهارم وپنجم عظام ورباطات وعضلات اطفال هنوز چنان قوتی
ندارد که انها را بخود واگذارند که بنشینند یا بپا بایستند یا تحمل سنگینی
خودشانرا کنند پس باید در این هنگام ریاضت خیلی خفیف باشد ومنحصر
بشود باینکه انها را میان اطاقها یا جاهائیکه هوا داشته باشد بکردانند
باید طفل بطور افقی بر روی دستهای دایه بخوابد وگاهی از این رو وگاهی بر رو
ان دکتر نکته را دیده شده است که بعضی از اطفال که این احتیاط را در
انها نکرده اند مفصل ران یا یکی از مفصلهای انها خلع شده هرگاه قبل از انکه
اعضای طفل صلب شود باو ریاضت قوی بدهند بسیار مضر است هم موجب انحنا

اطراف

اطراف سافله وستون فقرات وزحمتی بعمل معده وریه وقلب میشود
پس از ماه چهارم وپنجم بدن طفل قدری محکم میشود ومیل دارد که با چهار دست
وپا راه برود وخود را بزمین میکشاند ومیخواهد برخیزد نمیتواند باید او را بزیر
بغل او را بگیرد بلند کند اما نمیتوان تا ماه دوازده هم تا پانزده هم که میتوانند
خود تنها راه بروند او را بخود واگذاشت در زمان اول طفولیت بواسطه
نرمی اعضای اطفال ومتاثر شدن انها از اشیاء خارجیه باید زمان تفرج
انها کم باشد یعنی از نیم ساعت الی یکساعت بیشتر نباشد وبعد زمان آن را زیاد
کنند نباید چشمهای اطفال را بروشنیهای تند بخصوص باشعه نورانیه افتاب
یا باتش افروخته شده انداخت بجهت اینکه اجزاء چشم در این سن بسیار نازک
ونمیتوانند متحمل چنان تحریکی بشوند چشم ضعیف یا فاسد میشود واین ملاحظه
بسیار مهمی است که باید بکنند بجهت اینکه زیاد اتفاق افتاده است که چشم طفل
بدون اینکه علامت دیگری داشته فاسد شده است و باید این احتیاط را نیز
در قوه سامعه کرد که صداهای بلند شدید مثل صدای توپ وتفنگ دفعة بگوش
انها نرسد که مکرر دیده شده است که موجب الصرع گشته است

قسم دویم وقتیکه خود شروع بحرکت میکند باید یک مدتی اندروزا او را
2° Quand l'enfant commence à se mouvoir de lui même.

بر روی زمین باموی غیرش یا بر روی لحاف یا بروی مرغزار اگر خوب خشک باشد بگذارند
که در انجا بمیل خود حرکت وبازی کنند وهم خوبست که گاهی او را در کالسکه کوچکی
گذارده بکردانند بعضی گفته اند اگر انها را بخود واگذارند برای اینکه برخیزند
وشروع براه رفتن کنند در حالت طبیعی باشد خیلی بهتر است از اینکه انها را
بکالسکه کوچکی بگذارند یا ببندند وبکردانند چونکه کالسکه سینه انها فشرده
شده شانهای انها بالا میرود وبواسطه فشار دادن دماغ خون در سر انها جمع میشود
وهمینکه خودشان میتوانند بنشینند وخود را بکنار زمین بکشانند جرئت پیدا

میکند

حرکت دادن و براه انداختن اطفال

میکنند و وقتیکه میتوانند بر پا بایستند نباید سعی کرد که راه بروند ملاحظه
آنها را داشته باشند و چیزی که اسباب بازی آنها باشد بدست گرفته نشان
بدهند که بطرف آن بیایند باید تکیه گاهی مناسب برای آنها قرار بدهند که قدمی که گذا
رفتند نمیخواهند بیفتند بآن تکیه کنند در اینحالت اگر آنها را بخود واگذارند
هیچ ترسی ندارند و دیده شده که خود طفل سعی حرکت میکند که صدمه باو وارد
نماید و این بسیار بد عادتی است وقتیکه اطفال میخواهند راه بروند بازوی
آنها را میگیرند چه فوقی که برای اینکه خودشانرا نگاه دارند و راه بروند
کم میشود و این برای آنها خیلی مهم است اشخاصیکه مواظب اطفال هستند وقتی
میخواهند آنها را بر دارند نباید از بازوی آنها بگیرند و بلند کنند بجهة اینکه در
طفولیت دست و پا و استخوانها ضعیف و نرم اند و بزودی استخوانهای آنها خلع و کج
میشود و میشکند پس وقتیکه میخواهند آنها را بلند کنند باید دو دست را در زیر
بغل بچه دو طرف سینه آنها بگذارند و دفعة آنها را بلند کنند اینکه بعضی از سر
طفل میگیرند و دفعة بلند میکنند بسیار بد است دیده شده است که این بی احتیاطی
موجب هلاکت شده است

قسم سیم همینکه اطفال شروع کردند که تنها راه بروند باید آنها را بخود
واگذاشت اما باید نگهبان غافل نباشند باید که ملتفت آنها باشند از اینکه
نیفتند یا دست و پای آنها نشکند آنها را نترسانند اگر چند دفعه هم بیفتند
ضرر ندارد بلکه مفید است باید طفل عادت کند که بقوت خود بلند شود
این صدمات جزئی که در این بازی بآنها میرسد ضرری برای آنها ندارد

3° Lorsque l'enfant commence à marcher seul.

قسم چهارم وقتیکه طفل میتواند تنها راه برود باید او را بخود وا
گذاشت در بیرون در فضای بزرگی پنج شش ساعت بازی کند چنانچه
متفق اند که بعضی استحمام بحمام و هوای طولانی نمایند و همه روزه از آن معمول
دارند

4° Quand il sait marcher seul.

ریاضت طفل صغیر

بدانند که اسباب حفظ صحت است که طفل بآن محفوظ میشود و موجب نشاط
و تجدید حیوة او میگردد و این نباید در صبح بسیار زود و عصر دیر یعنی
وقت غروب در هوای بسیار سرد و بسیار گرم شود اگر آفتاب گرم نباشد طفل را
در آفتاب بگردانند اما اگر گرم باشد در مواضعی که آفتاب بوده و رفته است
گردش بدهند و باید وقتیکه طفل ببازی و گردش میرود چند طفل هم سن او قرار
بدهند با او هم بازی باشند در حقیقت حظ اطفال با نیست که با یکدیگر بازی
کنند هیچ چیزی مثل اینکه جمع باشند و با هم بازی کنند هوش آنها را زیاد و
خلق آنها را خوش نمیکند همینکه تنها ماندند بخود و خود پسند و غمناک و
حسود کشته و مانند آنها بسا خرچها فند و موجب عادتهای بد آنها میشود نزدیک
با اشخاص مسن برای طفل فایده ندارد بلکه موجب سوء خلق و بروز نکردن
کمالات طبیعیه و نفسانیه او میشود محقق است که هیچ حفظ صحتی برای آنها
مثل ریاضت نیست اگر مضاف باشد با خوردن غذاهای مناسب خوب مزاج آنها را
محکم میکند و با غذاهای بد هم با آنها قوت میدهد در سال اول حیوة این تدابیر
در اعضائیکه هنوز نرم و قابل انحنا اند خیلی موثرند و همچنین این تدابیر
اینکه قوای نفسانیه آنها بروز کند و قلب آنها قوی گردد لازم است **پلوتارک**
میگوید ریاضت بدنی برای اطفال بسیار مفید است برای اینکه قوت آنها را زیاد
کرده و هیئت و صورت آنها را خوب میکند این مزاج و ترکیب خوب جسم که
در زمان طفولیت تحصیل میشود برای زمان پیری بنیان خوبیست چه در
هواهای خوب ملایم باید تهیه روز طوفان نمود و در طفولیت باید برای آنها
مزاج لایقی تحصیل نمود که به پیری برساند

5° Du sommeil

لحاظ پنجم خواب اطفال در شش هفته اول میخورند و میخوابند و
هضم میکنند در حقیقت هنگامیست که متنبه و بیدار میشوند برای این هنگام قاعده معینی

نیست و باید طفل را بحالت طبیعی خود واگذاشت که بخوابد و هیچ زحمتی باو ندا‌د
اگر وقتیکه طفل بیدار میشود خوشحال و خندانست باید یقین کرد که باندازه
خوابیده زیاد نخوابیده است اگر در بیداری ضعف و خستگی ندارد نباید از طول
بیداری مضطرب شد و او را بزور خواباند هر چه اعضای طفل بیشتر نمو میکند
قوت او رو بازدیاد میرود خوابش کم میشود انوقت باید برای او عادت منظمی قرار
داد که چه قدر بیدار باشد و چه قدر راحت کند و این بهتر تدبیریست برای
خواب طفل پس باید قسمی عادت داد که بیشتر از شب و قسمتی از روز را بخوابد این
خواب برای حالت نمو و صحت مزاج طفل بسیار مفید است و از انوقت تا یکسالگی
باید تقریبا دو ربع [illegible] ساعت بخوابد و از آن وقت کم کم خواب روز را
موقوف کنند و وقتیکه خواب روز را موقوف کردند باید او را شب زود بخوابانند که او را
یکساعت از شب رفته قدری که گذشت و ساعت از شب گذشته بخوابانند
تا سن هفت سالگی این قاعده را مجری دارند طفل در آخر روز بواسطه حرکت
زیاد و بازی و دویدن خیلی خسته و بیحال میشود باید او را در انوقت از بیکاری ما
منع کرد که یکساعت قبل از خواب خستگی آن رفع بشود که خواب راحت کند بعضی
گفته اند وقتیکه طفل خوابید در اطراف او صدا نکنند و بعضی دیگر گفته اند
که باید او را در جائی خواباند که صدا در آنجا باشد تا عادت بکند اما چون
بنیان اعصاب اطفال بسیار حساس است اگر صدا خیلی زیاد و بلند باشد و او از
خواب بجهد عوارض خطرناک مثل حرکات تشنجیه و ارتعاش به او عارض میشود پس
بهتر این است که در جائیکه صدا زیاد و آمد و شد زیاد نباشد او را بخوابانند نباید طفل را بعد
که غذا زیاد خورد فورا بخوابانند چه در حالتیکه معده بواسطه غذا شروع بهضم
کرده است تمدد و منبسط شده خواب بد و پریشان میشود صبحها وقتیکه بیدار شد باید او را تمیز
و مطبوع خشک نگاهش داشت که برای طفل بیشتر و سهلتر است اول ضرر این است که

مشاعر

مشاعر او را احمق و بنیه او را ضعیف میکند و هم نباید در اطاق طفل گیاهای معطره که
اثر بدی در اعصاب دارد گذاشت که موجب عوارض خطرناک میشود باید تمام اجزای
رخت خواب او همه روزه باد بدهند و خیلی پاکیزه نگه دارند جنبانیدن که مواده اطفال
نیز عامی معمول است بعضی از منع کرده اند اما وقتیکه آهسته بجنبانند و آهسته بخوابند
ضرری که گفته اند ندارد اما بهتر این است که او را عادت بجنبانیدن که نو ندهند

وقتیکه طفل در رختخواب خوابش نمیبرد که مواده بازی میکند و تنها او را حرکت میدهد همه چیزهایش میدهد مشغول میکند کرده میکند بعضی او را میکند نباید او را مجبور بخواب کرد باید بحالت خود گذاشت

فصل چهارم در رستن اول اطفال و احتیاطهائیکه در آنوقت

باید کرد و عوارضیکه در آن بین عارض میشود و در آن دو بیان است

De la première dentition, des soins qu'elle réclame, et de ses principaux accidents.

بیان اول در رستن دندان

مربوط است بنمو اعضاء اطفال طفلیکه
مزاج او خوب است این هنگام را بدون خطر میگذراند اما اطفال ضعیف لطیف
یا آنهائیکه حفظ صحت نمیکنند در بیرون رستن دندانها خطرات زیاد دارند
اطفالیکه تازه متولد میشوند دندان ندارند و دندان هم لازم ندارند بجهة اینکه
شیر میخورند اعضای آنها هم مستعد اینکه غیر از شیر چیز دیگر بخورند نیست قدری که
گذشت که دیگر شیر کفایت آنها را نمیکند و باید غذائی بخورند که آنها را بجا دندان
وقت دندان بیرون میآورند از بابت اینکه در بعضی زودتر ظاهر میشوند و در
بعضی دیرتر کسی نمیتواند بطور تحقیق هنگام رستن دندان را معین کند مثل اینکه
بعضی اطفال با دندان متولد میشوند (لوئی ۱۴ با ۴ دندان متولد شد میرابو
نیز با دندان متولد شد) و در بعضی دیده شده که دندانهای شیر آنها بعد
دو سالگی شروع برستن کرده اغلب بین ماه و از پیش ماه دندان بیرون
میآورند دندانهای اول دندانهای عادیه و دندان شیر هستند و بیست عدد
هستند از آنها دندان قواطع که چهار در بالا و چهار در پایین اند و چهار دندان
ناب و دو در پایین و دو در بالا یعنی هر یک از آنها در هر طرف یکی از قواطع و

1° De la sortie des dents.

و هشت

وهشت دندانهای اسیا کوچک اند ولیکن در ماه ششم وهفتم شروع بخارج شدن
نموده واخریها در سال دویم وسیم بیرون میایند ودر سال هفتم شروع بافتادن
میکنند ودندانهای ثابت شروع برستن مینمایند افتادنشان وبیرون امدنشان
بدین قسم است یعنی چنانچه اول قواطع بیرون میایند قواطع هم اول میافتند
تقریبا در ماه ششم یا هشتم دو دندان ثنایا از فک اسفل خارج میشود وطولی
نمیکشد که دو دندان محاذی انها از فک اعلی خارج میشود پس از چندی قواطع
طرفی تحتانی وفوقانی که انها را ضواحک نامند خارج میشوند در حوالی ماه یازدهم
دو دندان طواحن کوچک اول بیرون امده ودر ما بین انها وضواحک فاصله برای
دندانهای ناب میمانند که خیلی طول میکشد تا بیرون میایند اما گاهی دندانهای
ناب قبل از طواحن کوچک بیرون میایند واین نادر است علی ای حال بعد از
همه انها دو دندان طواحن کوچک اخری خارج میشوند واین در سن دو سالگی
است این رفتار عادی بیرون اوردن دندانها است قبل از اینکه دندان
بیرون بیاید لعاب دهن زیاد شده لثها متورم ومرو با وجع غالبا قلاع وقرحهای
کوچک در دهان ظاهر میگردد وانها بواسطه تحریکی است که در غشاء مخاطی
دهان ظاهر میگردد گاهی بعضی اختلالات عامه بر این علامات موضعیه افزوده
میشود که طفل مضطرب وبواسطه بعضی تحریکی کوتاه واشتهای او کم عطش زیاد
وخواب ونادراحتیا اعیا عام وکوفتگی وبعد از انها اسهال شده بلکه عارض
او میشود واین مهلته علامت خوبی است وما دامیکه خیلی زیاد نشده وطول نکشد
طبیب نباید مضطرب شود در تسنین دنبال صعب رقی وتب بیخوابی وارتعاش
بعضی اعضا وحرکات ارتعادیه وتشنجیه وخواب لیرغنی ظاهر میشود بخصوص
وقتیکه دندانهای ناب ظاهر میشوند وگاهی صورت وچشمها ورم میکند بعضی اوقات
غدهها عنقیه متورم وبزرگ شد منفتح میشوند گرم دهن وشدت حرارت تب

موجب این میشود که طفل زیاد شیر میخورد ودوا قی میکند وهم ممکن است یکی از اسباب
اسهال لیکن اغلب عشاق بیرون اوردن دندانست همین باشد

Accidents de la dentition. — Moyens de les combattre.

باب دویم در خطرات تسنین وتعدیه بحفظ ودفع انها — اگر تسنین
بحالت طبیعی باشد موجب مرض نمیشود اما چون تمام بدن را تحریکات میکند بسبب
جزئی که اگر در ان وقت دیگر عارض میگشت بزودی بدون اینکه ملتفت شوند رفع
میشد موجب مرض میشود مرضهائیکه در حین تسنین عارض میشوند خیلی شدید
وبا خطرند پس تحریکات مخصوصی که عارض اطفال میشود منشاء جمیع عوارض است بنابراین
بهتر این است پیش بند بچهها این عوارض تدابیر حفظ صحی است که از زمان تولد کرده باشد
ودر ان وقت هم بکنند تجربههای مجرب بچهای دو وزیر روزگی برای این عوارض اهمیت حفظ
صحت را واضح میکند چنانکه دیده اند اطفالی که بهواهای وسیع نمیبرند وغذاها
قوی با انها میدهند خطرات تسنین انها شدید میشود واطفالی را که شرط وطی که
ذکر کرده ایم غذا میدهند وانرا هضم میکنند ودر هواهای وسیعه زندگی میکنند
وریاضت معتدلی دارند وملاحظه سایر شروط حفظ صحی در انها میشود این
خطرات را ندارند اگر هوا خوب باشد پوشش انها را کمتر واگر هوا سرد باشد بیشتر
کنند ونباید احتیاط کنند که سرما نخورد بخصوص وقتیکه دندانی میخواهد در بیاید
هیچ چیز برای حالت عصبانی انها بهتر از اینکه مدت زیادی در هوای خوبی تعیش کنند
نیست اگر هوا خوب باشد بهتر در بیرون بمانند اما اگر سرد باشد کمتر بمانند
که اغلب سرما سبب خناق وورم شعب وورم ریه وفلج موقتی وغیرها میشود دیده
شده که بدون تقدم در کمال سلامتی شب خوابیده صبح که از خواب بیدار میشود
بازوی او فالج شده گاهی یکدست یکپای ویا تمام یکدست فلج ویا قسمتی از
دست فالج شده ولیکن بدحالت غالب این فلج چند هفته بیشتر نمیماند دفع میشود
چند ماه طول میکشد با اینکه هیچ علاج نمیشود گفته اند بیرون امدن دندان بیشتر سبب

فلج میشود نادره در بیرون آمدن دندانها و طواحن هم دیده شده است و اگر هوا خیلی بد باشد از اطاق خارج نشوند چون اطفال در این باد مستعد نرمی عظام اند باید که آنها را بروی پا نگاه نداشت که مبادا استخوانهای آنها کج شود و در غذاهای آنها باید دقت کرد اطفالیکه بجز شیر مادر چیزی نمیخورند دندانشان در کمال آسانی خارج میشود اگر بدایه در حین عمل تسنین شیر بادام بدهند بهتر از غذاها است برای اصلاح شیر و اگر بطفل غذا میدهند جامد ندهند غذاهای مایع سریع الهضم بدهند که محرک نباشد برای تسکین بیتابی عصبی حمام فاتری که زمانش بیشتر از قدر معتاد باشد بسیار نافع است در حین تسنین خون خیلی متصاعد که بطرف سر میرود و موجب تشنج و تشنگی میگردد پس باید هر چیزیکه باعث گرمی سر و تحریکات میشود از او دوری کرد و باید هر چیزیکه اسباب استراحت و تسکین اعصاب است برای او فراهم آورد یک نخود الی یک نخود و نیم کلرال هیدرات را در عرق بهار نارنج حل کرده باو بخورانند ابدا مضر نیست و اسهال برای انحلالات خیلی مفید و بالعکس یبوست مزاج برای تسنین بسیار مضر است و باید او را رفع نمایند یا بتنقیه بواسطه اینکه خون را از طرف سر بر گردانند نافع است وقتیکه حرارت بدن زیاد و لثه ها متورم و ورم زیاد شده دلیل است بر اینکه زود دندان خارج خواهد شد باید سر طفل را سردتر نگاه داشت و مسواک کوچکی از اصل سوس یا ریشه خطمی پوست کنده بدست او داده کاهی اوقات آلوده بعسل نموده کاهی هم پوست نارنج که آلوده بعسل کرده باشند بدهند بدهن بگیرد و یا با عسل لثه را بمالند و عده گل خطمی طبخ کرده با قند بخورانند وقتیکه وجع و سرخی در موضع دندان زیاد و مضاعفات با تغییرات واضحی در بدن باید عمل یدی کوچکی که در روی موضع وجع دو تیغ طلبی بزنند بنمایند که اخراج خون موضعی رفع سختی نسج را کرده وجع را دفع میکند کاهی استعمال مسهلات قبل از خروج دندان لازم میشود در ایام تسنین

برای سهولت خروج دندان و رفع وجع از لثه [illegible]
عسل سفید برابر دو نخود
لوناتم [illegible]
نسخه دیگر
کلرات [illegible]
نسخه دیگر
دیاسقوریدوس [illegible]
شربت زعفران شربت [illegible]
نسخه دیگر
شربت خطمی شربت بنفشه
عرق [illegible]
نسخه دیگر
کلروفرم تنتور زعفران گلیسرین
نسخه دیگر
کلرهیدرات [illegible]
شربت عسل تنتور زعفران
کلروفرم [illegible]
مخلوط نموده بروی لثه بمالند
علی

را هم باید در غذای خود خیلی احتیاط داشته و از هر چه شیر را فاسد میکند مثل خستگی و اغراض نفسانیه اجتناب نماید ملاحظات حفظ صحه را خوب داشته باشد

باب دویم

De l'education physique, morale et intellectuelle des enfants depuis le sevrage jusqu'à l'âge de sept ans.

در تربیتهای طبیعیه و نفسانیه و شعوریه اطفال از هنگام فطام تا سن هفت سالگی و در آن چهار فصل است

فصل اول

در عادات طبیعیه و نفسانیه و شعوریه در دویم زمان طفولیت که هنگام اصلی تربیت است بلکه با بدو زمان تولد هم کمال دقت را داد که عادات خوب بکنند

De l'habitude en general.

اول در عادت بطور کلی — جمیع حکما و علما متفق اند که عادت اصل و بنیاد تربیت اطفال است باید از اول طفولیت مواظب شد که عادات طبیعیه و نفسانیه و شعوریه آنها نیکو شود و نگذاشت عادت بدی اخذ نمایند چه وقتی عادت بدی اخذ کردند ترک کردن آن بسیار مشکل است حکما ازین است میگویند بهترین عادات بچیزی عادت نکردن و خود را اسیر ننمودن است عادات از اول ساده و سهل الاخذ و قلیل العدد اند ولی عادتیکه طفل میکند عادت بخواب و خوراک و حرکات است اما هر چه بزرگتر میشوند متعددتر و مشکلتر میشوند پس باید از اول عادت خواب و ترتیب غذا و کیفیت تفرج آنها را منظم کرد و نیز باید طفل را از اول بهر کارهای خوب عادت بدهند شب و روز مواظب آنها باشند کلمات خوب با آنها یاد بدهند نصیحتهای عاقلانه بطور خوش که منزجر نشوند با آنها بکنند اگر بکلمه غیر صحیح مستهجنی تکلم کردند یا حرکت بدی نمودند آنها را بملایمت منع کنند که عادت بآن نکنند البته مسئله عادات طفولیت را حقیر نشمرند افلاطون الهی بطفل صغیری بازی کوچکی را موقوف کرد طفل گفت چرا چیز کوچکی بمن بد میگیری افلاطون جواب داد که عادت هر چه باشد وقتی راسخ شد کوچک نیست منتانی بسیار خوب میگوید که عیبهای بزرگ ما از اول طفولیت است که آموده ایم

قال النبی کل مولود یولد علی الفطرة و لکن ابواه یهودانه و ینصرانه و یمجسانه یعنی میگوید [illegible]

و خطا کنهای من درک ما را بر خطا هستند چه بسیار دیده پدر و مادر را دیده ایم نگاه میکنند که طفل آنها کودکی جوجهٔ مرغی را گرفته می پیچاند که خفه کند یا سگ یا گربه را مجروح میکند یا بچه ای را میزند یا با چاقو میخواهد رفیق خود را مجروح کند میخندند و او را تحسین میکنند و همچنین پدر و مادری میشنود طفل او بنوکر یا بمردم فحش میدهد یا لجام بدهان نوکر یا اولاد نوکر زده مثل خر او را میزند یا طفل را مزه میدهد خوشش میاید و برای مردم نقل میکند ما شاء الله بچهٔ من مرد زرنگی و چنان میگفت در این سن که اینکارها را کردند و کسی آنها را منع نکرد عادت میکنند و دیگر استعادت از آنها رفع نمیشود در حقیقه تخم ظلم و بیرحمی است که از اول وجود در آنها کشته میشود پس باید از این سن آنها را از کار بخسبی(?) منع و ملامت کنند که قلبا از این معایب اعراض نمایند که مدت قلیلی هم که بگذرد مشکل است ترک این عادات کنند بالجمله همینکه بچه چیز بد عادت کردند و کسی آنها را منع نکرد جری میشوند و آنها را بیشتر میکنند و از بابت این عادات و مدت را نمیدهند و مادر و اغراض آنها و سایرین از آنها و ندکانی(?) را خفه پیدا میکنند و کم کم آنها بیشاعور و نفس پلید میشوند و آخر کوره بدخلق و مریض میشوند عادت معتبر خوبیست که بواسطهٔ آن انسان میتواند تکمیل شود بخصوص اگر خودش هم دارای طبع سلیم و صفات حسنه باشد مربی خوب عاقل با علم و تجربه هم داشته باشد که آنچه صلاح او است بیاموزد و آنچه صلاح او نیست منع کند خداوند طفل را تنها برای اینکه زنده باشد خلق نکرده بلکه بیشتر برای اینکه او را خوب تربیت کنند و اثاث دنیا را از او ظاهر کرده را فهمیده وقتیکه مشاعر و قوای او را ضایع نکنند و عیوبات او را زایل کنند و زودتر اعمال نیک با و بیاموزند یقین است که کم کم انسان کاملی میشود پس معلوم شد که بواسطهٔ عادت میتوان زندگانی خوبی تحصیل کرد وقتیکه طفل متولد میشود اگر این ملاحظات را نکنیم و او را بحال

خود

خود واگذاریم برخلاف قصد ما عادتهای بد در او پیدا میشود که همه کس از او دوری میکنند چنانکه بزرگان گفته اند ان لم تشغل النفس شغلتک یعنی اگر نفس را مشغول نکنی او تو را مشغول میکند زمینی را که زارع میخواهد زراعت کند اگر از او عمل نیاورد و مهیا نکند علفهای بی فائده متعدد از آن میروید تخم اصلی را هم ضایع میکند همین قسم است عادات ردیه که در اطفال ظاهر و مستحکم شد مثل گیاههای هرزه که اصل زراعت را هم خراب میکند چنانچه عقلا اینکه پیش بینند در این عمل زیاد مواظب دارند چه میدانند همینکه عادت بجا شد دیگر رفع نمیشود چنانچه از نهرهای کوچک که آب کم برمیخیزد میتوان آنرا برگردانید اما همینکه جاری شد و نهر بزرگ شد دیگر برگردانیدن آن مشکل است

شاردن میگوید عادت استاد بزرگی است که بطور محکم در کمال قوت در وجود انسان دخل و تصرف میکند و احکام هوا و هوس خود را چنانکه کسی نمیفهمد جاری مینماید همینکه بطول زمان احکام او جاری شد صورت مهیب ظالمی میگیرد که نمیتوان بان نگاه کرد و دیگر تغییرش هم نمیتوان داد غالب مسلط میشود مثل رودخانهٔ بزرگی که از مجرای خود برگردد دیگر مشکل و خطرناک است که از دوباره بمجری اولی برگرداند درخت را تا وقتیکه نهال است همه قسم میتوان او را کج و راست کرد اما همینکه بزرگ شد باسانی برنمیگردد

Les habitudes physiques

دوم عادات طبیعیهٔ اطفال — باید بواسطهٔ عادت حس طبیعی طفل را کم کم از اول بشیر سرما و گرما که بطفل میرسد بواسطهٔ حساسیت شدید که دارد و متألم میشود همینکه مکرر شد و عادت کرد دیگر متألم نمیشود و همچنین معده بعضی غذاها را هضم نمیکند همینکه مکرر داده اند و عادت شد آنرا بخوبی هضم میکند و هکذا اینهم قوی کنند و هیچ عادت نکرده اند باو اثر میشود پس وقتیکه عمل اشیاء خارجیه مکرر گشت و عادت شد دیگر بیدن طفل اثر نمیکند و این عادتی است که برای صحت مزاج او مفید(?)

لازم و معتاد است که بواسطهٔ آن تحمل تمام تغییرات هوائیه و غیر هوائیه خارجیه که برای بدن انسان مضر بودند و موجب امراض میشدند مینمایند و هم چنین است مزاج غذاها وارد هوای مملکت و لباس و کار کردن و نکردن و خواب و بیداری و غیرها که با بدن بخوبی آنها چنانچه در قواعد حفظ صحت بیان شده عادت کرده و از بدنها اجتناب نمود بالجمله هرگاه عادت بد موجب ضرر میشود باید خیلی سخت بر ضد آن مقاومت کرد و طریقه نیکی پیش نهاد نموده و دفعتاً تغییر غذا و آب و هوا و نوع زندگانی ندهند پس اگر کسی ملاحظه کند می بیند چه قدر آسان بود که از طفولیت اطفال را نگذارند عادات بد بگیرند که همینکه کوچک نشدند و بزرگ شدند ترک آن مشکل نشود و بر زحمت و بدبختی ما میافتند اگر بخواهند طفل قوی شود نباید او را مجبور بیک غذای منظم کنند همه قسم غذا با و بدهند که همیشه عادت بیک غذا نکند اگر چه از این طریقه اول طبیعت او اغراض میکند اما کم کم عادت میکند و از کوچکی عادت بهمه قسم غذا کرده هیچ غذا با و ضرر نمیکند هر وقت از خواب بیدار میشود و میل دارد غذا با و بدهند سرد بخورد گرم بخورد هر چیز بخورد اسباب قوت مزاج او میشود افسوس که ملایمت پدر و مادر نمیگذارد که پیروی این تربیتهای طبیعیه را کرده طفل خوب نمو کند و اگر بدون ملاحظه تربیت او بکوشند عاقبت بسیار خوبی خواهد داشت اگر خودشان نمیکنند متابعت قول یکنفر طبیب بزرگ کنند که آنها را بجادهٔ طبیعت بیندازد و از طفولیت آنها بچیزهائی که برای آنها مفید باشد عادت بدهد و جسم آنها را در طفولیت بنحوی مهیا کند که عقل و شعورشان خوب بروز کند

(۳) اثر عادت در اعضای حس و قوای نفسانیه و شعوریه

Influence de l'habitude sur les organes des sens et sur les facultés morales et intellectuelles

حواسی که عادت در آنها بیشتر اثر کرده آنها را کامل میکند حواس ظاهره اند که ما بواسطهٔ آنها خالات اشیاء خارجیه را میفهمیم که بتوانیم زندگانی کنیم.

پس حواس ظاهره اند که اسباب ارتباط میان ما و سایر موجودات خارجیه عالمند که عادت بآنها مدد میکند و اثر خیلی نیکی بآنها میکند و اسباب تکمیل آنها میشود و این مطلب نیز مفید و مهم است که باید در این فصل بیان مبسوطی از آن نمائیم اما بعض مطالب متعلق بآن سابقاً مذکور شده باقی را هم در تربیت حواس و در تربیتهای نفسانیه و شعوریه بیان مینمائیم

فصل دوم

De la santé des petits enfants et de leur éducation physique intellectuelle et morale depuis le sevrage jusqu'à l'âge de sept ans.

در حفظ صحت اطفال و تربیت آنها از زمان فطام تا هفت سالگی

اول در صفات و حالات مخصوصه باین هنگام از حیوة اطفال — در این هنگام طفل خیلی تند نمو میکند و این بیشتر از اثر حس طبیعی و سرعت دوران خون است چون نمو او سریع است عمل هضم او و معدهٔ او بسیار قوی است کم کم حواس ظاهره و در قوای باطنه و مشاعر او مخصوص کرده طفل بهوش میاید

1° Caractéristique générale de cette période de la vie.

بنای پرسیدن میکند چون هر چه میبیند تازه بود و برای او تازگی دارد اصرار در دانستن و فهمیدن از دارد این است که متصل میپرسد و چون و چرا میکند در این وقت است که جمیع محرکات زندگانی در او اثر میکند میل هم از زمان تولد در او قوی و هوس کار داشت هر چه می بیند میخواهد اظهار و حرکت میکند که خواهش خود را بهر قسم است عجله بیاورد و بزودی شروع میکند بحرف زدن و فهماندن و تفحص و استدلال کردن قوای نفسانیه و شعوریه او یکمرتبه ظاهر میشوند و همه بیکدیگر مدد میکنند هر روز یکی از قوای انسانی در او بروز کرده ثابت و راسخ میگردد باید پدر و مادر یا مربی که دارد آنها را از تحرکات در دست هوا و بیکار ندو بطرف خوشی بیداری کنند این تربیتهای اولیه برای آنها بسیار مهم و مفید است اگر در تعهد آنها اهمال کنند فرسنگها عقب میافتند اگر دایهٔ که او را شیر میداد و دیگر شیر نمیدهد هفاتی و نادان بود و از خارج

تغذیهٔ اطفال

نماید اگر این صفات خوب در مادر جمع شود و هست بتربیت او بکار زد بهترین
مربی ایشان است

دویم غذای ایشان — بیشتر از هر چیز که موجب هلاک طفل میشود امراضی 2° du régime alimentaire
که از بدی غذا و سوء تدبیر در تغذیه و ضعف پدر و مادر حاصل میشود از شدت
میلی که دارند طفل ایشان قوت بگیرد و زود بزرگ شود غذاهای مقوی و زیاد
و بفاصله کم باو میدهند و این بسیار مضر است غذای طفل باید ساده و
ملایم نه اینکه غلیظ و حار باشد اگر طفل تند غذا میخورد یقین است که غذا را
زیاد میخورد یا اگر طفل درستی که باید راه برود یا بازی و حرکت کند هیچ کار
نمیکند و همه را بدون حرکت میماند معلوم میشود بیشتر از اندازه که باید غذا
بخورد میخورد باید در هر روز وقت غذای ایشان را مقدر و معین کنند این عادت
بد است که وقتی میخواهند طفل گریه نکند باو شیرینی میدهند بجهة اینکه او را
دل را گول میکنند شیرینی زیاد هم برای او مضر است یکی از معایب اطفال پر
خوردن است از اوقات زیاد ایشان ظاهر میشود بعضی هر چه میخورند سیر نمیشوند
هر چه و شیر ایشان میدهند باز میخواهند و این حالت میمانند تا بزرگ شوند معده هم
مثل سایر اعضا همینکه بیشتر از اندازه غذا وارد آن کردند عمل آن زیاد شد
خسته میشود باید آن زمانی راحت بکند پس اگر مقدار غذا و دفعات آن در طفلی
که بسیار صغیر است هر چه میخواهد بخورد مقدر و معین نشود زیاد میخورد
و پس از مدتی معده او خسته شده مبتلا بسوء هضم میشود پس در چنین طفلی
خوب است معین کنند روزی چهار یا پنج دفعه غذا بدهند و هر چه گریه و فریاد میکند
بیشتر ندهند اما آنها که زیاد اشتها دارند و مزاج ایشان سالم است با ایشان بیشتر غذا
بدهند بخصوص آنها که بجز نان چیزی نگویند اشتها غذاهای لذیذ برای ایشان ممکن
نشود منظم کردن ساعات و دفعات غذا هم برای صحت طفل و هم برای راحت خود

طریقهٔ غذا دادن در پرورش

و مادرش لازم است همینکه منظم شد طفل عادت میکند و هر وقت غذا میطلبد
غذاهای ایشان چنانچه در طریقه ناسعه مذکور داشت باید نباتی و سبک باشد
پس از مدتی میتوان تدریجاً گوشت سفید و تخم مرغ با ایشان افزود میوه رسیده که
مناسب ایشان است در طریقه ناسعه مذکور نمودیم پس از سالگی اندک گوشت را
جزء غذای ایشان قرار داد و نباید با ایشان اغذیه معطره و نشکلات بخصوص شکلات
معطر (وانیل دار) و نه غذاهای تند و نه قند و نه غذاهای خمیری و نه
پنیرهای ترش شده و بیجوش آمده بدهند جمیع اینها حواس او را که در این سن
لازم دارند پریشان و ضعیف میکند و دوران خواب ایشان را که در آنوقت بسیار
سریع است سریع تر مینماید چنانچه دیده شده است اطفالیکه اینها را استعمال کرده
مریض شده بزودی لاغر میشوند و عارضه که برای ایشان اتفاق میافتد بواسطه
خوردن غذاهای سبک و ملایم که موافق با سن و مزاج ایشان است رفع میشود
آب خوردن در بین غذا برای اطفال بسیار لازم است ولی نباید چیزی دیگر غیر از
آب باو بدهند که اسباب سوء هضم میشود شراب جای ایشان از همه چیز مضرتر است
اگر بخورند سالم میمانند که هم مزاج و اخلاق ایشان را فاسد و هم احداث حرارت
در خون ایشان کرده ایشان را غیور مینماید مثل قوت بیموقعی با ایشان میدهد که منشاء
جمیع افراطها و خوابهای طولانی میشود چای و قهوه و جمیع مشروبات الکلی
برای ایشان مضر است مگر اینکه بتجویز طبیب باشد یکی از عادات بسیار خوب برای
اطفال عادت بشیر و مداومت است که صبحها ناشتا داده با آردها و برنج
پخته بدهند که سالمترین غذا است برای ایشان که اگر استعداد مرضی داشته باشند
آن استعداد را از ایشان سلب میکند و اگر مریض باشند امراض ایشان را علاج میکند
ولیکن ممکن است بعض اطفال از بابت اینکه عادت بخوردن غذا کرده اند از هضم
نکنند و با ایشان ضرر برساند و برای ایشان شیر که غذای بسیار خوبی بود مثل سم شود

در آن وقت نباید بدهند باید هر صبح که از خواب بیدار میشوند و هر وقت که غذا میخورند دهن آنها را با آب سرد بشویند برای اینکه دندانهای آنها محفوظ بماند بعضی گفته اند صبح ناشتا یک پیاله آب سرد بآنها بنوشانند که هم معدهٔ آنها را قوت میدهد و هم بلاغمی که در دهن و معدهٔ آنها است میشوید گاهی بعضی پدر و مادرها که بیرحم و بیخیال اند برای اینکه اطفال را تقویت کنند بآنها عرق و شراب میدهند که در حقیقت برای آنها سم واقعی است مکرر دیده شده است از استعمال این دو بعضیها دچار مرض اند بعضی گفته اند یکی از چیزهائیکه برای اطفال سالم مضر است ... برای تغذیهٔ آنها قرار بدهند و ساعت برای غذای آنها معین کنند باید در جمیع اشتها اغذیهٔ مختلفه بآنها داد و طریق تهیه کردن غذای آنها را هر روز تغییر بدهند و هر وقت که سنه میشوند بآنها غذا بدهند مخصوصاً وقتیکه این تغییر موافق مزاج آنها باشد اطفال خودشان ملتفت لثه و دندان خود نیستند باید آنها را از شکستن چیزهای سخت مثل فندق و گردو و امثال آنها منع کرد و باید دندانهای آنها را پاک کرد چیزهائیکه در میان دندان آنها مانده با خلال و اگر سخت باشد با چاقو یا سنجاق یا سوزن بیرون آورد

سیم دقتهائیکه مربوط به پاکیزگی آنها — مثل شستشو و حمام و سایر لوازم طبیعیه وقتیکه در این سن لازم تر از طفولیت است باید آنها را امر کنند چنانکه مذکور نمودیم یکروز در میان خود را با آب سرد بشویند ولی چون بدن آنها بیشتر قوت گرفته و بیشتر نمو کرده اند میتوانند چنانکه سابق مذکور نمودیم آب سرد تر استعمال کنند و بیشتر در آب بمانند که مقوی بنیه قوی و بهترین تدبیر است

3° Soins de propreté.

لوازم طبیعیه — باید اطفال را عادت داد که هر وقت از خواب بیدار میشوند اول بول و براز خود را تخلیه کنند که وقتی در مجلسی نشستند تقاضا نشود و برنخیزند از مجلس بیرون بروند یا خدمتکار را بخواهند و همچنین

قبل از وقت بینی آنها را که در این سن بلغم زیاد در آن جمع میشود با دستمال پاک کنند و نگذارند هر لحظه با انگشتها بینی را با ناخن بخراشند یا مجروح نمایند

چهارم در لباس آنها — پاکیزگی لباس هم از بابت حفظ صحت و هم از بابت پاکیزه بودن در مجمعها لازم است پارچهای سفید از قبیل پیراهن و دستمال گردن و غیره را باید همه روزه تجدید بکنند پارچه های سفید رختخواب را هم زود عوض کنند لباس آنها باید سبک و راحت باشد بطوریکه مانع از خروج بخار و عرق نشود لباسهای خیلی گرم مخصوص آنهائیکه موجب عرق میشود برای آنها مضر است جلد را ضعیف میکند و طفل را نازک و لطیف کرده و از سرما عاجز میکند و بجای اینکه قوت بگیرد عصبانی و تحریک شده و بزودی زکام میشود و از سبب جزئی مریض میگردد اطفالیکه ریاضت بقاعده دارند پوشیدن فلانل که لازم ندارند ریاضت بآنها حرارت طبیعی میدهد که بهتر از جمیع حرارتهای مصنوعی است اما بعض اطفال لطیف که حرارت طبیعی آنها کم است باید پیراهن فلانل بپوشند ولیکن باید بتجویز طبیب باشد و در هنگام تابستان فلانل را خارج کنند که مضر است چنانکه گفتیم برای بعض اطفال پوشش زیاد ضرر دارد باید بگوییم که طفل هر چه کوچک تر است طاقت سرما کمتر دارد باید او را باندازه که لازم است بپوشند دیده شده است که بعض اطفال چندین ساعت عرضه سرما شده اند اطراف بدنشان فلج شده است و هم دیده شده است که موجب ناخوشی سل شده است نباید دستمال گردن کلفت و گرم که گردن را بفشارد در اطفال استعمال کرد که موجب ماندن خون در مغز و برگشتن بقلب گشته موجب ضرر کلی میشود جوراب آنها باید از پنبه و کتان باشد جوراب پشم نپوشند مگر در زمستان چندان سرد بعضیها جوراب را برای اینکه پا بهتر باید سخت میبندند مضر است چه مانع از دوران خون ساقین میگردد باید خیلی دقت کنند که کفش آنها سبک و راحت باشد و پا را

4° Des vêtements

هم نفشارد و تو تند ملخص کلام باید لباس آنها طوری باشد که احساس اذیت
نمایند و خیلی سنگین هم نباشد که آنها را خسته کند و مانع از ریاضت آنها
شود باید دوش و سینه آنها خوب پوشیده باشد و از طفولیت اطفال را عادت
بدهند که سر برهنه باشند و مادامیکه سالمند موی سر آنها کوتاه باشد اگر سر آنها را
زیاد و گرم بپوشند خون بطرف سر رفته اسباب هیجان دماغ گشته و هم موجب
تولید شپش میشود مگر اینکه هوا خیلی سرد باشد یا باران یا برف بیارد یا آفتاب
گرم بر آنها بتابد که باید سر را بپوشانند

پنجم در هوائی که استنشاق میکنند وقتی آنها را برای گردش و ریاضت بیرون
میبرند اگر هوا سرد است آنها را مدتی نباید در صحرای وسیع بدون حرکت نگذارند
باید حرکت کنند یا خدمتکار ایشان را امر کند که عضلات دستها را حرکت بدهند بخصوص
در وقتی که جمعی از اطفال هم سن همراه باشند و همه با هم بحرکات را بکنند نباید زیاد
ریاضت کنند اگر هوا هم قدری سرد باشد باید همه روزه آنها را بیرون ببرند و خوب
بپوشند و مادامیکه بیرون هستند مشغول بازی و همراه در حرکت باشند اما
اگر باد سخت بوزد یا هوا زیاد سرد شود آنها را بخانه برگردانند آنها را از بودن
در اطاق مرطوب خوابیدن در روی زمین سنگ فرش یا در کوچه و مرغزارهای تر
منع کنند که برای آنها ضرر کلی دارد با وجود اینها اگر حرکت زیاد و بازی کنند
اتفاق و فرا ضرر ندارد و چیزیکه برای آنها خیلی مضر است بودن در هوای راکدی است
که هیچ تغییر نکند مثل اطاقهای تنگ و زیرزمینها که هوا در آنها جاری نیست
چه در اینحالت از جزئی سببی مریض میگردند همین طور که گفتیم باید اطفال را
بغذاهای مختلف عادت بدهند میگوئیم باید آنها را بهواهای مختلف نیز عادت
بدهند بجهت اینکه مهم ترین مؤثر برای ما هوائیست که ما را احاطه کرده است
همینکه بهمه قسم هوا عادت کردند تغییرات هوا به آنها اثر نمیکند و کمتر مریض

میشوند

5° De l'air que doivent respirer les enfants.

میشوند منتسکیو میگوید سخت و قوی کنید اطفال خود را بعرق کردن در روی
باد و هوا تابیدن آفتاب و اعمال شاقه را و از ابتر اکت و ملایمت و راحت و بخور
و نوشانیدن و گرم پوشانیدن و خواب زیاد عادت ندهید و مقصود از این باشد
که اولاد سفید و لطیف و ظریفی داشته باشید سعی کنید طفل زحمتکش سبزه تو تی
پیدا کنند

پدر اگر بدید و مادر بخواهند چنانکه گفتیم طفل خود را تربیت کنند باید
ترس را کنار بگذارند و او را بخود وا گذارند بیشتر جرأت پیدا میکند و از
خطراتی میجهد که هرگز بدیده مادر وا قباور نمیکردند

باید بر حسب اینکه سن اطفال بیشتر میشود و بیشتر قوت میگیرند و هوش آنها بیشتر
میشود ریاضت را بیشتر کنند که شوخی و بازی بکنند بر جهند بدوند تاب
بنشینند جست و خیز بکنند برقصند با طناب و چوگان بازی کنند چیزهای زیاد
بردارند و بزمین بگذارند شاخهای درخت را بر پیچند یا بشکنند قیچی حکش بوهان
اره بیل کلنگ پارو را بکار ببرند توپ بازی گلوله بازی بکنند تیر و کمان بکشند
بدون نظم اقسام بازیها بکنند خیلی تند یا آلا بروند و تند پائین بیایند و هم بدوند
وقتی بین شش الی هشت ساله میرسند سوار اسب می شوند بیدرنگ یخ بازی تخته گرم
چنانچه در فرنگ رسم است ببرند و کم کم در آب شنا کنند دخترها را قسم دیگر
از ریاضت باید که مناسب جنس و عمل آنها باشد باید در خانه ببرند بدوزند بیافند
سجاف کنند رفو کنند کارهای خانه و چیدن و برچیدن و ترتیب اسباب خانه
نمایند و خانه داری خوب چنانچه در فرنگ رسم است بیاموزند اجرت بدهند که آنها را
مشق بدهند و بیاموزند آداب زینت با آنها یاد بدهند طریق سلوک با شوهر را که چگونه
شوهر داری نمایند کرد با آنها بفهمانند طریق تربیت دخترها را در روپا زیاد اهمیت
داده اند در هر شهری مدارس متعدده که هر یک حاوی پانصد الی هزار دختر است

برای

برای آنها اثر کرده اند که علاوه بر تربیتها و تحصیل علوم متعارفی تربیتهای زنانه
دارند که هر یک معلم مخصوصی دارد که با آنها چیزهایی که مخصوص دخترهاست
با آنها یاد میدهند زیاد طول میکشد تا یک دختر قابل شوهر کردن شود

ششم از امور طبیعیه خواب است در سن دو سالگی باید اطفال را دیگر از 6° du sommeil.
خواب روز منع کرده بجای خواب روز آنها را بتفرج برد همینکه خواب روز را موقوف
کردند باید آنها را شب زود بخوابانند اول یک ساعت از شب رفته بعد دو ساعت از
شب رفته بخوابانند تا هفت سالگی بدین منوال رفتار کنند و صبحها زود بیدار شوند
اما در آخر روز که از شدت حرکت و بازی خیلی تحریک شده و خسته اند باید آنها را
از بازی و حرکت منع کرده یک مدتی قبل از خواب راحت کنند که وقت خواب راحت
بخوابند و مدتی در رختخواب از بابت خستگی بیدار نمانند و اگر آنها را بهمان حالت
بازی بگذارند قبل از اینکه غذا بخورند بخواب میروند

هرگز چند طفل را در یک رختخواب نخوابانند باید هر طفل در یک رختخواب
بخوابد در جمیع درجات سن زیاد مواظب باشند که وقتی طفل بیدار شد برخیزد و
از رختخواب بیرون بیاید بجهت اینکه زیاد ماندن در رختخواب بعد از بیدار
شدن آنها را ضعیف و تحریک شده مینماید و اسباب عادتهای شهوانی میشود

هفتم زمان تسنین دوییم و آن عبارتست از خارج شدن سی و دو دندان ثابت 7° Seconde dentition.
بجای بیست دندان شیر که آنها میافتند و اینها بیرون میایند و سال هفتم است
دندانهای عاریه بهمان طریقی که بیرون آمده بودند شروع بافتادن مینمایند و بجای
آنها دندانهای دیگر که محکم تر و بغیر از طواحن صغار همه بزرگتر هستند میرویند و مدت
این عمل از چهار تا پنج سال طول میکشد یعنی از سال هفتم تا در حوالی سال دوازدهم
دندانها بیرون میایند از اینست که آنها را تسنین هفت سالگی نامند و در سن شش
الی هفت سالگی اول دندان ثابتی که ظاهر میشود دندان بزرگ آسیا است در

هر یکی دو اند سایر دندانها که قائم مقام دندانهای شیر هستند بعینه مثل آنها هستند با
یک خانه دندانی دندان شیر در حالتی که دندانی واقع و از غده دندانی که بلا فاصله در تحت خلف
دندان عاریتی است روییده میشود مدتی کار میکنند پرده نازکی میان دندانهای
شیر را از دندانهای ثابت جدا مینماید و بجای خود خارج شده بالا میایند
همینکه دندانهای ثابت در مکان خود نمو کردند بکرخانه دندان گنجایش آنها را
ندارد و هم ریشه آنها از مکان خود خارج شده میافتند تا هشت سالگی ثنایای
تحتانی خارج نامده سالگی ثنایای فوقانی و تحتانی ده سالگی دندان آسیا کوچک تا یازده
سالگی انیاب در حوالی سن دوازده سالگی دندان آسیا دیگر بیرون میاید که
۳ دندانهای ثابت بیست و هشت عدد میشوند و دیگر بجز دندانهای عقل دندان
نواجذ دیگری نمانده که بیرون نیامده باشد آنها هم باختلاف اشخاص از یازده تا بیست تا سی
سالگی ظاهر میشوند که سی و دو دندان تمام میشوند عوارض و خطراتی که در
تسنین اول عارض میشد در این تسنین کمتر است کلیه حس شدت کم داشتند
کم میشود و وقتی دندان میخواهد بیرون بیاید تحریک موضعی در موضع دندانها عارض
میشود که گاهی زیاد با وجع است بعضی که اعمال تمام بدن را بهم میزنند و لازم میشود
لثه ها را تیغ بزنند حوادث و اتفاقات تسنین دوییم مثل تسنین اول دائمی
نیست بلکه گاهی شکایت میکنند و گاهی نمیکنند باید مزاج را همیشه نرم نگه دارند
و غذاهای سبک ملایم و مشروبات لعابی مبرد بدهند و آنچه در تسنین اول
گفتیم در اینجا هم معمول دارند

دندانهای شیر اغلب از ابتدا فاسد میشوند و همینکه علامات خروج دندانهای ثابته
ظاهر شده و درد عارض آنها شده و دیگر بکار نمیروند بهتر اینست که دندانهای
فاسد شده را بکشند که از وجعی که وقت بیرون آمدن دندانهای ثابته عارض میشود
و آنها را فاسد میکند و از کج شدن و انحراف آنها که غالبا بسیار مشکل است که معالجه

شود فراموش کرده اند

ششم وقتیکه تربیتهای نفسانیه را مدنظر بیاوریم معلوم خواهد شد 8° De l'éducation des sens de l'enfant.
که میان انسان جسمانی و انسان نفسانی فرقی نیست پس تربیتهای طبیعیه جسمانیه
و نفسانیه مثل جسم و نفس بهم مربوطند و از یک مبدء اند که باهم مخلوط شده اند
مراوده نفس با اشیاء خارجیه بتوسط حواس است اگر بخواهیم صور اشیاء خوب
در نفس منتقش شود باید حواس را خوب تربیت کنیم و این معین است حواس که آلت
نفس اند ناصاف و بی عیب باشند حقیقه اشیاء را کماهو حقه درک نمیکنند در نفس
منطبع نمیشاند پس تحت باید از تربیت حواس و حقیقه اشیاء خارجیه که با طفال
احاطه کرده اند گفتگو کنیم که برای انها بسیار مهم است و سبب میشود در تمام
زندگانی ازو سعادت و بختی و سعادت انها باقی بماند اعضاء حس از ریاضت و عادت
تکمیل میشوند هرگاه مواظبت کنند و آنها را بتدریج چنانچه باید عادت بدهند
زیاد ترقی کرده خوب ظهور و بروز میکنند بخصوص وقتیکه احساسات ملایم و با
اعضا موافقت داشته باشند اهالی کشتیها و ناخداها باشیائی که از دور پیدا
میشوند نظر میکنند و بتدریج عادت میکنند حس بصرشان چنان قوی میشود
که انهارا از مسافت خیلی بعید چنان خوب میبینند و میشناسند که دیگران
با چشمهای تند و با دوربین ان قسم نمی شناسند و همچنین هندیها از کثرت ریاضت
و عادت قوه سمع انها بقسمی ظاهر شده ترقی میکند که از مسافت بسیار بعید
صدای دشمن خود را خوب میشنوند که انها که عادت نکرده اند هیچ نمیشنوند و
همچنین شراب شناسها با دقت در شناختن شراب بجائی ماهر شده اند که قدح
شرابی که چشیدند و بوئیدند خوب و بد و عطر آن و اینکه چند سال است و از کدام
شهر و مملکت است و در چه وقت ترش میشود بدون زیاده و نقصان حکم میکنند

در حواس خمسه ظاهره — مادامیکه طفل در رحم است Des cinq sens.

دائما

دارای حواس نیست در حکم نبات است و انچه از او بظهور میرسد مگر معدودی
از انها اثار حیوة نباتی است وجود بچه تابع وجود مادر است اما وقتی متولد شد
فاعل و عامل میشود کم کم بنای مراوده با اشیائی که با او احاطه کرده اند پیدا
کرده از انچه از انها اخذ میکند و دارای میل و اراده میشود و بواسطه بعضی
علائم مثل گریه و خنده و حرکت دادن دست و پا و غیره دارای جواب تکلم
دارا و اظهار فرح و غم و خوف و شوق خود را ظاهر میسازد حواس ظاهره که اشیاء
رابطه جمیع موجودات خارجیه اند باین ترتیب اند لمس و ذائقه دیدن شنیدن
چشیدن بوئیدن اول این قوی بواسطه بازیچه ها باقتضای این سن مشغول عمل
میشوند و طفل از انها محظوظ شده مرتب او انهارا وسیله تعلیم و نشو و نما و
استحکام قوای او قرار میدهد برای گرفتن انها بچها میل میکند که حرکت
بکند اول تا قوه چشیدن و بوئیدن بکار نیفتاده اند بازیچه هائیکه قوه شنیدن
دیدن از انها محظوظ میشوند باو نشان میدهند قدیمها این بازیچهها را از
برنج و مانند ان غلطان میساختند چنانچه در شهر هرکولانوم و پمپئی از زیر خاکستر
آتش فشانی بیرون آورده اند اما این ایام با بلور و عاج درست میکنند و سوتک
و غیره میسازند و وقتی طفل دندان بیرون میاورد بدست او میدهند هرچه
میدهد نمیتواند از بصلابت بیاورد مگر از ابادندان میفشارد اسباب زود
بیرون آمدن دندان او میشود

Du toucher.

قوه لمس و مالیدن — موضع این قوه تمام جلد بدنست ذوات
سردی و گرمی و سبکی و سنگینی و وضع و شکل و نرمی و زبری و صافی و ناهمواری
و بلندی و کوتاهی و قرب و بعد اشیاء انبساط و غیرها میکند بیکو در جوانان در
انگشتان و در کف دست زیاد است و زیاد است که با احساس
باشیاء خارجیه میکند اولین علامت حیوة که در طفل ظاهر میشود بواسطه

این

[illegible]

حواس خمسه ظاهره

این حس است چون تمام ماده او کرم از نضایست که وقت تولد بآن وارد میشود بدن او احساس برهنه بودن و عریانی کرده گریه میکند از این معلوم میشود حس او طبیعی و قوی است در علم فیزیولوژی ثابت شده است که جلد طفل دو مقابل حساس تر از جلد جوانانست لهذا حس لمس او دو مثل حس لمس بزرگانست اگر چنانکه مذکور داشتیم او را اشتهاء شوکند خام و شسته شو نیز بلطافت و حساسیت او منافی نیست از این است که اطفال از لمس جزئی زیاد متاثر میشوند تعدی که بزرگ میشوند هر چه می بینند میل دارند بآن دست بزنند و آنرا احساس کنند پس نباید آنها را از آن عمل منع کنند که از راه شناسایی اشیاء است مگر آنکه آلتی قطاع یا سوزن باشد یا اگر بدهان ببرند مضر باشد باید طفل را عادت داد که چیزهای پست و بلند را از آنها تنگ صاف و هموار و نرم و زبر فرق بدهد و اشکال اجسام را تمیز بدهد و دست با دست کار بکنند و یاد بگیرد اگر بپرسد این چه و آن چیست چطور ساخته میشود چنانچه عادت اطفال است باو بگویند طفل را عادت بدهند که هر کار را با یک دست بکنند و کار نکنند که با دست چپ نباید کار کرد بلکه باید دست چپ و راست را باو بفهمانند و عادت بدهند که گاهی دست راست و گاهی دست چپ را بکار ببرد حس لمس اصل در جمیع حواس است جمیع حواس از آن تکمیل میشوند گاهی کاملا قائم مقام حس بصر میشود چنانکه حکاکها و تابندها و مجسمه سازها که کور میشوند با حس لمس از صنعت خود را بهمان قسم که با چشم میکردند میکنند انجام کمتر با چشم کور صورت انسان میسازند اگر حس لمس را خوب عادت بدهند و تربیت کنند فایق بر صنایع دقیقه مثل موسیقی و ساعت سازی و منبت کاری و غیرها میکردند

De la vision.

قوة دید در وقت تولد تمام آلات بینایی موجود شده الا آنکه چشمهای طفل لطیف است و هنوز نظرش باشیاء خارجه نیفتاده است اگر روشنی

تند

ولقد [illegible] ١٢٩٣ [illegible]

قوه بصر

تند بچشمش بخورد خیره میشود بلکه خالی از خطری هم نخواهد بود تا اشیائیکه نگاه میکند خوش نماید و میل میکند آنرا بگیرد باید از پیش چشمش بیاورند که با آن بازی و تفریح کند برای آنکه چشم آینه نقش است خوب و بد از راه چشم باو میرسد و اگر چیزی بطفل نشان دهند ترسید یا متنفر شد در برابر طفل آنرا نوازش کنند و دست بروی آن بمالند و مهربانی کنند تا وحشت نفرت زایل گردد و بداند موذی او نیست و دفعه دیگر که باو نشان میدهند بد و نخوف بگیرد بهتر چیزهائیکه باو نشان میدهند عروسک است که از قدیم هم معمول بوده خود مترجم در موزه ناپل عروسکی از عاج دیده که از زیر خاکسترهای آتش فشانی پمپئی بیرون آورده بودند در بغل دختری بود که با هم متحجر شده بودند و در مدت این دو هزار سال هنوز تغییر در آن نشده و نپوسیده است معلوم میشود عروسک بازی از قدیم بوده است پس چنانکه مذکور شد خوب بکار بردن و عادت خوب دادن اسباب تکمیل این قوه میشود عادت بد هم آنرا فاسد و تباه میکند پس از ابتدای طفولیت ملتفت باشند آنرا خوب بکار ببرند و نیکو ظاهر سازند و اعمال آنرا نزد بآن عادت بدهند بچیزهائی که مضر بینایی است نظر نکنند اشباح را زیاد نزدیک چشم آنها نیاورند چشمها برای ترسانیدن دفعتاً چنانچه رسم اطفال است کج نکنند (کرمپاس) کاموارنه آنها را رو بروی روشنایی و پرتو آفتاب نگذارند روشنایی چشم را خیره بلکه فاسد میکند با آفتاب سفیدکور رنگهای تند و چیزهای براق و برف مخصوص وقتیکه آفتاب بر آن تابیده باشد نگاه نکنند ضرر آنها وقتی از جای تاریکی بیرون آمده دفعتاً بآنها نظر کنند بیشتر است اگر روشنایی (عامل این قوه) معتدل و باندازه باشد آنرا خوب ظاهر میسازد و تکمیل میکند اما اگر زیاد از اندازه و شدید باشد اعضاء بصر را که در کمال لطافتند فاسد میکند چنانچه کسانیکه بچیزهای خیلی براق بسیار خورده زیاد نظر میکنند مثل جواهریها و ساعت

سازها چشم انها زود فاسد و کور میشود

قوهٔ شنیدن — از زمان تولد که داشته هر صوتی بگوش طفل میرسد De l'ouïe
طبعاً سر را بطرف آن بر میگرداند و باین وسیله معلوم میشود او را از گریه ساکت
کردن بچند زنگوله هم میبینند بد نیست و مینهند انها را حرکت داده از صدا
انها خوشوقت شده گریه را فراموش میکنند قدریکه بزرگتر شد از جمیع نغمات
موسیقی فرحناک شده تحریکی در قوهٔ سامعه او میکند قوهٔ شنیدن نیز چنانکه
مذکور شد از تربیت و ریاضت معتدل نمو و بروز میکند اما اگر عمل آن
زیاد و شدید شود خسته میشود مثل اینکه در قوهٔ بصر گفتیم نمیشود از استعمال
بکار برد اگر چند ساعت متوالی یک صوتی را بشنود موجب خلل شنوائی میگردد
صوتهای کریه ناملایم تمام بنیان عصبانی را تحریک کرده اطفال را متنفر
میکنند بعکس اصوات حسنه که انها را قوی میکنند اطفال نغمات ساده را
دوست دارند و برای تربیت قوهٔ سامعهٔ انها بسیار مفید است تاثیر نغمات در
انها مختلف است بعضی انها را اگر چه خسته و آزرده هم باشند راحت میکنند
بعضی انها را بحرکت و رفتار میاورند بعضی انها را مسرور و بعضی مغموم یا خاموش
میکنند یا بتکلم میاورند کلیهٔ نغمات و الحان موافق ملایم و ریاضت و تربیت خوبیست
برای قوهٔ سمع انها باید از زیادی صداها و شنیدن چیزهای تند بر حذر باشند و
سوت زدن بغلزات واره کردن و امثال انها برای گوش انها همان اثر و ضرر را
دارند که روشنائی و الوان تند برای چشم داشت از صداهای بسیار عالی مثل
صدای توپ بخصوص که نزدیک باشد باید اجتناب کنند که این قوه را ضعیف
یا فاسد میکند چنانچه گوش توپچیها غالبا سنگین است شلیک توپ و رعد
گاهی موجب هلاکت نامیان در تعبیر که شده است البته در گوش نازک
طفل هم اثر ناگوار خواهد کرد بر معاد رفا است که گوش اطفال را پاک کنند

و اگر وسخی در آن جمع شده باشد با گوش پاک کن بیرون آورند مگر داین وساخ جمع
کری موقتی کشند که پس از آن مدتی لال بوده اند تا اینکه بزرگ شده انها را
بحمام برده اند و اوساخ شسته شده بیرون آمده شنوا شده اند پس از چندی ناطق
و گویا گشته اند باین اوساخ سبب دیر گوش شده که منجر بکری دائمی گشته است
کری بر دو قسم است یکی مولودی است که در آن طفل چیزی نشنیده و ابدا
تکلم نکرده و یکی اینست که مدتی میشنیده بعد بواسطهٔ عارضه مثل جراحت
و ضربه و سقطه یا ورم عصبیه چنانچه پس از ورم حجب دماغیه و محرقه
عارض میشود کر میشود چند یکه میکنند لال میگردد بجهة اینکه دیگر چیزی
نمیشنود که تکلم کند بعضی بر آنند تمام لالها بعد از کر شدن عارض میشود
که در حقیقت لالی همیشه عرضی تابع کری است بعضی دیگر لالی را عیب یا
مرض مستقلی میدانند

Du goût

قوهٔ چشیدن — مادامیکه غذا منحصر بشیر است چندان بکار نیست
و عمل زبان مکیدن و فرو دادن است اطفال صغار از چیزیکه بذائقهٔ آنها
بد میاید زیاد تنفر میکنند پس لازم است که انها را بطعمهای مختلف عادت
داد برای این مقصود باید از آنچیزیکه نفرت میکنند رنگ و هیئت ان تغییر
داد و در وقتی بانها داد که عادت کنند این حس بسیار لطیف است باید بکمال
دقت او را بکار برد نباید غذاهای تند و لذیذه بسیار گرم و معطر و شیرین شود
و میوه های نارس بانها داد که ذائقه شان فاسد شود در ابتدا غذای ملایم
ساده که مناسب مزاجشان باشد بدهند و همیشه بیک چیز عادت ندهند
که غذای دیگر را قبول نکنند

De l'odorat.

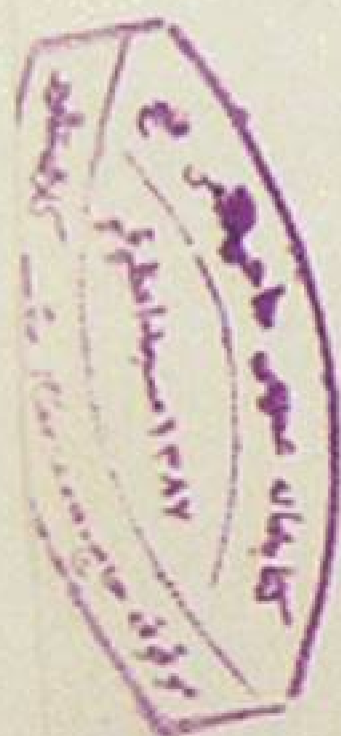
قوهٔ بوئیدن — معلوم نشده است که این قوه از زمان ولادت
بکار باشد اما بعضی خیالات دلالت میکند که در آنها بکلی معدوم نیست چنانچه

کور

کو بهادر زادی که عرق مادرش بوی تندی داشت اگر کسی مکرر پستان بدهن او میگذاشت نمیگرفت و فریاد میکرد و چون مادرش پستان بدهان او میگذاشت فورا میگرفت پس از آنکه این قوه در طفل ظاهر شد او را از بو کردن چیزهای تند و بدبو معطر منع کنند که خللی در قوه شامهٔ او بهم نرسد چه بسا که هستند این قوه را کم میکنند یعنی که در بینی احساس بوئی خارجی مینمایند اما بکلی هم از استشمام دوای عطر و چیزهائی که بوی ملایم خوش دارند منع نکنند بعض گلها که عطر ملایمی دارند بدست او بدهند و امر کنند که آنرا ببوید و اسم ببرند که فلان گل است تا اسم آنرا حفظ کند که هر وقت آن بو را بشنود بداند بوی کدام گل است که مشام مخصوص نگاه ما انتقال از این قوه شامه را کرده و کافی بکلی تمام میکند

قوهٔ حفظ — تحقیق در جمیع قوای باطنه در اینمقام موجب تطویل است تنها قوهٔ حافظه را که در اطفال بکار رود و مهم است بیان میکنیم قوه ایست که آنچه را بتوسط حواس درک میکند ضبط میکند و نگه میدارد بواسطهٔ این قوه است که طفل تکلم میاموزد و هر کلمه با او میگویند و هر مطلبی که با و میکنند فرا میگیرد اغلب اعمال اطفال مربوط باین قوه است در طفولیت بسیار قویست که هر چه درک میکند همیشه بخاطر دارد چنانکه گفته‌اند العلم فی الصغر کالنقش فی الحجر و بر حسب وضع و میل خود اگر زیاد مشغول باشد و کسانیکه مربی او هستند او را زیاد بکار وادارند و از زیاد بکار بردن محفوظات او زیاد میشود و اگر تنبل و کسل باشد و کسی هم او را بکار وا ندارد کمتر بکار میبرد محفوظات او کم میشود حافظه از زمان تولد در کار است چنانچه می‌بینیم وقتی شیر یا غذای او دیر میشود گریه میکند چون تشنه خود و رفع احتیاج او شده در حفظ او میماند که گرسنه میشود احتیاج ثانوی که پیدا میکند گریه و فریاد را از سر میگیرد چون می‌بیند هر وقت گریه میکند مقصودش حاصل میشود و هر چه میخواهد

پدر و مادر با و میدهند این نتیجه را حفظ میکند و همیشه برای جزئی و کلی که میخواهد گریه میکند و مقصود خود را حاصل میکند رفته رفته خواهشهای او زیاد میشود چون دفعه اول بلجاج مقصود خود را حاصل کرده بود اصرار میکند پس چون این وقت برای طفل نقطه شروع بارادها و کارها است باید از روز اول چیزهائیکه صلاح و برای او مفید است بخاطر او گذاشت و اگر خواهان چیزهای نامناسب شود منع کنند و گوش بگریهٔ او نکنند تا همیشه در ذهن او بماند که او را از فلان چیز منع کرده‌اند و دیگر دنبال لجاج و ابرام نکند در هر امری که اظهار انقیاد و اطاعت کرد او را نوازش کنند و او را تحسین کنند که بجا بماند اطاعت و حرف شنوی مطلوب است باید از اطاعت شود و وقتی خوب مطیع شد حالت تقلید (تقلید طفل) در او پیدا میشود که در اطفال بسیار مهم است اولین اعمال نفسانیه این است که طفل میخواهد آنچه را دیده و ضبط کرده تکرار و تقلید نماید هر کس هر چه میکند او هم از بابت تقلید میخواهد بکند و از این است که میخواهد چیزهائیرا که دیده استعمال کند و بکار ببرد و از بابت تقلید است که طفل بکلمه تکلم کلام میکند که اول کلمات مفرده و مرکبه را شناسد و بعد خیالات و ارادات خود را بفهماند و رفته رفته بیشتر مرکب کند در حقیقه تمام افعال او نتیجه یک سلسله از اعمال تقلیدیه پس بر ما لازم است که پیش روی طفل کارهائی بکنیم که برای او مفید باشد که از آنها تقلید بکند



بزبان آمدن اطفال — قبل از آنکه طفل بزبان آید برای اظهار احساسات خود علامات و اشاراتی در قیافه و گریه خود دارد که بواسطه آنها اظهار احساسات خود را میکند در حالت صحت در سیمای او آثار احساساتیکه میکند بعض حرکات و علامات ظاهر میشود که شادی و راحتی او را مینماید و وقتی مریض میشود یا اذیتی با و میرسد بطور وضوح صورت را

De la mémoire

Commencement à parler.

بهم میکشند وقتی فرحناک و ملتذ میشود بهم کشیدگی زایل شده حالت فرح
و انبساط در صورت او ظاهر میگردد کسرا اتفاق افتاده که قبل از سه هفته
حالت فرح خود را به تبسم و خنده نشان بدهد چون شروع بخنده میکند اول
جزئی حرکتی است که در لبهای او ظاهر میشود که کم کم انبساط بیشتر میشود تا اینکه
واضح خنده میکند و صورت او گشاده شده و صداهای خوشحالی مکرر میکند
گریه و فریاد برای طفلی که هنوز زبان ندارد یکنوع بیان غیر ملفوظی است چنانچه
مذکور شد با آن فرح و اذیت و غضب و ناراحتی خود را اظهار مینماید و این
با اشتغال خرق هوا بخروج از ریه و گذشتن از حنجره که موضع تکوین صوت
است شنیده میشود حنجره نوزاد تنگ و کوچک و عضروفهای آن نازک و تار
و عضلات آن کوچک و رشتهای صوتی کوتاه هستند از این است که گریه نوزاد
پست و ضعیف و حزین است بخصوص وقتیکه ضعیف الخلقه باشد در حالت غریب با اغماء
باشد گریه برای اینکه ریه را وسیع و بلغم مجتمع در مجرای تنفس را خارج کند
بسیار مفید است اما اگر زیاد شود دوران خون را برهم زده موجب اغماء میشود
وقتیکه زنده شد شهیق خوب و صوت صاف و سهل الخروج است علامت قوت مزاج نوزاد است
گریه که سبب آن مرض و وجع یا صدمه دیگر باشد با قلق و اضطراب و بی قراری
است اگر لحظه آرام شود باز شروع میکند و از حالت گریه و اضطراب و تشنج
او میتوان فهمید که عارضه در کدام عضو است گاهی سبب گریه این است که مقصود
دارد و هر چه میخواهد بفهماند نمیتواند از شدت غیظ گریه میکند علامت آن
این است که سرعت در نبض او پیدا میشود صدا و گریه های اول طفل برای رفع
احتیاج و نیل بمقصود است و گریه ها که بعد میکند بواسطه فهمی است که حواس
او احداث میکند طفل میفهمد چون نمیتواند بفهماند گریه و فریاد میکند و تا ماه
سیم و چهارم طفل هر قدر گریه میکند از چشم او اشک بیرون نمیآید بعد در ماه

پنجم صدای طفل تغییر میکند ولی هنوز ملفوظ نیست لیکن گریه محض هم نیست
در ماه هشتم و نهم این صدا ترقی کرده طفل لبها را بتقلید مادر که حرف میزند
حرکت داده میخواهد حرف بزند قوای نفسانیه و مهیجات طبیعیه که تاکنون ظاهر
و بیدار نشده بودند بحرکت آمده بیدار میشوند و حتی در طفل احداث میکنند
طفل ارادات و معلومات خود را میخواهد بدیگری بفهماند شروع بتکلم میکند
اول تلفظ بحروف علّه میکند آ ا او ای و حروف علّه را ممتاز و واضح تلفظ میکند
پس از آن تلفظ بحروف سالمه میکند مثل این است که طفل فوراً و بدون مقدمه
بیخبر آمده نخستین حرفی از حروف سالمه که بزبان میآورد از حروف شفویه و
حروف غنه است ب پ م ن که با الف که حرف علّه است ترکیب میکند با
با ما ما میگوید و اولین کلمه که تکلم میکند لفظ مادر است در فرانسه ماما
در فارسی ننه میگویند این اظهار عجیبی است که طبیعه بمادر خود میکند و علامت
اینست که قوای نفسانیه در طفل شروع بعمل کرده از این وقت باید بتربیتهای
نفسانیه او شروع کرد معین است که بواسطه ضعفی که در اعضاء متکلمه طفل است
حروف و کلمات را بد ادا میکند و اگر از کوچکی اقدام باصلاح آن نشود عادت
میکند و دیگر ترک آن مشکل است پس لازم است هر حرفی را که خوب ادا نکرده
در حضور او صحیح و شمرده تلفظ کنند که یاد بگیرد و درست بگوید

فصل سیم در تربیتهای نفسانیه

De l'éducation morale et intellectuelle

چنانکه تربیت جسمانی برای طفل لازم بود تربیت نفسانی هم لازم است
مادرها یکه در سال اول مواظب طفلند و او را تربیت میکنند اولا آموزگار
و اول معلم اند باید ملتفت باشند در ظهور و بروز دل و هوش و عادات
او زیاد دقت کنند پس باید در اینجا دستورالعملی در تربیتهای نفسانیه هنگام
طفولیت اول برای آنها بیان نمائیم کلیه کسی که ملتفت هستند این اول تربیت

نمیتوان کار نمیکند این اشخاص را به بی اعتنائی کنند و اند خبط میکنند بجهت اینکه تو
یاد کردن چیزهای باطل بمضرت اعتیاد بعادات رذیله میشود بخصوص اگر دایه
و مربی نادان هم داشته باشد پس در اول طفولیت قبل از اینکه حواس و ظاهر شود
باید شروع باین تربیت نمود **پلوتارک** میگوید هر گاه ضعف مزاج مادر
مانع از این باشد که طفل خود را شیر بدهد باید بزودی بعد از تولد دایه
عاقلی برای او انتخاب نمایند و از آنوقت خود شوهر دایه با کمال مواظبت در این تربیت
داشته او را بخود وا نگذارند که عادات رذیله و اخلاق رذیله پیدا کند بجهت
اینکه هر نقشی بر موم نرم کنند خیلی زود و آسان نقش میگیرد بهمین قسم است
هر چه طفل در این سن میبیند زود یاد میگیرد و عینها در حافظهٔ او نقش می‌بندد
افلاطون الهی بکمال سختی دایه‌ها را از اینکه افسانه‌های لغو و مجعول که موجب
خیالات واهیه میشود با طفال یاد بدهند نهی میکند میگوید این خرافات در
ذهن او نقش میشود دیگر محو کردن آنها محال است باید هم با دقت برای او انتخاب
کرد که عادات خوب از او اخذ کند صحیح و با لهجهٔ فصیح با او حرف بزنند که بد لهجه نشود
در این سن طفل زود خوی همنشین را میگیرد و اعمال او را میآموزد اگر خوی
اعمال بد داشته باشد فرا میگیرد دیگر ترک آنها مشکل میشود در این باب
مثل خوبی آورده‌اند هر که با شل همنشین شود شلی یاد میگیرد عادات طبیعیه
کاملاً ضایع میشوند و اثر ناگواری در وجود ما میکنند اما عادات نفسانیه
از این قسم نیستند ما را باغراض مخصوصه بنیکوکاری و راستی و محبت و احسان
مینمایند و ما را باعمال مفیده جری و قوی دل میکنند و بواسطهٔ تجربه‌ها
و علاقه‌ها قوهٔ ما را بخود مربوط مینمایند و از نفاق و اثرهای ناگوار حواس
و اغراض نفسانیه ما را سلب مینمایند قوای فوقانیه را بر قوای
تحتانیه مسلط مینمایند بالجمله عادات نفسانیه بهترین معین‌اند برای تربیت

در تکمیل اطفال

هر گاه یکی از اعمال نفسانیه دفعهٔ اولی بظهور شود برای تکمیل آن خیلی آسان
است هر روز بیک درجه تدریجاً شروع و ظهور آن کنند و آنرا مبدأ تعلیم
و هیچ چیز بهتر از پیدا کردن عادت آن و رفع مانع از آن نیست
این خطا است که گفته‌اند عادات رذیلهٔ بعض اطفال تصحیح و رفع نمیشود اینکه
رفع نمیشود بواسطهٔ این است که مواظبت و اصرار در رفع آن نمیکنند در سر
روزی برفع و تصحیح آن میکوشند خسته میشوند رها میکنند باید مدتی اصرار
در رفع آن نمایند مثل آنست درخت کوچکی را خوب تربیت کنند و چشم و بد ترکیب شود
و ممکن نیست درختی را بخود وا گذارند و درست باشد و تربیت نکنند میوه
شیرین بدهد اگر این اتفاق بیفتد از نوادر است مثل **سقراط** که از مردمان
بزرگ مستغنی از تمجید است فلسفه آسمان را بزمین آورد بهترین مثل است
برای این مطلب از خانوادهٔ پستی متولد شده بود با تمام معایب که داشت بواسطه
شدت میلی که طبیعت بتربیت پیدا کرد عادات نفسانیه هم مساعدت نموده
استقامت ذاتی در او احداث کردند تمام معایب را باختیار خود زایل کرد
و بدرجه رسید که رسید شرح حالات او در تمام تواریخ مسطور است اطفال
اگر منع نکنند کلیهٔ مویید تابع میل خود میشوند و برای اجرای مقصود شان
تدبیرها دارند گریه میکنند فریاد میکنند بی‌تابی و اضطراب مینمایند در اشخاص
که در حول آنها یند میشوند از بی صبر و حوصله با آنها تملق میکنند و اگر طفل
باین حیلت بمقصود خود مظفر شدند دیگر کار شان مشکل میشود دیگر
کسی از عهدهٔ آنها بر نمیآید اگر با عزم ثابت با آنها مقاومت نکنند و از چیزی
که برای آنها ضرر دارد و نداشته مطلبشان منع نکنند بعد از آن بد و نا
و خوبیا و ندان سالیان دراز ظاهر خواهند کرد که چرا بمیل او

دفتار کردند این قسم بی تربیت شد چه اگر همه منع را با و بگویند در این سن
نمی فهمد پس غلبه کردن بر او ممکن نیست مگر بسختی انداختن و اعتنا نکردن
و فریاد او نکردن و این بسیار لازم است که سد حرص و میل او را میکنند
چون حواس ظاهره طفل ضعیف اند باید ما در یکی از حواس خود را واسطه
قرار داده غیظ و غضبش را بان واسطه با و بفهمانند مثلا بصدای بلندتر که تکلم
کنند گوش او که احساس این صوت غیر عادی کرد و دید این صوت غیر صوتهای سابق
و صدای او نمیتواند غلبه را ترک کند ساکت میشود دیگر چنین خواهش نمیکند یا چشم را
که اثار خارجه را بدماغ میرسانند واسطه قرار داده بواسطه ان نظر غضب الودی
با و کرده اشاره بفرمان برداری کند میفهمد که قوه مخالف ندارد و باید اطاعت
کند قدری بزرگتر شد اگر مطیع نشد و بنظر غضب بنگرند و با صدای بلند با او
حرف بزنند قوه اقتدار و حکمرانی خود را با و بفهمانند ناچار شده مطیع میشود
همینکه فرمان بردار شد خود و کسانش اسوده میشوند در اینجا رئیس معروف
میگویند دکتر منرو اطفال خود را بدو کلمه خوب تربیت کرده و آن دو
کلمه این است باید بکنی (ممکن نیست بکنی در هم بکنی) کفیم باید این اظهار اقتدار
با عزم ثابت باشد اما باید بملایمت و متانت هم باشد بعد باید از او دلجوئی
کرد و بر او مدلل کرد که این منع از روی دلسوزی و حقانیت است اگر با و نفهمانند
و چنان کار کنند که محض اظهار اقتدار است انکار و عناد دیگر خواهد شد اطاعت
او از ترس خواهد بود و طفل بعد میفهمد که لکن کرا او را انکار دیگر نمی کند خود
مرتکب نمیشود چیزی را که امروز با و اجازه داده صبح فردا منع میکنند از طرف
عقل نیست از قبیل هوس است لجاج را از سر میگیرد هر گاه طفل مطیع نباشد
بعضی اتفاقات برای او اتفاق میافتد که اگر پدر انها اندک غفلت کنند هلاک
میشود و مجال فکر و تدبیر هم نیست و در اینحالت بجز اظهار اقتدار هیچ چاره

نیست مثلا طفل طپانچه پر کرده یا کارد تیز بدست گرفته میخواهد بکار
ببرد یا بلب بام میرود یا بلب چاه میرود یا کنار رود خانه رفته خم شده نزدیک بیفتد
و خیالا هیچ مجالی ندارند که او را مستخلص کنیم چاره منحصر است باینکه طفل مطیع
باشد و بقوه اقتدار و بمحض اشاره یا فرمانی که با صوت مخصوص با و بگویم از طبع
انچه در دست دارد بیاندازد و از لب چاه و رود خانه که مشرف با فتادن
بود پس برود و از این قبیل مخاطرات برای طفل هست اگر مطیع نباشد
هلاک میشود اطاعت در حرف شنوی و لین و بهترین عادات نفسانیه و مبدا
و منشا جمیع تربیتها است و همه را بر کهان میتوان استوار کرد طفل را اگر بحرف شنوی
عادت دادند بگو صدای گریه را او شنیده نمیشود اسباب راحت اهل خانه است
و باید از زمان تولد شروع کرده طفل را مستعد ان نموده همینکه مطیع شد
مادام العمر خود و کسانش مرفه الحال و با کمال خوشی وقت زندگانی میکنند
و برای صحت مزاج او هم فایده کلی دارد در هیچ حالتی مثل حالت مرض حالت حرف شنوی و
تربیت طفل را نمیتوان فهمید و فی بعیادت و میروند اگر او را مروصبور و
ساکت مطیع او امر طبیب است معلوم است اراده مربی بر اراده او غالب امده
که او را بطور مطیع و منقاد کرده است اما اگر بالعکس بد خو و پر گو است بصحت
گریه و فریاد میکند و هیچ چیز قبول نمیکند حرف کسی را نمیشنود و چیزهای میخواهد
که برای او ضرر دارد معلوم میشود بد تربیت شده و اراده او غالب بر اراده
مربی است انهائیکه گفته اند برای هر مطلب برای طفل باید دلیل اورد و با او صحبت
کرد که این چنین و آن چنان است و مدعی شده اند که این اصل در تربیت است خطا
کرده اند بجهت انکه استدلال خود برای او مبادا اما که هیچ وقت نمیتواند بخود طفل
قبل از انکه هشیار شود دلیل جوینده و پرسنده است پس باید او را بخود واگذاشت
که بمیل خود از دلایل اشیاء بپرسد اگر قبل از وقت برای او دلیل بیاوری او

در منع اطفال از دزدی نمودن و دروغ گوئی

هم در هر حکمی باو میکنند و در نافرمانیها دلیل میاورد و دائم تعجیل میکنی که زودی
میکند میکویی چرا دلیل میاورد و طول میکشد که هوش او ضایع میشود و بجهت
میل ندارد میکند و کسی نمیتواند جلو اسب کلالت او را بگیرد پس باید دیگری او را
دلیل میاورد تا خود او دلیل جو شود در هیچ حالت نباید برای اینکه طفل مطیع شود
با او تزویر کرد یا دروغ گفت که بدگمان میشود تا ممکن است باید سعی کرد که
اطمینان پیدا کند اگرچه برای چیزهای خیلی جزئی باشد که حکم از روی اراده
بجا گفته میشود چیزیکه در او خیلی مؤثر است راستی و صداقت است که وقتی
با میل عادت او موافقت کرد مطیع میشود بخصوص وقتیکه نصیحت خوبی که
باو میکنند روز دیگر فراموش نمیکند باید باو فهماند که همیشه باید راست گفت
وقتیکه طفل میبیند همه با او راست میگویند و حرف او را باور میکنند و او را تنبیه
نمیکنند راستگو میشود و اینحالت در او رسوخ میکند نباید گذاشت طفل
مزور شود و آنچه در دل دارد پنهان کند یا طفل دیگر را فریب بدهد که
بدترین معایب است در او پیدا نمیشود مگر بواسطه معاشرت با اطفالیکه این
صفات را دارند باید جهد کرد که این عیب در او ظاهر نشود که اگر ظاهر شود
دفع آن ممتنع است

هر گاه رفیق طفل با او حرف تلخ بزند یا اذیتی بکند و طفل بخواهد انتقام بکشد
باید برفق و مدارا او را از این انتقام منع کرد و اگر او را نصیحت نکنند و اینحالت را
رفع نکنند بعض اطفال قوی و غیور هستند مجروح میکنند بلکه میکشند
اگرچه برادر شان باشد

وقتیکه طفل کار خلافی کرده نباید او را زدن یا وقتیکه میافتد نباید باو خندید
گفتن دیده شده که اطفال بیچاره از خوف اینکه آنها را بزنند درد خود شانرا
پنهان کرده و بحالت ناخوشی باقی مانده یا مرده اند پس باید زود ملتفت شوند و از

اول

در مساوات پدر و مادر با اطفال

اول که میتوان آنها را علاج کرد بعلاج آنها بکوشند
پدر و مادر دیگر اطفال متعدد دارند باید در محبت و سایر چیزها در جمیع
اطفال مساوات کنند و هیچ طفلی را ترجیح بدیگری ندهند که این ظلم است و
طفل غمگین و هیچو شکسته موجب خاموشی بدی میشود که باخلاق او اثر کرده
مریض میشود یا حالت حسد در او پیدا میشود که معایب آن در اطفال کاهی
حسد از ابتدای رضاع حاصل میشود وقتی مادر روی پستان را بدهان طفل
دیگر میگذارند گریه و فریاد میکند زیرا که طفل هنوز زبان در دهن نرسیده است
که بتواند حسد خود را پنهان کند بزرگتر که میشود حسد خود را پنهان میکند
اینست که بدون علت ظاهری لاغر و ضعیف میشود در اینصورت بجز حسد
چیز دیگر سبب لاغری او نیست باید تفحص کرد که محسود او کیست و چیست اغلب
پس از تفحص معلوم میشود که یا مادرش طفل دیگر را بیشتر نوازش میکند
یا پستان بدهان طفل دیگر میگذارد و پدر و مادر هم ملتفت نمیشوند
که طفل باین سن حسد داشته باشد که بطفل دیگر نیز فرزند طفل هم خود را
بجهت اینکه پستان و نوازش مادر را حق خودش میداند پس در اینحالت باید
این طفل را با اطفال دیگر مانوس کرد که باهم بازی کنند و بتدریج
بعض چیزها باو بدهند که بطفل محسود بدهد که او را بمهربانی و بخشش
عادت بدهند اما نه اینکه بدون مقدمه او را مجبور ببخشش کنند یقین است
قبول نخواهد کرد و اسباب لجاجت او خواهد شد
پس بر پدر و مادر است که با آنها بطور خوبی مهربانی و رفتار کنند چقدر که
از مادرها مقصر هستند نه پدرها اینکه با زنان و کارهای دیگر آنها را مهجور میکنند
اطفالیکه تا پیش با عانت آنها در دروغ مبین زندگانی کنند ضایع و خراب
میکنند که آنها را استفاده بزرگ نیست که قلب آنها را اینطور مجروح و مسموم

ک

کند که اثر آن بیشتر برسد و اسباب هلاک آنها شود باید پدر و مادر ملتفت شوند
و تمام سعیشان را بآنها بکنند و همواره بدهند کلیه چنانکه یکی از حکمای بزرگ میگوید
درشتی بطفل خودتان نشان ندهید خوشروئی و ملایمت شما قلب او را
مجذوب مینماید ترشروئی و درشتگوئی مناسب تربیت اطفال نیست عنایت
و احترام و نصیحت گاهی تبدیل آوردن گاهی تغافل و اغماض کردن برای حالت
آنها بهتر است باید اغلب تقصیرهای آنها را ندیده گرفت گاهی باید دیده بگویند باید
شنید و نشنید بجهت آنکه بعض کارها هست که وقتی دنبال کردند بدتر و
سختتر میشود و از اغماض و بیاعتنائی بهتر اصلاح میشود اگر هم لازم
شود تنبیهی بکنند باید ملحوظ باشد پس از آن او را نوازش کنند اصرار در تنبیه
او را عنود و ضعیف القلب میکند
یکی هم از معایب طفل جبان و ترسو بودن است باید سعی کرد که این عیب در او پیدا نشود
و بیشتر سبب اول ترسانیدن طفل است وقتی که بنای شیطنت میکند که با او میگویند
که نکن حالا که لولو میاید تو را میخورد یا سگ و یا شتر تو را پاره میکند یا غفلة
بر آنها آمدن یا آنها را ... یا بقسم دیگر آنها را ترسانیدن و یکی هم خواندن
حکایات مجعوله موحشه مثل قصه دیوان و پریان و شیاطین و غولان و
افسانههای موحشه از قبیل آمدن مردگان بصورتها و اجنه و غیرها از چیزهائی
که طفل را مجهول و هراسان مینماید ... که آخر نتایج ناگوار دارد زیرا که
طفل بالطبع باین افسانهها مایل است و در او اثر مخصوصی دارند و میخواهد
مکرر آنها را بشنود در ذهن او مرکوز میشوند و متصل این صورتها در خیال
او هستند اسباب ضعف نفس گشته در تمام عمر زبون و ترسو میشود سلسله
عصبانی در طفل بقدری سریع التاثیر است که با دنی وحشتی متزلزل میشود
شبها نا بیک میشود و وحشت او بیشتر میشود و از اندک صدائی میترسد و از خواب میجهد

Empêchement de la peur des enfants.

و دل او مضطرب و دوران خون او سریع و نبض او تند میشود و منجر بغشی و کنوولسیون میگردد
و گاهی فجئة میمیرد پس اگر این خیالات در طفل ظاهر شد باید با کمال متانت او را از
خیالات او منصرف و بطور خیالات عادیه کرد که این چیزیکه تو از او ترسیدی
چیزیست متعارف و کثیر الوقوع ما همیشه اینطورها میشویم ابدا نمیترسیم و بدلایل
عقلیه در کمال ملایمت او را از ترس بیرون بیاورند بعضی ادعا کردهاند که متوالی
آنها را برضد آنچه از او میترسند جرئت و قوت بدهند که ترس آنها زایل شود این
صحیح نیست او را مجبور نکنند که بعنف ترس او را زایل کنند یا او را در تاریکی
بگذارند که ترس او بیشتر بشود یا چیزهای مخوف باو نشان بدهند که عادت کند باید
او را از خوف بیرون بیاورند اما نه باین قسم که عاقبت ناگواری دارد باید بتدریج
و خیلی بملایمت صبر کنند بزرگتر شود و بیهوده بودن ترس را باو بفهمانند و او را
تشجیع کنند و با اطفالیکه خیلی جرات دارند او را هم بازی کنند و هیچوقت چیزهای
موحشی پیش او نیاورند و ذکر سباع و حیوانات مخوف پیش او نکنند و اگر
وحشتی برای او پیدا شد او را مشغول کنند و وحشت او را بلطایف الحیل زایل
کنند و دلایل عقلیه برای او بیاورند که این ترس بدون اراده او سلب شود
شبها چراغ را از اطاق بیرون نبرند این احتیاطها لازم است اما صبر و حوصله
میخواهد افسوس که بعض زنها این حوصله را ندارند در وقایع موحشی از اتفاقات
جزع و فریاد میکنند مثلا از صدای رعد و روشنی برق یا اتفاق دیگر در حضور
طفل یکمرتبه میجهند و فریاد میکشند پس باید خاطر نشان آنها کرد که در این
وقایع در حضور طفل خودداری کنند زیرا که از وحشت آنها وحشت طفل
زیاد میشود و بکلی اطمینان از او میرود و این بس خطرناک است که اسباب امراض
مختلفه میشود باید اگر هم صدائی شنیده شد او را مرتبا ... که وقتی طفل بمادر
نظر کند همه را آرام و بدون اضطراب ببیند اطمینان پیدا کند و یقین کند

Empêchement de l'égoisme.

که چیزی نبوده است

یکی از معایبی که باید از طفولیت پیش بندی کرد که حاصل نشود تا اگر ظاهر شد
بمنع آن بکوشند خودپسندی است تخمیر دیگر انست در اسپانیول وقتی طفل
شروع بتکلم میکند اول تخمیر فرانسویها در تقلید ابها را باو یاد میدهند و در
پرتغال هم تخمیر فرانسه و اسپانیولها را باو القا میکنند و این بسیار بد است
حکیم بزرگی انها را منع و ملامت کرده میگوید اگر شما عیسوی هستید متابعت
انحضرت را بکنید که میفرماید طفل باید بزرگ در دوستی با تمام ابنا نوع باید
عشق انسانیت و محبت و رضای خدا را در دل او قرار داده فهمی کنند که خود را
از همه کمتر و همه را از خود برتر بداند انسانیت را بر همه چیز مقدم بداند
اما برخلاف بعض مادرها طفل خود را سزاوار پرستش میدانند و میگویند
همه کس باید تمکین اراده او را بکند این طفل هوسی میشود هرچیز مضحکی را که
بخواهد ترک کرده نخواهد کرد اگر جلو اش را بگیرند و خشک بشود تا انرا باو بدهند
بعد لابد میشوند هرچه میخواهد فی الفور باو میدهند و وقتی انها را ملامت
میکنند میگویند چکنیم طفل خود را دوست میداریم داشت میگویند طفل را
نباید دوست داشت در صورتیکه اعمال انسانی باشد طفل را که اینقسم تربیت
کنند از هر حیوان پست تر میشود و مادام العمر خود و پدر و مادرش را برنجش
میاندازد خوب میگویند طفل عزیز است اما تربیت او عزیزتر است این
محبت اسباب تلف او میشود علاوه بر انکه هرچه میبیند بگریه میگیرد هر
مکنت میخواهد خودش تنها بخورد و حصه رفقا را اندهد پس باید از اول باو
بفهمانند که شخصا استحقاق هیچ چیز ندارد مگر وقتیکه خود را لایق نماید و
بتحصیل استحقاق نماید و بداند هرچه باو میدهند از بابت لطف است که باید
کرده است و باید بدیگران هم قسمتی از ان بدهد تا لایق تر شود بالجمله اگر بخواهند

این

نتیجه
[illegible]

این خودپسندی زایل شود باید متصل گوشزد او کنند که تو هیچ قدر و قیمتی
نداری قیمت تو بسته بکارهائی است که اگر حرف شنوی کرده ای طفل خوب شدی
سزاوار همه چیز خواهی شد و اگر حرف نشنیدی و با همین حالت ماندی لایق هیچ چیز
نخواهی شد حکیمی طفل خود را سالی دو بار دید که بکمال تندی و شره غذا میخورد
سیلی سختی بصورتش زد و گفت چرا اکنار شره طفل این قسم در قلب او امده
کلیه پدر و مادر و کسانش او را خودپسند میکنند و بد تربیت میکنند لباسهای
فاخر باو میپوشانند بجای انکه با ان موجود کوچک لباس راحت ساده بپوشانند
که مناسب فصل و حالتش باشد هرچه لباس غریب تر و عجیب تر از زینت تجمل
کرده در بر او میکنند و او را بصورتهای مختلف بیرون زینت میبرند و او از این عمل
بر مردم دیگر فخر میکند پس این پوشش برای دفع احتیاج و حفظ از سرما
نیست بلکه برای تری جستن بمادران دیگر است که طفل فلان بهتر از همه
لباس پوشیده و بهتر میخرامد در حقیقت مفاخرت و همچنین است مادران
که طفل بیچاره را وسیله کبر و غرور خود قرار داده اند هستیکه طفل خود را
ارائه این تجملات دید و هرچه در بر دیگران دید خواست که فخر خود را
خود را شخص محترمی پنداشته خود را طاوس می پندارد و بر خود میبالد
از روز اول که بکبر و غرور و تفاخر و بیشرمی اموخته شد که تفوق بر اطفال
دیگر جستن انها را از روده دلشان رانده از دور میاورد و بالمره بی تربیت و
ضایع میشود و حال انکه باید طفل را بهضم نفس و فروتنی و محبت و حیا و
شرم عادت داده و چنان کرد که با همه کس با ادب و خضوع و احترام سخن گوید اگرچه
ان شخص در کوچک تر از او و پست تر باشد

فصل چهارم

در پیشگیری از استمنای اطفال صغار

Avis pour prévenir l'onanisme.

کلیه

[illegible]
علی

گاهی در طفل صغیر حتی پیدا میشود که مرتکب این عمل میشود پس از آن این کار را پیش روی اطفال دیگر میکند آنها هم میبینند یاد میگیرند مرتکب این عمل شنیع میشوند چند مرتبه که کردند خوششان میآید مداومت بان مینمایند طولی نمیکشد که در اطفال یک مکتب عام میشود بر پدر و مادر است همینکه فهمیدند این حالت مرض در طفل ظاهر شده بزودی قبل از آنکه عادت شود بعلاج و چاره آن بکوشند که اگر عادت شود علاج آن بسیار مشکل میشود پدر و مادر و معلم و لله باید بکمال جهد کنند و مواظب باشند که این مرض قبل از آنوقتیکه خداوند تبارک و تعالی برای بروز آن معین فرموده ظاهر نشود همینکه ظاهر شد باید همت جمیع کسان طفل صرف رفع آن باشد که ضرر آن قدری که بزرگ شدند معلوم شده موجب هزال مفرط و سقوط قوی و ضعف بسیار شده بعسر العلاج و امراض دماغیه صعبه و فقدان مشاعر میشود نمیتوان پیش بندی از آن نمود مگر اینکه در تمام فصول دستور العملهای اطفال مناسب ضررهای آنرا منظور بینند و از آن نهی نمایند که گوشزد پرستار و خدمتکار و کسان اطفال و خود آنها نشود بلکه از ترک نمایند نصیحتهای بسیار مفید است که برای پیش بندی از آن باید معمول دارند

(۱) باید باطفال غذاهای مقوی بسیار محرک ندهند (گوشت بسیار و قهوه و غیرها) بخصوص غذای شب را اندکی قبل از آنکه میخواهند آنها را بخوابانند که اسباب هیجان و تحریکات این قوه میشود

(۲) هرگز آنها را در رختخواب بسیار نرم و بسیار گرم نخوابانند مخصوصا از رختخواب پر قو اجتناب نمایند آنها را وقتی بر رختخواب ببرند که از روز خیلی خسته باشند زود بخوابانند صبح که از خواب بیدار میشوند فی الفور آنها را از رختخواب خارج کنند که اگر بمانند بفکر آن کار میافتند و بسیار مضر و سبب کلی

این مرض است و هرگز نباید طفل را در رختخواب خود بیدار گذاشت اگر نمیخوابد او را از رختخواب خارج کنند وقتیکه میخواهد بخوابد قبل از آنکه بخواب رود امر کنند که دست خود را از رختخواب بیرون آورده بروی لحاف دراز کند و هم او را عادت دهند که بر پشت و شکم نخوابد بلکه به پهلو بخوابد و هرگز چند طفل را در یک رختخواب نخوابانند

(۳) بکرات زهار پسرها و زنانها را با آب سرد بشویند و در جمیع فصول حمامهای فاتره بگیرند و حمام هر گاه ممکن باشد بهتر است حرکت و ریاضت و جمیع آنچه که سابقا در حفظ صحت آنها مذکور نمودیم باهم بکنند که منع از این مرض نماید بالجمله هیجان تحریکات را کم میکند و سبب تسکین میشود آنها را امر کنند و از محرکات و مقویات نهی نمایند

(۴) لباس آنها تنگ نباشد که ببدن فشار بدهد و موجب منع دوران خون شکم و توقف خون در آلات تناسل شود پیراهن و جلیتقه پشمی که پسرها در زمستان میپوشند دامنهاشان خیلی بلند نباشد شلوار هم نه خیلی تنگ و نه خیلی گشاد باشد

(۵) پدر و مادر باید خیلی سعی کنند که این مرض با خطر را بواسطه صحبتها و قصه‌ها و بواسطه اعمالی که محرک شهوتند و حیای آنها را بکنار میگذارند بهیجان نیاورند و غدغن کنند که پسر و دخترها در یکجا نباشند و در برج هم غزاین نشوند اغلب پدر و مادرها پیروی این نصیحتها را نمیکنند میگویند این احتیاطها در اطفال صغار چه فایده دارد آنها این چیزها را نمی فهمند و حال آنکه خوب میفهمند بالجمله باید خیلی سعی کنند که شرم و حیای آنها از این گفتگوها از میان برداشته نشود و مستحفظین وقتی از این مطالب گفتگو میشود حرف را برگردانند و از مطالب دیگر گفتگو کنند و نگذارند در چیزهائیکه نباید بدانند تفحص و جستجو نمایند باید ملتفت باشند از حکایات صحیحه که مهیج شهوت نباشند برای آنها بخوانند

و با آنها باید بفهمند اینکه کاهی مطالبی میخوانند که برای آنمرض خطر دارد بهتر
این است که حکایات و تواریخ طبیعیه بخوانند و از خواندن افسانها بخصوص
افسانهای دختر و پسر و خیالات عشق بازی و امثال آنها اجتناب نمایند با یک
تصحیح اعمال آنها را مباشر و خدمتکاری هم در پی امثال آنها نگذارند بلکه مستحفظ
بخت با آنها بگمارند که غدغن کند و مواظب باشد که این کار را نکنند

(۵) بیکاری یکی از اسباب بزرک این مرض است اطفالیکه میل ببازی نمیکنند
و ذوق اینکه کاری که اسباب خوشحالی باشد پیش آنها بکنند ندارند هر لحظه
وضع خودشان را تغییر میدهند از اینجا برمیخیزند آنطرف می نشینند گوش
خود و موهای خود را میکیرند میکشند صندلی خود را میجنبانند بعلاوه حالات
دیگر از آنها بروز میکند که دلیل بر بطالت و از کار ماندن بدن و قوه
عاقله است باید معلم و مستحفظین ملتفت حالت آنها باشند و آنها را بکار وادارند
بفهمانند که ... مشاعر بی عمل ماندن بدن ... اتفاق افتاده است که
قوه شهوت نوعی بیدا شده است که دیکر چاره آن ممکن نبوده است

(۷) هرکاه با تمام احتیاطها باز اینحالت باقی باشد باید معلوم کرد که
بواسطه مرضی عارض شده یا خود عیب مستقلی است کرمهای روده تو بیرون
شدن روده ها و ماسادیها (کاز) بعض امراض جلدیه که مضاد خارش
بدن و موضع مخصوص شوند و امثال آنها ممکن است سبب آن شوند آن وقت
مرض است باید بمعالجات بعضی که در موقع خود مذکور شده کوشید
خوش بختانه اطفال نیند که اینحالت در آنها چندان طول نکشیده موجب
عادت مستحکم غیر مقهوری نشده زود دفع شود

تمت المقالة الاولی و تتلوها المقالة
الثانیة ان شاء الله تعالی

مقالهٔ ثانیه

در امراض اطفال و در آن دو باب

باب اول

در ترابیتک (علم باستعمال الادویه) و بیانات و قواعد کلیه Thérapeutique
و تشخیصات و در دو فصل بیان میشوند

فصل اول

در تنقیح ترابوتیک مخصوصی برای امراض اطفال نوشته نشده هر دواها
اکرچه نوعی هم باشند میتوان در اطفال استعمال کرد اما باید بیک نسبت معینی کمتر از شربت
معمولی جوانها باشد اشکال تشخیص و اشکال استعمال دوا در اطفال از مشتبه بودن
و معلوم نبودن امراض آنها نیست از عدم اطاعت و لطافت مزاج (تلون مزاج)
آنها است پس برای اینکه اطفال دوا را بمیل بخورند و اسباب مخصوص لازم است
که دواها را خیلی مقبول و دلکش و بطوری تهیه کرده باشند که طفل آنها را مثل
بازیچه بکیرد و خود میل بخوردن آنها کرده بخورد آنوقت کوارا و مناسب حالت او
میشود اما اکر این قسمها نکنند طفل دوا را که می بیند وحشت میکند کریه و فریاد
میکند بدهان او میریزند بیرون میریزد یا قی میکند دایه و پرستارها تا دهان او را
میزنند نمیخورد او را میخوابانند دست و پای او را میکیرند نمیخورد با قاشق و امثال
آن دندانهای او را از هم دور میکنند دو و پشت دندان او را ... میکنند لب و لثه
او را مجروح مینمایند سر تا پای طفل عرق میکند تمام بدن او سرد میشود البته
این قسم دوا اکر وارد معده او هم بشود ضرر میکند آنها شروط لازمه معالجات
اطفالند برای این مقصود باید خیلی عادت بعلم دوا سازی بخصوص برای
مقدار شربتها و تهیه و مخلوط نمودن دواها داشته باشند

قدر شربت دواهای اطفال

Du dosage des médicaments chez les enfants.

از آنها با قسام مختلف تشخیص کرده اند بیان تمام آن قواعد در اینجا موجب
اطناب است و آنها هم کم یا زیاد نا قصند بهتر این است که بعد از دانستن مقدار شربت

قدر شربت دوای اطفال

دوای جوانان مقدار شربت هر دو را که از سن طفل را معلوم نمائیم
گوبیر قاعده بیان کرده که اقرب بتحقیق است میگوید بعد از آنکه قدر شربت متوسط
دوای جوانی معلوم شد برای طفل کمتر از یکسال دوازده یک آن را در دو سالگی
ثمن در سه ساله سدس و در چهار ساله یکربع و در هفت ساله یک ثلث و در چهار
ده ساله نصف آنرا بدهند کُنر انطریقه را تغییر داده میگوید فرض
میکنیم مقدار شربت دوای جوان یک باشد در طفل از یکسال تا سه سالگی
از آن از سه تا هفت سال یک ثلث از هفت سال تا سیزده سال نصف و از چهارده سال
تا بیست سال دو ثلث آنرا بدهند باید دانست بسبب اینکه نمیتوان قاعده کلی برای مقدار
شربت دوای اطفال قرار داد این است که مقدار شربات مذکوره چنانچه در مقدار دوا
در جوانان یک مقدار است در اطفال در جمیع ادویه یک هیچ نیست اطفال
بعضی دواهای قویه را بالنسبه خیلی بیشتر و بهتر متحمل میشوند مثلا بلادن و سم
الفار و جیوه را بیشتر و بهتر از جوانها تحمل میکنند و میتوان بالنسبه بیشتر بآنها
داد و ادویه دیگر مثل اسید فنیک و افیون و ترکیبات آنها را متحمل نمیشوند
که مقدار خیلی ضعیف شان در آنها موجب سمومیت میشود پس ادویه قویه مثل
افیون و اذارقی و دیژیطال و خانق الکلب و ترکیب قلیائی آنها را بطفل نمیتوان
داد مگر کم و بمقدار ضعیفه مثلا وقتیکه بنا شد چهار هزار یک گرام افیون بطفلی
که کمتر از یکسال دارد تجویز شود نباید یکمرتبه بدهند بلکه او را چند قسمت کرده
بدهند تا آنکه در دوازده مثقال آب داخل نموده هر دو ساعت یک قاشق
(مثقال) آنرا بخورانند و منتظر اثر آن باشند
سابقا در فرنگ نسخه ها که مینوشتند مرکب بود از ادویه متعدده و گمان
میکردند که هر چه دوا بیشتر باشد بهتر اثر میکند چنانچه تریاق و مثرودیطوس
و اغلب معاجین ها هم بهمین قسم است در کار مریضها و مجالس علمیه فرنگ بر این طریقه

تهیه ادویه اطفال

ایرادات وارد دارند یکی آنکه اگر این مرکب منفعت یا ضرر کند کسی نمیداند کدام دوای
او است که نافع است و کدام مضر است و هم ممکن است با هم که فعل و انفعال کنند بی
اثر شوند مریض بعد از آنکه بزحمت زیاد دوائی تهیه کرده خورده است عمل لغوی
کرده باشد و دیگر اینکه طبیبی نسخه اختراع میکند که دارای چندین دوا است
چنانچه مکرر تجربه شده است که در دوا ترکیب کرده اند مضر واقع شده است
و این بواسطه این است که اثر یکی برضد اثر دیگری است و اینرا طبیب نمیدانسته
مرکبی اختراع میکند که دواهای آن برضد یکدیگرند و مضر واقع میشود و
دیگر اینکه در ترکیبی یک جزء آن سم الفار است و دوائیست بسیار قوی از ادویه
ضعیفه که جزء نسخه اند بی فایده میشوند و اگر مقدار آن کم باشد قوه سایر ادویه
غلبه میکنند سم الفار بی اثر میشود و هکذا ایرادات زیادی کرده اند و از این است
تا ممکن است دوای مفرد استعمال میکنند و اگر لازم شود یک یا دو دوا که مصلح یا
مقوی عمل آن باشند بآن اضافه مینمایند

Règle générale des préparations pharmaceutiques les plus employées chez les enfants.

قاعده کلیه در تهیه کردن دواهائی که در اطفال زیاد استعمال میشود

اطفال حب و قرص و امثال آنها را باشکال میخورند دستور العمل خیلی مختصری
برای دادن آنها میدهیم و چندین نسخه برای آنها مذکور مینمائیم که بهتر
اقسام باشد که همه کس از آن دواها بتواند باطفال کوچک تجویز نماید
در مسحوقها و مخلوطها و تنتورها و الکلیها و شربتها و لعوقها مسحوق و مخلوط را
میتوان بمایعات داخل کرد یا مخلوط بعسل یا مربا نمود و تنتورها و محلولها را
ممکن است داخل شیر کرد یا در آب و مخلوطی که ضدی دارد نباشد اما شربتها و لعوقها را
بکمال میل میخورند

Des lavements

حقنه در اطفال سهل تر و بیشتر از بزرگها استعمال میشود بجهه اینکه هم در تجلیه
و امراض روده و هم در دفع لینت میکنند و نیز از اینکه دوا را از راه دهن بدهند

حقنه اطفال

۱۰۶ انها لازم میشود

در اطفال صغار مقدار مایعی که حقنه میکنند باید بیشتر از ده فازده الی هیجده
مثقال نباشد و از دو سال تا پنج سال از بیست تا سی مثقال و از پنج تا ده سال
چهل تا پنجاه مثقال و در جوانان شصت الی هشتاد تا صد مثقال باشد و از حقنه بزرگ
و نصف آنرا نصف حقنه و ربع آنرا ربع حقنه گویند

درجه گرمی مایعی که حقنه میشود باید بر حسب تن و موقع از بیست و هفت الی سی و هشت درجه
باشد هرگاه دواء قوی حقنه میکنند که میخواهند زود جذب شود باید مقدار مایع
آن نصف آنچه مذکور نمودیم باشد و لوله آنرا داخل آن کنند که معاء مستقیم را داخل
کند و خیلی تحریک نشود و وقتیکه میخواهند چنین دواء قوی را حقنه کنند باید قبل
از آن برای تخلیه امعائی که در روده است حقنه بزرگی حسب لعاب و از آب یا
لعاب خطمی و غیرها کنند

مقدار دوای قویه که داخل حقنه میکنند نباید بیشتر از ضعف آنکه از دهان
استعمال میشود باشد بجهة اینکه اتفاق افتاده دوای سمی را بیش از اندازه داخل
حقنه کرده اند موجب مسمومیت شده است

اگر مقصود از حقنه تخلیه امعاء روده است قدری صابون را باندازه که
برای حقنه معین کرده ایم در آب طبخ کنند و بجز آن سی و پنج درجه حقنه نمایند
و اگر مقصود از حقنه اینست که دوا در اندرون بماند و خارج نشود فائده خود را
ببخشد آنوقت باید مقدار مایع خیلی کم یعنی چهار مثقال باشد که تقاضای دفع نکند
باید آلت حقنه نرم و کوچک از ملوز یا کاوچو باشد و سر لوله آن باریک از استخوان یا کا
و نشو باشد و آنرا چرب کرده بگذارند از استعمال محقنه ها که در ایران از شیشه
یا برنج میسازند اجتناب کنند که طفل را مجروح میکنند

Des cataplasmes.

ضماد اطفال

ضماد

زرق تحت جلدی و مالش و حمام اطفال

۱۰۷ ضمادی که دواهای آن بادام مغز و کتان است آنرا در بزرگ کنند که در آب گرم در پخته نباید بهم بزنند
تا بقوام ضماد یعنی بقوام خمیر نرم بشود این ضماد گاهی موجب خارش و تحریک جلد
طفل میشود آنوقت باید بجای او آرد برنج استعمال کنند بخصوص وقتیکه
بخواهند ضماد بروی چشم بنهند آرد برنج مناسب است باید گرمی ضماد باندازه
گرمی بدن طفل باشد در امراض ضمادهای گرم لازم میشود که موقوف بتجویز
طبیب است

Injections sous cutanées

زرقهای تحت جلدی —— در اطفال مفید است اما باید مقدار دوای آن پنج یک
الی هشت یک مقداری باشد که از دهن میخورند مخصوصاً زرق محلول مرفین در
اوجاع شدیده انها بسیار موثر است

Liniment

روغن مالیها و ضمادهای دوائی — تدابیری اند که نباید هرگز در امراض خطیره اطفال استعمال شوند

Douches et bains.

مالش و دوش و حمام —— در معالجه اطفال بسیار نافع اند بجهة اینکه انها یک اثر
فیزیکی (طبیعی) و مکانیکی (تحریکی) دارند که دوران خون را جاری و تغذیه را
نیک و حرارت غریزی را در بدن انها زیاد میکنند

مالیدن دوا ببدن انها بکلی بی فائده یا قریب به بی فایده است بجهة اینکه ببدن
جذب نمیشود مگر ادهان زیبقیه که از این قاعده مستثنا هستند چه در اکثر
احوال انها زیبقیه که از دهان استعمال شوند موثرتر اند و بهتر جذب میشوند
اطفال خیلی صغیر که نمیتوانند غرغره کنند باید هر وقت دوای مفید در امراض
دهان و حلق برای انها تجویز میشود بطریق مضمضه و مالیدن با پنبه تدهین
و تطور غبار با آلت مخصوصی پاشیدن (پولوزیراسیون) تجویز نمود

Poids français remplacés par poids persans

اوزان ادویه

در هر مملکت از فرنگستان اوزان را بوسم خودشان بطرحی معین کرده اند و انها
مشهور و چون طرح نقشه فرانسه ها است که اغلب آنرا معمول میدارند و کتبی هم که

از انها

مسهلات اطفال

۱۰۸ از انها توجه کرده ایم بران طریقه اند که واحد انرا کرم میگیرند که مساوی نیم یا یک
صد یک کرم (جزو گندم) مکعب آب مقطر بدرجه که نقره یا پنج نخود است اکر زیاد
از کرم است از روی تضاعیف اعشاریه شده ده کرم و صد کرم و هزار کرم معین میکنند
و اکر کمتر است کسور اعشاریه شده یک دهم و صد یک کرم و هزار یک کرم میکویند
اکرچه بهترین تقسیم وزنها و خیلی سهل است لکن اغلب حالیها انها را بمیزان اند باید
کرفتن انهم برای انها اشکال دارد چه رسد بدایه ها و زنها که باید این کتاب را
بخوانند از این جهت همه را تحویل بکندم و نخود و مثقال که معمول علیه و اسان و
عطارهای این ایام است کردیم که برای انها سهل و بفهم نزدیک تر باشد

اول در مسهل اطفال

Des purgatifs.

(۱) مسهلات دهنی

1° Purgatifs huileux.

Huile d'amandes douces.

یکمثقال روغن بادام شیرین برای اطفال قبل از یکسال و چهار مثقال در اطفال یکه بالاتر از یکسالند
مسهل خفیفی است

Huile de ricin.

روغن کرچک نباید در اطفال صغار با احتیاط استعمال شود چه ممکن است بیشتر از اندازه
عمل کند و مضر شود در اطفال قبل از شش ماهه نیم مثقال و در بیشتر از شش ماهه
تا دو سال و نیم یکمثقال از دو الی چهار سالگی از یک الی یکمثقال و نیم از چهار الی
هشت سالگی دو مثقال از هشت الی دوازده سالگی دو مثقال و نیم الی سه مثقال بخورانند
روغن کرچک را باید داخل شیر کرم یا داخل بکوشت یعنی چربی یا قهوه تلخ یا آب
نارنج یا شیره بادام یا زرده تخم مرغ و غیرها کرده بخورانند

مسهل روغن کرچک

روغن کرچک روغن بادام شیرین شربت کل شقایق از هریک یکمثقال الی چهار
مثقال برحسب سن طفل بدهند

نسخه دیکر

مسهلات روغنی

زرده تخم مرغ قند روغن کرچک مطبوخ قهوه برحسب سن طفل ۱۰۹
بدهند که بمقدار شربتهای مذکور روغن کرچک داشته باشد

مسهل لعابی از روغن کرچک

Emulsion à l'huile de ricin

روغن کرچک صمغ عربی عرق نعناع فلفل آب مقطر شربت شکر
۳ م ۲۰ نخود ۴۰ نخود ۵ م ۳ م

اول صمغ را با مثل خود آب بسایند تا لعاب شود و بعد کم کم روغن کرچک را داخل کنند
و ما بقی را هم بتدریج اضافه کنند و برحسب سن یک تا دو شربت بدهند

مسهل دیکر

روغن کرچک داخل نصف زرده تخم کرده در هاون چینی بسایند تا خوب ممزوج
شوند بعد از آن عرق بهار نارنج شربت شکر آب بقدر کفایت اضافه نمایند برحسب
سن از شش مثقال و بیشتر بدهند

حقنه روغن کرچک

Lavements de l'huile de ricin.

در حقنه اطفال برحسب سن از دو الی شش مثقال داخل بیست تا چهل مثقال لعاب
خطمی کرده حقنه نمایند یا اینکه انرا داخل یک قاشق غذاخوری عسل مصفی یا ما
العسل کرده بخورانند

(۲) مسهلهای شکری

2° Purgatifs sucrés.

La manne.

ترنجبین و شیرخشت — از جمله مسهلهای معمولی زمان دوم طفولیت اند که
انها را داخل شیر کرم میکنند طفل بمیل میخورد برای سه الی ده ساله دو تا شش
مثقال و در جوانان هشت تا دوازده مثقال است

نسخه

ترنجبین آب مطبوخ انیسون داخل کرده بطفل کوچک بتدریج بدهند

مسهل شکری دیکر

شیر خشت دو دو الی بیست مثقال شیر حل نموده بیکمرتبه بدهند

نسخه دیگر

ترنجبین ۲ تا ۴ م شربت گل سرخ ۲۴ م اگر کوچک است در دو دفعه و اگر بزرگ است بیکدفعه باید در بیج بدهند

قند شربت مغز فلوس هم بوزن ادویه سابق الذکر است

مربای فلوس یا فلوس پخته (کدکس)

Conserve de casse.

Casse cuite

مغز فلوس	شربت بنفشه	شکر سفید	عطر بهار نارنج	بر حسب میل	چهار مثقال بدهند
۳۰ م	۱۵ م	۲۴ م	۱ قطره		

عسل بجهة شیرینی صلاحها معمول است مابین الی دو قاشق آشخوری از این برای دفعه داخل سنا

۳ (م) مسهلات علکی صمغی

3 Purgatifs résineux.

صمغ سقمونیا از ادویه بسیار مفیده آنها است اما چون بد طعم است باید از داخل مثل لعوق با شیر یا شکلا نمایند و یا بکار داخل دوای هاضمی کنند اجتناب کنند که از امتحان کنند و عمل مسهلی از آن سلب میشود مقدار شربت آن از هیجده ماه الی دو سالگی نیم نخود و از دو الی چهار سالگی از نیم نخود الی سه کند و از چهار الی هفت سالگی یک نخود و از هفت الی ده سالگی پنج کند و از ده الی پانزده سالگی پنج الی شش کند و عمل مسحوق ریشه سقمونیا کمتر از صمغ آن است باید ضعف صمغ آن استعمال شود مقدار شربت صمغ و ریشه جلب به قدر صمغ و ریشه سقمونیا است صمغ این دوا مسهلی قوی و مطبق و مسحوق ریشه آنها است مسهل باید ضعف مقدار مسحوق ریشه آنها داده شود

شیر مسهل

Lait purgatif.

صمغ سقمونیا ۳ گندم شکر سفید ۲ م آنها را بهم مخلوط نموده دوازده مثقال شیر خالص نیم مثقال آب گیلاس داخل کنند بطفل هشت الی دوازده سالگی یکمرتبه بدهند

لعابی مسهل

صمغ جلب ۸ گندم را در نصف زرده تخم مرغ بزنند و دوازده مثقال آب سه مثقال شکر سفید و یک مثقال بهار نارنج بآن داخل کنند و بیکمرتبه بدهند

مسهل عرق المانی یا تنتور جلب مرکب

Eau-de-vie allemande

جلب ۴۴ م تربد مجوف ۳ م سقمونیا ۱۰ م الکل ۱۹۲ م درجه هم را در الکل بخیسانند دو الی پنج مثقال آن را بجوانان بدهند و بطفل یک مثقال و بیشتر بخورانند در اطفال صغار استعمال آن احتیاط دارد

سفوف مسهل

Poudre purgative

مسحوق جلب ۲ گندم مسحوق ریوند ۱ گندم مسحوق دارچینی ۱ گندم بهم مخلوط نموده داخل شیر یا شربتی کرده بیکدفعه بطفل بخورانند

ملین از پدفیلین

Laxatif au podophyllin

پدفیلین ۱ گندم شربت خطمی ۱۹ م کتابک ۱ م در یبوست طفل خیلی کوچک و رضیع مابین الی دو مثقال سه الی چهار روز بدهند

نسخه دیگر

مسحوق جلب ۵ گندم پدفیلین نیم گندم مناسب کبد اطفال است داخل شربتی کرده بدهند

Séné

سنا مکی هم از مسهلهای معمولی اطفال است چون طعم بشیع و ناگوار و بوی مکروه دارد و هم موجب قولنج میشود آن را با الکل اصلاح کرده بدهند

ملین سنا

برگ سنا الکل سنا را در الکل دو روز بخیسانند تا نوقت بهم زده چنگ نموده از علت یا پارچه مثل آن بگذرانند و خشک کرده بکوبند مقدار شربت آن بیست نخود تا چهل نخود است که داخل قهوه تلخ یا شیر قهوه کرده بخورند

و مقدار حقنه آن چهل نخود تا شصت نخود است

مخرج کرم سنا

Potion vermifuge

سنای مکی قهوهٔ بو داده آب جوش شیر گرم دوازده ساعت

٣٠ نخود ١٨٠م ١٨٠م

بدم گذاشته و در صبح ناشتا یکدفعه میل نمایند

مسهل سنا با قهوه

Médecine purgative au café

سنا اصلاح شده بالکل سولفات دو منیزی (نمک فرنگی)

قهوهٔ بو داده کوبیده هر سه را چند دقیقه در ٢٤ مثقال آب بجوشانند

و صاف کنند ده مثقال شربت شکر بآن افزوده در طفل ده الی پانزده ساله یکدفعه بدهند

حقنهٔ مسهل

Lavement purgatif

برگ سنا سولفات دو سود آب جوش سنا را در آب جوش طبخ کرده صاف

کنند سولفات دو سود را اضافه نموده در طفل پنج شش ساله حقنه نمایند

ریوند — برای قوهٔ هاضمه مفید تر است بیشتر استعمال میشود تا بعنوان

مسهل مقدار مسهلی آن در اطفال از یک نخود تا پنج نخود است

نسخهٔ ملین

ریوند را در بیست مثقال آب در کرده صاف کنند شربت کاسنی ساده بآن اضافه کرده

یکجا بدهند شربت کاسنی با ریوند مرکب با تقادر اطفال کوچک خیلی معمول بود

صفت شربت کاسنی مرکب

Sirop de chicorée composé

ریوند چینی ریشهٔ خشک کاسنی برگ خشک کاسنی شاهترهٔ خشک کاکنج

٥٠م ٤٠م ٥٠م ٢٠م ٣٠م

تخم حنظل دارچینی صندل شکر سفید آب بقدر کفایت

٢م ٢م ٢م ٥٠٠م

بطریق معمول شربت بپزند مقدارش تا شش نخود یا ان پنج نخود ریوند دارد

4° Purgatifs salins

(٤) مسهلات ملحی

منیزی

Médecine de magnésie

منیزی کالسینه — از ادویه بسیار مفیدهٔ اطفال و هاضم و دافع ترشی

معده است از زمان تولد تا دو سالگی پنج نخود از دو الی چهار سالگی ده نخود

از چهار الی هفت سالگی پانزده نخود از هفت الی ده سالگی بیست نخود از

ده الی پانزده سالگی سی نخود و در جوانان چهل نخود مخلوط شیر یا آب قند

یا داخل شربت مناسبی کرده بدهند

کربنات دو منیزی — یا منیزی انگلیسی محل استعمال و مقدار شربت آن مثل

منیزی کالسینه است وقتی که آنها را برای دفع ترشی غذا میدهند از نیم نخود

تا پنج نخود کفایت میکند

ملین منیزی

منیزی کالسینه (مکلس) شکر سفید آب بهار نارنج منیزی را

١٠ نخود الی ٤٠ نخود ١٠م ٢٨م ٣م

داخل آب کرده در ظرف نقره با آتش ملایم بجوشانند و با قاشق نقره متصل بهم

بزنند از آتش برداشته شکر داخل و بعد بهار نارنج را اضافه کرده مخلوط

نموده انضافی نازکی بگذرانند و بر حسب سن مقدار شربت آن را منتهی بدهند

که بقدر یک مقدار شربت منیزی را معین کرده هم داشته باشد

سفوف منیزی

منیزی مکلس ریوند کوبیده مخلوط نموده یک نخود الی دو نخود بر حسب سن بدهند

٢ نخ ٥ نخ

Chocolat à la magnésie

شکلات منیزی

منیزی کالسینه شکلات مخلوط نموده از اینها قرصهای شش مثقالی ساخته هر یک

٣٠٠م

١٥ نخود منیزی دارد

Limonade purgative

لیموناد ملین

جوهر لیمو کربنات دو منیزی شربت آب لیموی متعارفی آب وقتیکه بجوشد بنهند

١م ١م ١٥ نخود ٢٨م ٣٠م

لیموناد

لیموناد کازدار بنانزده نخود منیزی را بر میدارند بعوض آن ده نخود بی کربنات دوسود آنوقت که میخواهند بطری را برسانند داخل کنند باطفال دوازده تا پانزده ساله بدهند

کلمل — برای معالجه اطفال بسیار نافع و آنرا بخوبی متحمل میشوند هم مسهل و هم مخرج کرم است مقدار شربت آنرا بر حسب سن نیم نخود الی سه گندم میدهند بعضی آنرا داخل عسل یا شکلات یا نان میکنند و بعضی حب یا قرص میسازند و در دواخانه‌ها میفروشند و نباید آنرا با موادی که مذکور میشوند تا آنرا مستحیل بداشکنه منیماینند با هم استعمال نکنند و آنها سیانور و یدور و قلیاها و کلورورهای قلیائی و آب گوشت غذاهای شور و تمام ترشیها (سرکه و آب لیمو و ترشیهای پرورده مثل ترشی انبه و کبر و غیرها) و چیزهائیکه ماده بادام تلخی دارند (غار گیلاس هسته آلو بالو و شفتالو و شربت بادام تلخ) و یدور و همه یدورها ندهند بعضی گفته‌اند که اگر کسی در یکوقت یدور و بطاس از داخل بخورد و کلمل بروی ملتحمه باشد اسباب سموميت و فساد چشم میشود

نسخه

کلمل ۱ نخود قند شیر ۳ نخود دوازده بسته کنند روزی سه بسته در اسهال صفراوی و نزله بدهند

2° Vomitifs

دویم مقیئات اطفال

بهترین مقیئها ایپکا است که از ادویه مخصوصه باطفال است

نسخه

Ipéca ایپکا ۱ گندم قند کوبیده ۳ نخود بتدریج بدهند تا قی کنند

نسخه دیگر

شربت ایپکای ساده یکمثقال الی دو مثقال بتدریج بدهند تا قی کنند

نسخه دیگر

ایپکای کوبیده ۱ گندم تا ۳ نخود شربت بنفشه ۲۴ لعوق سفید مقیئ ۲۴ ... سه قسمت کنند هر یک را بفاصله ربع ساعت تا یک ساعت بدهند تا قی نماید

مقیئ دیگر

ایپکای کوبیده انتیمون ... سکنجبین عنصلی ۲۲ آب مقطر ۲۴ در هر ده دقیقه یکمثقال بدهند تا قی بیاورد

5° Diaphorétiques

سیم معرقات

کلرهیدرات دو ... آب مقطر ۲۲ حل کرده ربع تا نصف بدن را از ... ۷ ... تا نیم کند انرا ثم ذیق تحت جلدی کنند

معرق دیگر

استات امونیاک ۵ تا ۱۵ آب مقطر ۳۰ شربت شکر ۲۴ مخلوط نموده هر دو ساعت دو مثقال از آن بدهند

4° Diurétiques et stimulants du coeur.

چهارم محرکات قلب و مدرات

نسخه

تنتور کیبر تنتور عنصل از هر یک ... تنتور دیژیتال ده ... الی دوازده قطره در امراض قلب مرکبا ذات الجنب بدهند

نسخه دیگر

برگ دیژیتال ۱ گندم ۱ نخود ۲ نخود نیم دو شانزده مثقال آب دم کرده محلول استات دو پطاس اضافه نموده کنند تا یک نخود ... ابلو ... شربت قند داخل کرده در روز در شغاف ظاهر و باطن هر ساعتی یکمثقال تا دو مثقال بخورانند

زرق زیر جلدی محرک

کافئین ۲ نخود بنزات سود ۵ نخود آب مقطر ۲۴ یک ربع تا نصف آب دو ذرق را او ... در ضعیف شدن قلب تزریق کنند

مخرج دیگر

کافئین شربت نعناع عرق بادرنجبویه دار در ضعف شدن قلب بخورانند
۰ نخود ۱م ۱م ۲۰ م

نسخهٔ دیگر

بدرسدو پطاسیم تنتور دیژیتال و بوزه پتاز هر یک شربت عشبه ۲دو گرم
۲م ۳۰م ۱م
دو مثقال در عظم قلب بدهند

مدر بول

نیترات دو پطاس مطبوخ شبنذان (مزع) بندریج بدهند تا ادرار بیاید
۵۰ نیم تا ۱ گرم

مدر دیگر

مطبوخ برگ عنب الذب نیترات دو پطاس را در آن حل کرده بتدریج بدهند
۱ پیاله

نسخهٔ ممسک بول

هرگاه طفل بی اختیار ادرار میکند و نمیتواند خودداری کند
عصارهٔ بلادن تعفین بزر البنج شربت شکر آب مقطر کفایت یکدفعه بدهند
نیم نخود ۲ قطره ۲م ۳م

پنجم مسکن و منوم و رافع اوجاع آنها

اول تمام ادویهٔ افیونیه که ممنوع و مضر شده میشوند
دویم کلرال هیدرات

ناشربنا لکی برای هفت تا دوازده ساله داخل بیست مثقال آب کرده مدری
۱ گندم تا ۱ نخود ۱ از ۲ تا ۴ نخود
شربت نعناع اضافه نموده هر چهار ساعت یک مثقال بدهند تا اثر نوم ظاهر شود

نسخهٔ حقنهٔ کلرال

کلرال آب مقطر در آب حل کرده حقنه نمایند اگر خواب نیامد مکرر کنند
افیون نیم تا یک نخود نیم

نسخه کلرال

کلرال آب مقطر عرق بهارنارنج هر دو ساعت یک مثقال بدهند
۳ حبه تا ۲ ۱م تا ۲ نخود ۱ تا ۸ تا ۱۵ ۵ م ۲م
اگر خواب نیامد مکرر کنند

5° Calmants dolorifuges somnifères

مسکن دیگر

برمور دو پطاس آب مقطر شربت بهارنارنج هر دو ساعت دو مثقال
۲ گندم تا ۳ نخود ۳۰م ۲م ۴م بدهند تا خواب بیاید

مسکن دندان

بوره عسل لودانیوم دندان که مشکل بیرون میآید با انگشت به لثه بمالند
۲ نخود ۱۰ قطره

مشروب مسکن

سالیسلات دوسود آب مقطر شربت شکر مسکن اوجاع بخصوص
۱۰ تا ۱۵ تا ۲۰ نخود تا ۱م ۲م ۴م اوجاع مفاصلات
هر دو ساعت اگر لازم شود ساعتی دو مثقال بدهند

تمریخ مسکن اوجاع

بمرتوانکبل بموضع وجع بمالند

تمریخ مسکن دیگر

عصارهٔ بلادن عصارهٔ بزر البنج عصارهٔ شوکران کلروفرم کلبرب بنوع
۱۰ نخود ۱۰ تا ۲۰ نخود ۱۰ نخود ۲م ۴م
وجع بمالند

مسکن دیگر

عصارهٔ بلادن عصارهٔ بنج شوکران از هر یک وازلین بموضع وجع بمالند
۲۰ نخود ۴م

مسکن دیگر

روغن دارچینی کلروفرم لودانیوم از هر یک بموضع بمالند
۱۵ نخود

ششم مقویات معده

6° Stimulants de l'estomac

معده دند برحسب تشخیص طبیب آب دیفی و آب آهک وقت غذا نوش شده با
دو سه مثقال بدهند مطبوخ انیسون وقت غذا نوش نباشد بجا نافرات
کلمبو وپپسین هم برای هضم مفیدند

نسخهٔ

انیسون نیم مثقال در یك پیاله آب طبخ کرده با قدری قند بدهند

نسخهٔ برای سوء هضم

آب مطبوخ ریوند بیمون کربنات دو سودا ... مخلوط نموده بدهند

هفتم معید القوی و مقویها و محرکها بدن

7° Médication tonique et reconstituante, stimulante

روغن ماهی ۲۵۰ شراب مالاکا مخلوط نموده روزی سه ناشتا قاشق چای خوری بدهند

نسخهٔ دیگر

ارسنیات دو سود بر حسب سن دو خمس گندم در صد مثقال آب یك گندم در دو مثقال آب مقطر حل کرده قبل از هر غذا یك مثقال بدهند مقوی است

زرق زیر جلدی

محلول قولر آب مقطر سه چهار روز یکمرتبه بیست تا سی قطره از این دوا بیرا و از زرق زیر جلد نمایند

مقوی دیگر

شربت ماء الوردی فو شربت پوست نارنج تلخ ۲۵۰ قبل از نهار و شام یك قاشق چای خوری بدهند

نسخهٔ دیگر

فسفر نیم گندم روغن ماهی ۲۰۰ مخلوط نموده روزی یك مثقال بخورند

نسخهٔ دیگر

لسو فسفیذ ابکا فوری الکل بادر نجبویه زار شربت پوست کنه کنه تنتور مشك
۵ م | ۵ م | ۱ م | ۵ م | ۱۰ نخود

مخلوط نموده هر ساعت یکمثقال بدهند

هشتم مخرجات نفث

8° Expectorants

آب مرفین نیم گندم شربت قند ۲۰ م در هر ساعت یکمثقال به طفل یکساله بدهند و

هر یکساله را که از عمر طفل میگذرد نصف این مقدار دوا را و بیفزایند

نسخهٔ دیگر

کرمس معدنی بر حسب سن طفل لعوق سفید ساعتی یکمثقال بدهند
از یك تا ۲ تا ۵ گندم ۱۰ م

9° Modificateurs de muqueuses

نهم مصلحات اغشیهٔ مخاطیه

Muqueuse gastro-intestinale.

(ا) ادویه دافع ذوسنطاریا (مصلحات غشاء مخاطی معده و روده)

[illegible]

مشروب قابض

سنك جهنم اگندم آب مقطر ۲۰ م شربت شکر ۴ م هر دو ساعت دو مثقال بدهند

نسخهٔ دیگر

سنك جهنم از یك تا ۲ گندم آب مقطر ۲۰۰ م کلمبو ۱۰ نخود شربت شکر ۴ م در ذوسنطاریا هر دو ساعت دو مثقال بخورند

نسخهٔ دیگر

زاج سفید ۳ نخود آب برك زیتون ۱۲ م شربت شکر ۶ م شربت خشخاش ۲ م در
در مرض روده هر ساعت یکمثقال در دو والی سه روز بخورانند

نسخهٔ دیگر

اسید کلور ید ریك ۲ نخود و نیم تا ۵ نخود آب مقطر ۳۰ م لودانم از یك تا ۲ قطره پپسین ۵ نخود هر دو ساعت دو مثقال در سوء هضم و درد بدهند

نسخهٔ دیگر

اسید کلوریدریك از یك تا ۲ قطره در یك پیاله آب سرد در دو مرتبه بعد از هر غذا بدهند

نسخهٔ دیگر

سو بنطرات دو بیسموت قند یک شربت است یک بسته کنند در هر دو ساعت
از ۲ تا ۴ گرم تا ۲ گرم یکی بخورند اگر فایده نکرد تا دوازده شربت
از آن بدهند

نسخهٔ دیگر

تنتور پوست کنه کنه تنتور ریوند تنتور کلمبو افیون از این تنتور
۱ گرم ۱۰ نخود ۱۰ نخود نخود و نیم
سه تا ده قطره بر حسب سن قبل از هر غذا در آب سرد یا شراب پوست کنه کنه
بخند در زلق الامعاء بدهند

حقنهٔ قابض

اسید تنیک (جوهر ترش مازو) آب مقطر دو تا سه مرتبه حقنه نمایند
۵ تا ۸ نخود ۲۰۰ گرم
در ذوسنطاریا و اسهال عفونی استعمال میشود

حقنهٔ دیگر

نفتین ید آب مقطر یدور دو پطاس یک حقنه است در یک روز چهار مرتبه از آن حقنه نمایند
۲ گرم ۳۰۰ گرم ۵ نخود

حقنهٔ دیگر

سنگ جهنم از دو گندم تا یک نخود و نیم بر حسب سن در بیست مثقال آب مقطر
حل کرده یک حقنه است در روزی سه مرتبه از آن حقنه کنند

حقنهٔ دیگر

پرکلرور دو فر گلیسرین خالص آب یک حقنه است در نزف الدم روده
۸ قطره ۲۰ تا ۳۰ گرم ۳۰۰ گرم حقنه نمایند

حقنهٔ دیگر

عصارهٔ راتانیا آب یک حقنه است در نزف الدم روده معمول دارند
نخود تا ۶ نخود و نیم ۳۰۰ گرم

(۲) مصلحات غشاء مخاطی شعب قصبة الریه (ادویهٔ رافع نزله شعب قصبة الریه)

نسخه

استات دامونیاک جلاب صمغی شربت پلی‌گال شعبانیه هر دو ساعت
۵ تا ۷ نخود ۸ تا ۱۰ گرم ۵ تا ۷ قطره یک تا دو مثقال بخورند

نسخهٔ دیگر

الکلاتور خانق الکلب (اکنیت) تنتور بلادن شربت کدئین
شربت تلو عرق بهار نارنج آب لوریه‌سرز
۵ نخود از ... قطره
آب زوفون در دو روم شعب در هر ساعت یکی دو مثقال از آن بخورند

نسخهٔ دیگر

صمغ عربی گلیسرین عصارهٔ تربانتین آب در دو روم شعب مزمن
نشوق کنند با اسباب (پولوزیراسیون) مثل غبار بپاشند بحلق

نسخهٔ دیگر

بنزوات دسود مطبوخ پلیگالا الکل بادر نجبویه شربت تلو در هر
دو ساعت دو مثقال در دو روم شعب بخورانند
(1) Vers intestinaux

نسخهٔ دیگر

اسانس تربانتین جلاب صمغی ساعتی یک مثقال در غانغرایای ریه بدهند
۱۵ قطره

دستهٔ ادویهٔ مخرج کرم

a. Ascarides lombricoides

مخرج اسکارید لمبریکوئید (حبات) کرمهای بلند شبیه بکرم خاکی
کالمل مسحوق شیح قند همه را مخلوط نموده یکمرتبه بخورند دو روز صبح ...
هم در دو روز یکمرتبه بخورند تا کرمها تمام خارج شوند

نسخهٔ دیگر برای دفع حب القرع

b. Taenia

دستهٔ سرخس مذکر آب برفون یکمرتبه بخورند دو ساعت بعد از آن روغن
۱۵ نخود ۲۲ گرم

دانستگی که قطره‌ها و قطره‌چکانها همه ... دو مثقال ... یکقطره گلیسرین ... وزن ... قطره الکل ... در هر ... قطره چکان ... باشد قطره ... باید ملتفت باشند ... قطره چکان ... دوا را یک قطره ... معین نمایند
علی

کرمها میل کنند

ایضاً برای اخراج حب القرع

عصارهٔ پوست انار ابلیمو عرق نعناع عرق زیرفون از هر یک داخل کرده قاشق قاشق بخورند تا کرمها خارج شوند

ایضاً مخرج حب القرع

کوسو قند یک شربت است چهار تا شش از آن بخورند

نسخهٔ دیگر برای کشتن کرمک

C. Oxyures

کلیل وازلین بدور مقعد بمالند

یازدهم ادویهٔ ضد عفونیه

11° Antiseptiques désinfectants

نسخه

نفتالین خالص صمغ عربی کوبیده آب مقطر شربت قند مخلوط کرده هر
۵ نخود ۱م ۳۰م ۴م

دو ساعت سه مثقال بخورند ضد عفونی روده است

نسخهٔ دیگر

بذر قرم شکر سفید یک بسته کنند هر دو ساعت یک بسته بدهند تا ده بسته ضد عفونی امراض روده است

نسخهٔ دیگر

اسید فنیک در چهار مثقال لعاب صمغ اندر ریخته آب برنج اضافه نموده هر دو ساعت یکمثقال بخورند ضد عفونی اسهال است

نسخهٔ دیگر

کلمل شکر پنج بسته کنند ساعت بساعت بدهند ضد عفونی اسهال است

نسخهٔ دیگر

اسید لاکتیک آب مقطر شربت شکر بر حسب سن هر یک تا دو ساعت یک الی دو مثقال بدهند عفونی اسهال تابستانی است

نسخهٔ دیگر

بزوات دو سود آب مقطر شربت قند هر دو ساعت دو مثقال از آن بخورند ضد عفونی روده است

نسخهٔ دیگر

نفتل قند کوبیده ده قسمت کنند هر دو ساعت و نیم یک قسمت از آن بخورند ضد عفونی اسهالات

نسخهٔ دیگر

کرازت صمغ قطران کتیاک آب در یک شیشه ریزند هر ساعتی یکمثقال در اسهال وبائی بدهند

نسخه برای مالیدن بحلق در دیفتری

اسید فنیک کلیسرین مرکب با اسید فنیک کلیسرین از هر یک ۵ نخود ۲م

ایضاً

کلرال هیدراته کلیسرین مرکب با کلرال از هر یک کلیسرین خالص در دیفتری به حلق بمالند

نسخه

ترشی شیر حلاب لعابی هر دو ساعت دو مثقال در اسهال اطفال بدهند

دوازدهم ادویهٔ ضد تشنجیه

12° Antispasmodiques calmants Dolorifuges somnifères

اغلب این ادویه برای کنولسیون اطفال مفیدند

نسخه

کلرو بدرات دو مرفین آب مقطر شربت خطمی دو تا دو الی چهار بار شیر هر دفعه یکمثقال بدهند

نسخهٔ دیگر

شربت اطر عرق زیرفون تنتور مشک تنتور دارچینی از هر یک
هر دو ساعت دو مثقال از ان بخورند

نسخهٔ دیگر

تنتور بزرالبنج تنتور بلادن از هر یک دو گرده قطره پنج قطره صبح پنج قطره
عصر بخورانند

نسخهٔ دیگر

برمور دامونیوم داخل اب مقطر و عرق بهارنارنج کرده در بین نوبه کنوولسیون
(تشنجی) اطفال بدهند

نسخهٔ حقنه

دانهٔ سنبل الطیب نیم کوب با دویست مثقال اب جوشانیده در امراض عصبانی
چهار دفعه حقنه نمایند

حقنهٔ دیگر

تنتور مشک را دو زرده تخم بزنند چهل مثقال آب خبازی داخل کرده
حقنه کنند و بعد و یکه لازم است مکرر کنند

حقنهٔ دیگر

مشک کلرال دو نصف زرده تخم بزنند بیست مثقال اب داخل کرده
بعد از حقنهٔ مسهل در کنوولسیون حقنه نمایند

نسخهٔ دیگر

تنتور بلادن اب مقطر روزی یک الی چهار مثقال در کنوولسیون طفل شیر
خوار بخورانند

نسخهٔ دیگر

ابنتیرین اب مقطر الکل نماید و بازاء هر یک الی چهار مثقال و بطفل

نصف

نصف میلیگرام بخورانند

برمور دو پطاس اب لوریسریزی عرق بهارنارنج در کنوولسیون در چهار
پنج روز بخورانند

برمور دو پطاسیوم کلورال هیدرات اب مقطر روزی دو الی ده مثقال در زیر
شب و کنوولسیون بخورانند

13° Préparations opiacées — سیزدهم ادویهٔ افیونیه

قند در شربت عصاره (صافی) افیون نصف تریاک نما لیدانث

Extrait d'opium, extrait thébaïque — طریق عصاره و تصفیه کردن تریاک

افیون هزار جزء اب مقطر سرد دوازده هزار جزء

تمام تریاک را ورقه ورقه نازک کنند و دو ثلث اب مقطر یعنی هشت هزار
جزء از ان را بر روی ان بریزند گاه گاهی انرا بهم بزنند بعد از بیست و چهار
ساعت انرا چلک کنند و بفشارند و ان علک با پارچهٔ مثل ان بکذارند
و باقی ابرا داخل ان کنند و باز تا دوازده ساعت بعمل را دوباره بکنند
انوقت انرا از کاغذ صاف کنند و در حمام ماریه تبخیر نموده بقوام آورند
دوباره ده قسمت اب سرد داخل انچه مانده نموده بهم بزنند و بکذارند ته
نشین شود بانرا از کاغذ صافی صاف کنند در حمام ماریه بحال انرا
بقوام آورند از صد قسمت تریاک چهل و نه قسمت عصاره باقی میماند اینست
که قند در شربت ان نصف شربت تریاک است مقدار شربت ان در سال اول
تولد سه تا چهار هزار یک گرم در سال دوم پنج هزار یک گرم (نصف خوکنند)
از سه سال تا پنج سال هشت تا دوازده هزار یک گرم از پنج تا هفت سال ده یک خو
کنند ... از هفت تا دوازده سال دو بخش کنند ...

Teinture d'extrait d'opium — نسخهٔ تنتور عصارهٔ افیون

عصارهٔ افیون الکلیه در دیکه عصاره را در الکل خیسانیده تا حل شود آنرا
صاف کنند از خارج تنها استعمال میشود و برای ضماد و مالیدن میشود
و هم ممکن است که در اطفال سه چهار ساله از داخل استعمال شود سه قطره آن
خمس گندم عصاره دارد

نسخهٔ لودانم سیدنهام — Laudanum de sydenham.

تریاک	زعفران	میخک	دارچینی	شراب اسپانیول
۲۰۰ جزء	۱۰۰ جزء	۱۵ جزء	۱۵ جزء	۱۶۰۰ جزء

تریاک را نازک کنند با سایر اجزاء در شراب بخیسانند پانزده روز بماند و گاه گاهی بهم بزنند
و خیلی بقوت چلک کنند و صاف کنند بیست نخود لودانم سیدنهام دارای دو
نخود و نیم تریاک و یک نخود و ربع عصاره است بطفل یکساله یک قطره از یک
تا دو ساله دو قطره تا سه سالگی سه قطره از پنج الی هشت سالگی سه تا شش قطره
این مقدار را هرگز یکدفعه ندهند بلکه او را در بیست مثقال شربت قند داخل
کنند در هر نیم ساعت یک قاشق قهوه خوری بزرگ بدهند همینکه طفل شروع
به پینکی کرد یا حدقهٔ او منقبض شد موقوف کنند هرگز یک قطره لودانم را بطفل
کمتر از یکساله یکدفعه ندهند که اسباب مسمومیت میگردد

شربت خشخاش سفید — Sirop de pavot blanc.

عصارهٔ خشخاش سفید الکلیه در دیکه آب مقطر شکر سفید مخلوط کرده
(۲م ۸م ۱۲۸م)
در آتش ملایم بجوشانند تا بقوام آید دو مثقال از این شربت دارای نیم نخود
عصاره است مقدار شربت آن برای طفل یکساله یک مثقال دو ساله دو مثقال
سه ساله سه مثقال پنج ساله چهار مثقال بهمان قسم که در تریاک مذکور شد ابدا
هیچ وقت خالص بیکمرتبه ندهند که موجب مسمومیت میشود

قطره‌های سیاه انگلیسی — Gouttes noires anglaises

افیون جوهر نمک (کریستالیزه) متبلور آب مقطر زعفران
۱۰۰ جزء ۵۰ جوز بوا فلفل ۵۰ جزء بیست نخود آن ده نخود تریاک و پنج نخود
عصاره دارد از این دوا باطفال اصلاً نباید داد یکقطرهٔ آن مقابل چهار قطره
لودانم سیدنهام است

نسخهٔ شربت افیون — Sirop d'opium

عصارهٔ تریاک آب مقطر شربت شکر چهار مثقال آن چهارصد
یک گرام عصارهٔ تریاک دارد یکمثقال از آن کم (یک خمس گندم عصارهٔ
افیون دارد) بطفل پنج ساله دو مثقال از آن را بطفل ده ساله الی دوازده
ساله بدهند این دوا را همیشه باید بمقدار منقسم تجویز کرد و باطفال
خیلی کوچک نداد

نسخهٔ شربت کارابا — Sirop de Karabé

شربت افیون ۲۳۰م تنتور کهربا ۳ نخود و نیم مقدار شربت آن مثل شربت افیون است

نسخهٔ شربت کدئین — Sirop de codéine

کدئین کوبیده	آب مقطر	شکر سفید	در طفل
۱ نخود	۷م	۱۳م	

دو ساله یک مثقال در هشت ساله سه مثقال یکمثقال آن
خمس گندم کدئین دارا است

شربت کلوریدرات دو مرفین — Sirop de chlorhydrate de morphine.

کلوریدرات دو مرفین	آب مقطر	شربت شکر	چهار مثقال
۱ گندم	۱۰ نخود	۱۹ مثقال و نیم	آن خمس

کنده مرفین دارد این شربت را باید بطفل کمتر از پنج ساله نداد بانزده نخود از این شربت معادل خمس گندم عصارهٔ تریاک است بطفل پنج الی هفت ساله یک مثقال بدهند و در دوازده سالگی دو مثقال همیشه هم بمقدار منقسمه باید داد

حب سینگلس (لسان الکلب) Pilules de cynoglosse

عصارهٔ تریاک	مسحوق بزرالبنج	مسحوق پوست ریشهٔ لسان الکلب
۱۰ جزء	۱۰	۴۰

مسحوق مرمکی	زعفران	جند	مسحوق کندر (لبان)
۱۵ جزء	۴	۴	۱۲

شربت عسل حبهای نیم نخودی کنند هر یک خمس گندم تریاک دارد از اینجا اینکه تریاک زیاد دارد برای مراهقین و تن فتی [?] مناسب تر از اطفال کوچک است مگر اینکه باطفال نصف یا ربع حب بدهند

سفوف دوور یا سفوف ایپکا با تریاک (کدکس) Poudre de Dover ou poudre d'ipéca opiacé.

مسحوق ازتات دپتاس و سولفات دو پتاس از هر یک هشت مثقال مسحوق ایپکا و تریاک خشک کوبیده از هر یک دو مثقال همه را نرم کوبیده مخلوط نمایند ده یک تریاک یا بعبارت یک عصارهٔ تریاک دارد اما پودر دوور سابق که کدکس و شد [?] ان تریاک و عصارهٔ تریاک دارد یک نخود آن را بمقدار

بمقدار منقسمه بطفل چهار ساله بدهند از ترکیبات بسیار خوبست که تنها استعمال میشود یا مخلوط بدوای دیگر میکنند

چهاردهم

ادویهٔ دافع نوبه

(14) Antithermiques, fébrifuges antipériodiques

(۱) گنه گنه مشروب

در یکساله	یک تا دو سالگی	دو تا سه سالگی	سه تا چهار سالگی
۱ تا ۳ گندم	نیم نخود تا نخود	۳ تا ۵ گندم	۴ تا ۶ گندم

چهار تا هفت سالگی	هفت تا ده سالگی	ده تا پانزده سالگی
۶ تا ۸ گندم	۲ نخود تا ۳ نخود	۳ نخود تا ۴ نخود تا ۵ نخود

برحسب موقع به تجویز طبیب یکمرتبه یا بتدریج بدهند

(۲) مالبند گنه گنه

گنه گنه ۵ تا ۸ نخود وازلین ۲ تا ۴ م مخلوط نموده بکف دستها و زیر بغل اطفال خیلی کوچک که از خوردن گنه گنه معذورند بمالند

(۳) تزریق گنه گنه

گنه گنه ۵ نخود ترشی طرطیر ۲ نخود و نیم اب مقطر ۴ م دو یک یا چندین مرتبه برحسب حالت مریض در نوبه‌های غشی تزریق تحت جلدی کنند

(۴) حقنهٔ گنه گنه

گنه گنه [illegible] ضعف عقدا و شربتان ابیکه ترشی باشد لودانم ذر [illegible]

آب ریزد که ... کرده حقنه نمایند و نگه دارند.

(۵) انتی پیرین

انتی پیرین برحسب سن — اب مقطر ۲۰ م — الکل بقدر کفایت مخلوط نموده در طفل شش ماهه تا هشت ساله هر ساعت یک قاشق چایخوری بدهند
اکثر تا م نخود و نیم

(۶) تنتور دروزرا

تنتور دروزرا ۳۰ قطره — جلاب صمغی ۲۰ م مخلوط نموده هر دو ساعت یک قاشق چایخوری بدهند

(۷) برگ یا مسحوق برگ دروزرا

برگ یا مسحوق برگ دروزرا از هر یک حاضر است برگ را در یک پیاله آب طبخ کرده یکدفعه بدهند مسحوق را ۲ گندم داخل شربت کرده با قاشق بتدریج بخورانند

(۸) سالیسیلات دو سود

سالیسیلات دو سود ۱۰ نخود — ده — شربت لیمو ۱۰ نخود روزی چهار دفعه تا شش قاشق چایخوری بدهند

(۹) محلول فولر

محلول فولر ۵ نخود — آب ۲۰ م روزی چند مثقال بخورند هر یک مثقال یک قطره محلول دارد

(۱۰) کنه کنه مرکب با ...

کنه کنه ... نخود — اسپید ارسنیو ... نخود تا ... نخود و نیم — گل قند ۵ نخود سه حب کنند روزی دو الی چهار حب بخورانند

(15) Antisyphilitiques — پانزدهم ادویه ضد کوفتی

کالومل خمیر ... — قند ۱ م مخلوط نموده ده بسته کرده هر ساعت یک بسته بدهند

مرهم زیبقی

روغن خاکستری ۴ م روزی دو دفعه هر دفعه بقدر نخودی گرفته در کوفت

ادویه بزیر بغل و زیر زانو بمالند

شربت دیگر

محلول دانزینین برحسب سن داخل شیر کرده در کوفت ... بطفل ... بعد از دو سالگی یک روز در چهار مرتبه بدهند ۱۰ تا ۳۰ قطره از کم شروع کرده بتدریج زیاد کنند

شربت دیگر

محلول دانزینین ۲۰ قطره — شیر بقدر کفایت در کوفت رنج طفولیت در یک روز چهار مرتبه بخورانند

ایضاً

بکردیطاسیوم — تعفین ید ۵ نخود — شربت جنطیانا ۲۰ م در کوفت طفولیت مرتبه سیم روزی سه قاشق آشخوری بخورند

ایضاً

شربت زیبر برحسب سن از ۸ نخود تا ۱ م — در آب بقدر کفایت پخته در یک روز در کوفت درجه سیم سه مرتبه بدهند و مدتی بآن مداومت نمایند

(16) Coqueluche — شانزدهم ادویه سیاه سرفه و مرضهای تشنج

اغلب ادویه ضد تشنج برای سیاه سرفه اطفال مفید اند

نسخه

برومور دو پطاس ۲ تا ۵ گندم — شربت خشخاش ۱۲ قطره — شربت ابیکا ۵ تا ۱۰ قطره — مطبوخ بلیکالا ۱ م و نیم

نسخه دیگر برای سیاه سرفه

اسید سیانیدریک ۱۰ قطره — شربت کوکنار ۱۲ قطره — عرق بهارنارنج همه مخلوط نموده بتدریج ا قاشق آشخوری بدهند

نسخه

نسخه برای سیاه‌سرفه و امراض تشنجی اطفال

برومور دو پطاس تنتور و امونیاکی سنبل الطیب آب خالص یکدفعه بدهند
۲ تا ۷ گندم ۱۰ قطره ۴۲

(17) Gargarisme et collutoir

هفدهم غرغره اطفال

نسخه

کلرات پطاس تنتور پوست کنه‌کنه شربت شکر آب خالص مخلوط
۱ تا ۲ نخود ۱۵ تا ۲۰ قطره ۲۰ م بقدر کفایت
کرده غرغره کنند

غرغره دیگر

کلرات دو پطاس ماء الشعیر دوا و وامر ساده و فرجه‌های کوچک
۳ نخود ۵۰ م
دهان و حلق غرغره کنند

مضمضه برفک اطفال

بورق گلیسرین آب مقطر
۱ نخود ۴ نخود

نسخه دهن شویه برای برفک طفلی که شیر دایه میخورد

آب آهک آب مقطر روزی چهار پنج مرتبه دهان را با آن بشویند
۲۰ م ۲۰۰ م

هیجدهم

باید کسیکه در خانه‌اش یا چند طفل دارد این دواها را اگر ممکن است
شب بشب لازم شود و دست بدواخانه نرسند در خانه داشته باشد
کلمل لودانم روغن بادام شیرین روغن کرچک اپیکا منیزی
کنه‌کنه پرکلرور دفر شکر زرب مشمع خردل مشمع دیاخیلون
آرد بزرک آرد برنج نشاسته گل بنفشه گل گاوزبان بابونه بخدا

شربت خشخاش ترنجبین برگ نارنج پنبه کرباس حوله نوار
اپیکا دوائیست که غالباً در ابتدای زکام و نزله با وقتیکه قی یا اسهال ندارند با
شروع به تب کرده اند زیاد نافع است که منقوع آنرا بر حسب سن طفل
داخل شربت قند کرده بدهند تا قی بیاورد
کرنبات دو منیزی — وقتی طفل قی میکند و براز او سبز است یا بوی ترش عارض
او است یکقاشق چای خوری بزرگ از آن داخل شربت قند کرده از
صبح تا شام بتدریج بدهند
اتر — هرگاه تشنجی عارض شود شیشه اتر را نزدیک بینی طفل میگیرند
بهوش میاید یا اگر ممکن باشد دو سه قطره آنرا در یک قاشق شربت قند ریخته
باو بخورانند
پرکلرور دفر — سه مساوی آن آب داخل آن کرده فتیله با آن آلوده برای قطع
رعاف به بینی یا اگر خون جراحتی بسته نمیشود با آن بشویند
شکر زرب — یکمثقال آنرا داخل یک سیر بشیر آب کرده دستمالی با آن
تر کرده بموضعی که کوفته شده یا ضربه‌بان وارد آمده یا درد دارد میگذارند
یا اگر ممکن است آن موضع را با این آب فرو میبرند
کلمل — هم مسهل هم ملین هم مخرج کرم و هم مصلح اسهال و دو سه قطره
قد دستر بیان نسبت بدرجه سن از یک گندم تا سه گندم است که در شربت
ساده یا شربت مناسب ریخته بخورانند
لودانم — صافی تریاک است که شراب یا ندکی زعفران دارد و در افعال
مثل تریاک است اما چون مایع است و شراب هم اسباب نفوذ آن میشود سریع
الاثر تر است غرغره و حقنه چنانچه در دافعه‌ها فوقاً مذکور شد استعمال میشود
و هم برای تسکین دردها مینمایند

مشمع خردل — از محمرات قوی است باید با آب تر کرده بموضع وجع و غیره وجع بچسبانند و بر حسب تجویز طبیب در اطفال از پنج تا ده دقیقه و در جوانان تا ربع ساعت نگه دارند و بردارند اگر بیشتر بگذارند زخم میکند و جراحت هم طول میکشد تا ملتئم شود

مشمع دیاخیلون — منافع آن معروف کم کرده برای جراحات و بعض قرحها بچسبانند دهان جراحت را بهم میآورد و داورا زود مندمل میکند

فصل دویم

Règles générales pour le traitement.

در قواعد کلیه که ملاحظه آنها برای علاج اطفال لازم است

در استعلام از حالت طفل که ناتوان است یا مریض است طفل طبیب یا هرکس را که میخواهد تشخیص از حالت او کند می بیند متغیر شده گریه و فریاد میکند حالات طبیعیه او برهم میخورد نبض و نفس او سریع میشود و گریه میشود پس باید تدبیری کرد که بتوان حالت او را با سانی فهمید پس بعض امتحانات که اطباء برای تشخیص مرض اطفال میکنند مثل تسمع (گوش دادن) و قرع موضع و استعلام از حالات باطنه مثل اوورام و غیرها را در اینجا متعرض نمیشویم مطالبی را که مادر و پرستار و دایه که ملاحظه کنند بفهمند که طفل مریض شده زودتر بطبیب اطلاع بدهند که امر علاج بتاخیر نیفتد

بعض حالات است که وقتی که طفل در خواب است بهتر فهمیده میشود مثل گرفتن نبض و شمردن نفس و وضع تمام بدن و هیئت اعضا و حالت جلد مثلا اگر بدن بحالت طبیعی نیست و متصل حرکت میکند و طفل وضع خود را تغییر میدهد و لبها کبود یا پریده رنگ صورت کوچک یا گرفته و مخفف یا زیاد سرخ و حرارت آن بیشتر از حرارت بدن و خشک تر از حالت طبیعی است و بجای اینکه خندان باشد متألم باشد و ناله های حزین کند پرهای بینی او متحرک چشمها که همیشه بسته بود

باز مانده یا اینکه هیچ باز نکند یا نظر او خیره هدف گشاده یا تنگ تر از حالت طبیعی یا احول گشته باشد دور چشم او دائره کبودی ظاهر شده حالت خواب او تغییر کرده از آنچه بود بیشتر یا کمتر شده نبض و نفس قوی و حرکات آنها سریع شده مثلا ضربات نبض که صد و بیست بود به صد و سی و پنج و به صد و چهل رسیده دفعات نفس او هم زیاده شده معلوم میشود که حالت مرضی ظاهر شده

بعض حالات دیگر است که در بیداری بهتر واشکار معلوم میشود مثلا اگر بجای اینکه متبسم و خوش خلق و خندان باشد عبوس و غضبناک و بدخلق و صورت او متحیر باشد یا عبوس گشته و خسته صدا بجای اینکه صاف و بلند و جلی باشد با غنه یا گرفته یا ضعیف شده باشد یا وضع مفاصل او تغییر کرده سرخ یا منخلع گشته بزرگتر یا کوچکتر از حالت طبیعی شده باشد یا حالت براز او تفاوت کرده از روزی دو سه مرتبه بیشتر یا کمتر شده دقیق تر یا غلیظ تر یا رنگ آن که زرد بود سبز یا برنگ دیگر شده باشد یا زبان او خشک و سرخ و حرارت آن زیاد باده سفید کلفتی در روی آن ظاهر یا نرم یا سفید یا زود شده یا دستها را بطرف سر میبرد و حالت ابروی او تغییر کرده آنچه در دست او است میخواهد بردارد یا پاها را بطرف شکم جمع کرده تلاش و اضطراب دارد یا دهن را باز کرده انگشتها را بدهن میبرد و علامت این است که از گلو شکایت دارد یا پیش از آنکه شکم او عمل کند گریه میکند یا صدای گریه او تغییر کرده خشن شده نفس مضطرب و منقطع در وسط است معلوم میشود مرضی عارض او گشته است پس باید برای مزید بصیرت خوانندگان این علامات بتفصیل بیان کنیم

اول نبض نوزاد — اگر مادر و دایه هشیار باشد و قدری تأمل کند میتواند حالت نبض طفل را بداند که نبض را بشمارد و برای این مقصود ساعتی که ثانیه داشته باشد لازم است که تمام یک دقیقه یا نصف یا ربع دقیقه را بشمارد

استعلام از حالت نبض نوزاد

اکر ربع دقیقه سی قرعه شد معلوم میشود در دقیقه صد و بیست قرعه میزند یا اکر نصف دقیقه شصت قرعه میزند باز معلوم میشود در دقیقه یکصد و بیست است همینکه با این عمل آموخته شد عادت کرده میتواند همیشه مواظبت باید اکر تغییری پیدا کند ملتفت باشد بطبیب عرضه نماید کلیة نبض در زمان تولد کمال سرعت را دارد و بتدریج از سرعت آن کم میشود در حالت صحت نبض نوزاد از زمان تولد تا دو ماه میان یکصد و پنجاه و یکصد و ده قرعه میزند حد وسط آن را در دقیقه صد و چهل قرعه کرفته اند در ماه ششم یکصد و بیست و هشت در ماه دوازده یکصد و بیست و در آخر سال دوم یکصد و ده میرسد اما اکر طفل کریه شدید کند یا هیجانی عارض او کردد نبض او سریعتر میشود و در بین خواب نبض او اندکی بطئ میشود کاهی نبض در سنها احساس نمیشود باید از دکتر یا صدعین استعلام از حالت نبض نمود در هفت سالکی نبض دخترها سریع و متواتر از نبض پسرها میشود اکر نبض که سریع بود خیلی بطئ شود منذر بر یکی از امراض دماغیه است

از این جدول معدل عادی قرعات نبض در هر سن معلوم میشود

جدول نبض معدل

در حین ولادت	از ۱۳۰	الی ۱۴۰
در یک سالکی	از ۱۱۵	الی ۱۳۰
در دو سالکی	از ۱۰۰	الی ۱۱۵
در سه سالکی	از ۹۰	الی ۱۰۰
در هفت سالکی	از ۸۵	الی ۹۰
در چهارده سالکی	از ۸۰	الی ۸۵

از این جدول اختلاف نبض اطفال در سنهای مختلفه از اثر میشود

سن	منتهای حد اعظم نبض	منتهای حد اصغر نبض	حد متوسط	اطبای مخبرین
در حین ولادت	۹۴	۷۲	۸۳	لدیبرد
چهار دقیقه بعد از ولادت	۲۰۸	۱۴۰	۱۶۰	لدیبرد
روز اول	۱۵۶	۹۶	۱۲۶	زاکمبر
	۱۶۰	۱۰۰	۱۳۲	کورهما
از ساعت چهارم تا ساعت بیستم	۱۱۲	۸۸	۱۰۱	کارز
از روز اول تا روز هشتم	۱۶۰	۹۶	۱۲۸	کورهما
" "	۱۴۰	۷۶	۱۰۶	کارز
تا روز دهم	۱۸۰	۸۰	۰۰۰	بی یارد
تا روز پانزدهم	۱۲۴	۱۰۴	۱۱۲	کارز
از روز چهارم تا روز بیست و یکم	۱۰۴	۷۶	۸۷	والکنی
از روز پانزدهم تا یکماه تمام	۱۶۴	۱۲۰	۱۳۷	تروسو
	۱۴۰	۱۲۰	۱۱۲	کارز
از یکماه تا دو ماه	۱۵۰	۶۰		بی یارد
	۱۵۸	۹۶	۱۳۶	تروسو
از دو ماه تا سه ماه	۱۱۰	۷۰	۰	بی یارد
تا شش ماه	۱۶۲	۱۰۰	۱۲۸	تروسو
از شش ماه تا یکسالکی	۱۴۰	۱۵۶	۱۱۲	تروسو
از پنجماه تا دو سالکی	۱۵۸	۱۰۰	۱۳۰	کورهما
از هفته تا سی و یکماه	۱۴۰	۱۰۶	۱۲۲	والکی
از یکسال تا بیست و یکماه	۱۴۰	۹۶	۱۲۰	تروسو
از سال الی پنج سالکی	۱۱۰	۷۲	۹۸	ژیلیت و بارتز
از شش الی ده سالکی	۱۰۴	۶۴	۸۴	ژیلیت و بارتز
از یازده تا پانزده سالکی	۸۰	۶۰	۷۰	ژیلیت و بارتز

دویم تنفس نوزاد — در اول تولد در دقیقه از سی الی سی و پنج مرتبه تنفس میکند و هر چه سن او زیاد میشود عدد تنفس او کم میشود از یکساله تا سه سالگی عدد تنفس در دقیقه ۲۴ تا ۲۶ است و این تنفس اول حجاب حاجز است که در نفس کشیدن تا پایین شکم موضع حجاب حاجز حرکت میکند بعد از چندی که نفس داخل ریوی میشود سینه حرکت میکند آنوقت تنفس ریوی است

از این جدول عدد تنفس اطفال معلوم میشود

	خواب	بیداری
از دو الی شش سالگی در هر دقیقه	۱۸	۲۴
از شش الی دوازده سالگی	۱۸	۲۳
از دوازده الی پانزده سالگی	۱۸	۲۰

سیم درجه حرارت بدن نوزاد — بیست و چهار ساعت بعد از تولد حرارت متوسط بدن نوزاد تقریبا سی و هشت درجه سانتیگراد است و بعد از بیست و هشت ساعت بسی و هفت درجه و هفت عشر درجه میرسد قدری که میگذرد باز کم میشود از سی و هفت درجه پایین تر نمیآید مگر اینکه مرض یا عارضه دیگر سبب آن شود اما اگر بیشتر از ۳۷/۸ و کمتر از ۳۶/۴ برسد دلیل بر حلول امراض است بعضی در تشخیص تب درجه حرارت را مهمتر از سرعت و عظم نبض میدانند و بآن تشخیص هنگامهای مرض را میکنند پس بهتر و زیبا است که همیشه ملاحظه حرارت بدن را بکنند که عادت کنند اگر کم یا زیاد میشود بطبیب عرضه دارند لرز و قشعریره در اطفال صغیر دیده نشده بجای آن تشنج و کبودی عارض آنها میشود

چهارم مدفوعات نوزاد — تمام شیر که میخورد جزء بدن نمیشود بعضی از راه امعا و بعضی بطریق بول و عرق و غیرها دفع میشود اگر آنها

باندازه و صفاتی که مذکور میشود باشند علامت صحت مزاج و خوبی حال است و هر یک از آنها را جدا جدا بیان میکنیم

(۱) براز نوزاد — اول مدفوع آن سیاه مایل بسبز چسبنده و غلیظ و زیاد است که آنرا بعربی عقی و بفارسی ماموزنا مند که بعد از خوردن اول شیر که آنرا آغز میگویند دفع میشود اگر طفل را دایه شیر میدهد این آغز را ندارد باید چنانچه در دستورات مذکور نمودیم ملینی استعمال کند تا آن ماده خارج شود دو سه روز طول میکشد که عقی بکلی خارج شود وقتی حالت آغزی از شیر سلب شد رنگ براز هم تغییر کرده زرد طلائی میشود که گاهی دانهای سفید در آن موجود است و گاهی نیست هرگاه این نقاط سفید دوام پیدا کنند و موقوف نشوند علامت انحراف مزاج طفل است گاهی در براز شیر منجمد شده دیده میشود که علامت هضم نشدن شیر و سنگینی آنست مادامیکه طفل شیر میخورد باید روزی سه الی چهار مرتبه اطلاق شود و وقتی که او را از شیر گرفتند روزی یک الی دو مرتبه میرود و باید مدفوع نه خیلی صلب و سخت و نه خیلی نرم و رقیق نه خیلی کم و نه زیاد باشد حد وسط آنرا مادر بداند که اگر کم و زیاد شود ملتفت باشد بطبیب اظهار کند اگر براز سبز شود دلیل هضم نشدن شیر و فساد آن در معده است گاهی در شیر کره پیدا میشود از بدی شیر است باید شیر را اصلاح کند

اغزغ. (۲) بول نوزاد — وقتی شیر مادر میخورد بول آن چهار الی پنج مثقال است اما وقتی شیر او زیاد شد و خوب تغذیه کرد کم کم بول او زیاد شده مقدار آن به پنج سیر میرسد بول صحیح اطفال گاهی بیرنگ گاهی زرد و شفاف و صاف و بدون رایحه است اما قدری که در خارج میماند رایحه مخصوصی پیدا میکند وقتی مریض میشود هم در کمیت و هم در کیفیت آن تغییر پیدا میشود ممکن است خیلی زیاد شود

اما اغلب کم و سرخ و تیره رنگ و غلیظ میشود زا بعد از ان نیز تغییر میکند
بوی مخصوصی ندارد .

(۳) عرق نوزاد — در اول ولادت کمتر عرق میکنند بشره زیاد سرخ شده تا چهار پنج روز بهمین قسم میماند بعد سرخی رفع میشود در اخر هفته اول جلد نوزاد سرخ برنگ مس میشود که عنقریب این رنگ هم زایل شده رنگ اتنرخ و سفید میشود که دیگر همیشه باین حالت میماند پس از ان چندی که گذشت بدنشان عرق میکند اما گاهی هم عرق بواسطهٔ زیادتی پوشش و زیادتی لباس یا از بابت گرمی هوا است گاهی هم از شدت گریه و غیظ عرق میکنند و چون عرق زیاد موجب ضعف انها میشود اگر از گرمی هوا و لباس است لباس انها را کم کرده انها را بموضع خنکی ببرند اگر سبب دیگر دارد در رفع ان سبب را بکنند کلیه اطفال صغار کم عرق میکنند هر گاه ملاحظه شود که زیاد عرق میکنند باید سببی داشته باشد برفع سبب ان بکوشند پس باید مادر یا دایه همیشه ملتفت مدفوعات طفل باشند اگر کمتر از شیری که میخورد دو مزاج و حالت طفل خوب است معلوم میشود شیر را خوب هضم میکند و اسباب نمو میشود و اگر بقدر شیری که میخورد یا بیشتر است معلوم میشود شیر را خوب هضم نمیکند و جذب به بدن نمیشود و مثل اینکه در حالت مرضی است پس در اینحالت بطبیب اطلاع بدهند بهترین تدبیر برای دانستن اینحالات این است که چنانچه مذکور نمودیم طفل را با ترازو بکشند

(۴) قی نوزاد — علامت سوء هضم شیر و ضعف معدهٔ طفل است اول باید دایه شیر او را کم کند تا رفع قی بشود و بعد از ان اندازه معینی برای شیر دادن قرار بدهد که خوب هضم شود اما در غذاهای ثقیل که شیر را سنگین میکنند بخورد منبع یا جوش شیرین (بی‌کربنات دسود) اب آهک بدهند [illegible]

اگر بسبب ضعف و بدی مزاج دایه و مادر است و دایه قوتی ندارد اگر ممکن نمیشود چنانچه مذکور نمودیم شیر الاغ و بز و سایر حیوانات را بخورانند اما اگر قی شدید بشود و باین تدابیر رفع نشود بطبیب رجوع نمایند

(۵) اسهال نوزاد — اگر با وجود اینکه فوق العاده رنگ براز سبز نشده باشد بوی بد دفع نمیشود شیر را کم کنند و بهمان قسم که در قی مذکور داشتیم معمول دارند اما اگر مدفوع شیر بریده یا است بطبیب رجوع نمایند

پنجم سرفهٔ نوزاد — در حالتی که صدا است گرفته و تنگی نفس طبیعی است اما اگر گرفته و صدا اخروسی از ان مسموع گردد دلیل مرضی در حنجره یا اختناق بخصوص اگر طفل متصل دست را بطرف حلق و حنجره خود میبرد و نفس تنگی میکند و حالت و کلیه کسل است انوقت باید بطبیب اظهار نمایند

ششم گریه و فریاد نوزاد — گریه شدید علامت درد یا ورم یا فرو رفتن سوزن و سنجاق به بدن و امثال انست باید تفحص کرد اول تمام بدن او نظر کنند اگر سرخی یا ورم یا جراحتی مشاهده کردند بعلاج ان بکوشند اگر از نظر کردن چیزی معلوم نشد دست بشکم و گوش و سایر اعضا او بگذارند و بفشارند اگر گریه کرد معلوم میشود علت در ان موضع است اگر سبب گریه گرسنگی باشد سر خود را میجنباند و دهان را باز میکند و حرکتی میکند مثل اینکه پستان میخواهد بگیرد گاهی انگشت را بدهان میبرد و میمکد گاهی تغییر صدا اگر به سبب تشخیص بعض امراض میشود چنانچه در ذات الریه و ورم شعب شعریه صوت گریه گرفته است که طبیبان بیرون که صدای گریه طفل را میشنود حکم میکند که مبتلا بذات الریه و ورم شعب است در دیفتری صدای گریه خشن و ضعیف و نفس اول ان ... در ورم حجب و بعض امراض دماغیه نالهٔ و صدا فریاد طولانی که مدتی طول میکشد علامت درد گوش است گریه که قبل از عمل

کردن شکم و با مغص است علامت مرضی در امعاء است

هفتم حالت زبان نوزاد — اگر زبان سفید است و تاره سفید دارد دلیل بر سوء هضم و تخریبات امعاء است اگر خشک و سرخ و گرم باشد علامت تب و دهان شدید است اگر قلاع در روی آن ظاهر شود علامت بدی شیر و بدی غذای دایه است اگر پریده رنگ و نرم است و اثر فرو رفتن دندان در آن است دلیل بر ضعف مزاج است اگر زرد است دلیل مرضی جگر و معده است در مطبقه و حصبه و سایر امراض حاده تغییراتی دارد که در ضمن آن امراض مذکور میشود

هشتم حرکت دستهای نوزاد — در امراض دماغیه دیده شده که طفل دستها را بطرف سر میبرد و میخواهد آنچه در سر او است بردارد و متصل سر را در زیر بالش میغلطاند و دست هوا را بر میکند در امراض بطن پاها را بروی شکم جمع میکند و صورتش اثر خستگی و اضطراب مرتب میگردد در ضیق النفس انگشتها را بدهان برده بخصوص وقتیکه اغشیه کاذبه راه حنجره را گرفته باشند

نهم حالت وضع بدن نوزاد — وقتی راست و بی حرکت میماند دلیل بر عسر النفس است و توبرکولی شدن حجب دماغ بپهلو میخوابد پاها را جمع میکند و دستها را جمع میکند و بروی سینه میگذارد

دهم حالت صورت و جبینها و خطوط آن — این تغییر در امراض غشیه بیشتر ملاحظه میشود بخصوص در طرف بالای صورت که کاهی ابروها را هم بالا کشیده میشوند پیشانی تنگ میشود چشمها بی حرکت و خیره یا اختلاج در پلکها ظاهر میشود در امراض قلبیه و ریه قسمت سطحی صورت تغییر میکند بینی نازک و سوراخهای آن گشاده و پره های آن متحرک در اطراف دهان رنگ بنفشی ظاهر در دور چشمها حلقه کبودی نمایان میشود در امراض بطن طرف

نا...

پایین صورت تغییر کرده رنگ آن پریده و با خنده چین چین میشود رنگ لبها تیره و از لب و دهان حالت غم و افسردگی مشهود میگردد

یازدهم حالت چشمهای نوزاد — در امراض صعبه تغییر کلی میکند مثلا حول از علامات ردیه است که از عمل انعکاس با کنولسیون عارض میشود وقتی کنولسیونها موقوف شدند ممکن است باز حول باقی باشد اما اغلب رفع میشود در ورم توبرکولی حجب از علامات ردیه تنگی حدقه کثرانا اتساع است از سموم تب زرنیخ و میل خون بدماغ عارض میشود در اتساع حدقه وقتیکه در نور چشم بیاندازه ممتنع شده باشد خطری ندارد مگر وقتی باشد که از نور متاثر نشده تنگ نشود اما اگر در مرض حادی بیاندازه ممتنع نشده باشد از علامات ردیه است هرگاه امعاء از تخریبات و تمزیق گرها مبتلا شوند تسکین حدقه غیر منظم میشود

دوازدهم حالت خواب نوزاد — بهتر است طفل را از اول شب در جای تاریک بخوابانند که صبح زود بیدار شود که برای صبح نا ممکن است برای دادن شیر او را از خواب بیدار نکنند مگر آنکه مدت زیادی از وقت شیر بگذرد اگر در خواب با حالت راحت حرکت نمیکند و نفس او بحالت طبیعی است از خواب نمی جهد و صدا نمیکند و دندان را بهم نمی ساید خواب او طبیعی است علتی ندارد اما اگر خواب نمی برد و هر لحظه بیدار میشود گریه میکند خوابش نمی برد معلوم میشود سببی دارد باید سبب آنرا کرا ذکیل یا پشه یا جانور دیگر یا خارش سوزش بیدار و خفته باید او چرک شده یا رخت خواب و تر شده است یا خارشی و خراشی او را عارض است یا بیوست شده یک عارضه شده است باید برفع اسباب کوشید اگر نتوانسته

رفع

رفع شبه کنند بطبیب رجوع نمایند

سیزدهم وزن نوزاد — معلوم کرده‌اند که در روز اول که طفل تازه متولد شده قریب بیست مثقال از وزن او کم میشود و این نقصان بواسطه موادیست که مادامیکه در رحم بود مثل بول و ماموز دفع نمیشد بعد از تولد دفع میشود و از روز سیم تا روز هفتم و هشتم باز بوزن روز تولد میرسد و از آن ببعد چنانچه در جدول صفحه چهل و یک ذکر کرده‌ایم وزن او زیاد میشود

چهاردهم رفتار مادرها با اطفال مریض — نباید مادرها اطفال را معالجه کنند اما هر وقت طفل جزئی کسالتی پیدا کند باید فی الفور طبیب بیاورند قدری با او مدارا کنند اگر دو سه روز بگذرد و او بخوبی نرود از طبیب استعلاج نمایند اما اگر مادر طفل جوان باشد و در خانه از زنان کامل زنهای تجربه کرده نباشد فی الفور بطبیب رجوع کنند چه مادر جوان نمیتواند بفهمد که طفل مریض است

پانزدهم پرستاری طفل مریض — تکلیف مادر و پرستار همه مراقبت حالت طفل است بخصوص وقتیکه مریض باشد اصل در این پرستاری ملاحظهٔ نظافت و پاکیزگی است که اطاق و گاهواره و جامهٔ خواب و لباس او را پاک نگه دارند هوائی که استنشاق میکنند پاک و خالص باشد و این هوا هم ایستاده نباشد داخل و خارج بشود اگر درها بسته است او را تجدید کنند روایح عطره و عفنه در اطاق نباشد اگر هوا گرم است پنجره‌ها را نبندند و اگر سرد است ببندند و آتش کنند طفل را در موضعی از اطاق که در دو او بر روی هم باز است هوا جریان میکند (کوران دور) نگذارند بمحض اینکه جزئی کسالتی پیدا میکند شیر او را قطع نکنند مگر اینکه مانعی

داشته باشد اگر تازه او را از شیر گرفته‌اند دوباره شیر بدهد اگر مرض او شدید است او را بیرون نبرند اما اگر مرض خفیف باشد با طبیب استشاره هوا و بردن بخارج را لازم بدانند بگردش ببرند و از سرما و گرمای مفرط حفظ کنند

باب دویم

در امراض اطفال و در آن هشت فصل است

incipales maladies des enfants

ما جمیع امراض را در این کتاب ذکر نمیکنیم فقط امراضی را که مخصوص اطفال است برای مبتدیان مینمائیم تا مادرها و دایه‌ها از آن منتفع شوند

فصل اول امراض مسریه و غیر مسریه

Règles générales de conduite.

اول در قواعد کلیه — اگر قبل از اینکه طفل مریض شود با کمال دقت مراعات قوانین حفظ صحتی او را نموده باشند مرض او زودتر علاج میشود بیشتر اطفال که در کوچکی تلف میشوند از این جهت است که آنها را در آن سن چنانکه باید معالجه نمیکنند پس بهتر این است دستورالعملی برای مادرهای جوان آنها بیان کنیم که از روی آن رفتار نمایند مادرها باید برای اینکه تا خودشان بخوابند طفل را معتاد بتریاک و شربت خشخاش نمایند که چنانچه سابق مذکور شد برای طفل ضرر کلی دارد بعض تدابیر نالایق که آنها را معالجهٔ زنانه میگویند که اغلب حالت طفل را بهم میزند نکنند و نه از کسی دیگر قبول کنند باید وقتی طفل مریض شد طبیب بیاورند هر چه تجویز کرد عمل کنند و غیر آن نکنند دوستان و خویشان که میآیند دلسوزانه بعض معالجات دیگر میکنند مادر هم مشوش و پریشان است از راه اضطرار که طفلش زودتر علاج شود قبول میکند و هر چه گفتند میدهد و همین اسباب هلاکت طفل میشود

وقتی طفلی مریض شد باید فورا او را باطاق خوش هوای [illegible]

در قواعد کلیه که در امراض باید ملحوظ شود

ببرند که صدای برادر و خواهر و هم بازیهای خود را نشنود که بخواهد برخیزد
با آنها بازی کند و در آن اطاق جمعیت نشود که هم هوای آنجا نامناسب بد
میشود و هم طفل ناراحت میماند و هم گوش او بصحبتهای آنها مشغول شده
اسباب طولانی شدن یا جلب تب گشته یا اسباب بیخوابی یا هذیان گوئی او میگردد
نگذارند کسی داخل اطاق مریض شود بدون استثناء همه را خارج کنند که اول
ضرر آن دیدن بی فایده و هم چنانچه ذکر شد اسباب بدی هوای اطاق و آفت
مریض است باید زیاد جهد کنند که هوای اطاق ملایم باشد اطاق را زیاد
گرم نکنند و پردها کلفت بدور رختخواب و نباید بزنند پوشش دیگر او زیاد
نکنند و رخت زیاد باو نپوشانند بیشتر غذا اسباب مرض طفل گشته موجب
میشود پس اگر چه زیاد ضعیف هم باشند باید غذای آنها کم و سبک و ملایم
باشد بجهت اینکه غذای قوی ضعف مریض را بیشتر کرده تب را شدید مینماید
علاج آن مشکل تر میشود اغلب سبب تلف اطفال این است که مرض آنها از
اول خیلی خفیف بروز میکند میگویند مرض خود بخود دفع میشود در پی طبیب
نمیآورند یا خودشان بعض دواهای خانواده مید هند که مضرات و خیال
اینکه اغلب امراض اطفال بطور خادعی عارض میشود که بنظر ابتدا خفیف
مینماید و حال اینکه بسیار شدید است طبیب میداند که باید از اول با کمال
جهد بعلاج آن کوشید پدر و مادر نباید طفل را از طبیب بترسانند بلکه
باید تحبیب کنند که وقتی برای معالجه نزد طفل میاید مضطرب نشود و گریه
نکند که نبض او تغییر کند و تمام حالات بدن او برهم بخورد که دیگر طبیب
نتواند از نبض و سایر علامات مرض او را مشخص کند بلکه باید طفل را آرام
مطمئن کنند که طبیب علاج صواب بکند طبیب هم یکمرتبه بطرف طفل نرود
و بروی او نگاه نکند و چیزی نگوید یا کاری نکند که او را خوش نیاید چنانچه بعد

در امراض خنازیری

که خیرخواه و دوست او است چنانچه اطبای مریضخانه اطفال در جیب خود پول
و شیرینی و غیره میگذارند بطفل مید هند مشغول میشود آنوقت تفحص از حال
او میکنند
بسیار کم است که حالت طبیب و پدر و مادر موافقت بکند غالبا بتجویز طبیب
درست عمل نمیکنند یا اطمینان کامل باو ندارند این است که طبیب عاجز میماند
چنانچه در امراض ارثیه (کوفت سل و خنازیر) که طبیب میداند پدر
و مادر مبتلا باینها بودند اگر از اول تدبیری بکار نبرند و زود علاج نکنند
محکم میشوند و اسباب هلاکت طفل میشود و اگر واضح بگوید آنها را خوش
نمیاید پس باید پدر و مادر در علاج را بطبیب واگذارند و او را مسئول بدانند
که هر تدبیری باید کرد از اول بکند طفل که متولد شد و گمان مرض ارثی در او
هست اگر چه سالم و فربه و ظواهر صحت را داشته باشد باید طبیب و پدر و مادر
تمام تدابیری که برای امراض ارثی باید کرد بکنند و نگویند طفل ما سالم است
چرا پرهیز بکند یا دوا بخورد باید زمان طولانی مشغول این تدابیر شوند تا مطمئن
شوند بجهت اینکه چنین تخمی که در بدن کاشته شده دو روز و بیست روز بیخ آن کنده
نمیشود و تمام ملاحظات حفظ صحتی را از بابت غذا و هوا و آفتاب و ریاضت
انتخاب ملکی که مناسب باشد برای سکنای طفل نماید چه اثر طولانی آنها اغلب
مفید است و میتواند بر ضد خنازیر و استعداد با بتلای سل و امراض صعبه که کوفت
سبب آنها میشود و امثال آنها مقاومت نماید در هر حال باید پدر و مادر [illegible]
دستور العمل طبیب عمل نمایند

Constitution et maladies scrofuleuses.

دویم در مزاج و امراض خنازیری صراحة — برای طبیب و پرستاران
مریض هیچ چیز مهمتر از علاج آنها نیست باید در کمال جهد از اول طفولیت
بوضع آنها بکوشند بجهت اینکه بادشا یع و بسیار سخت و صعب العلاج اند

مزاج خنازیری اطلاق میشود بحالت مزاجی که متصف میشود بسوء مزاج
تمام اخلاط و سوء ترکیب تمام نسوج بدن علامات ظاهره که بآنها میتوان این
مزاج را شناخت از این قرارند جلد بدن نازک و براق و شفاف کلیتاً باریک
رنگ صورت منتفخ لبها کلفت بخصوص لب بالائی بدن بزرگ و بزرگ نما است
اغلب چشمشان کبود موی سر خرمائی کم رنگ میشود لیکن این دو علامت ثابت
و دائم نیستند و چندان اهمیتی ندارند در جلد سر و صورت غالباً با دنی تحریک
جوشهای جلدی ظاهر میشود چشم و گوش غالباً سرخ و همیشه مایعی از آنها
جاری است اطفالیکه دارای این مزاجند اغلب مستعد امراض بسیاری هستند
که بواسطه صفات مخصوصی که دارند آنها را امراض خنازیریه نامند که عمده آنها
(بزرگ شدن توبرکولها) (درن) است که موجب بزرگی و صلابت بطن میشود
و بزرگ شدن غدهای عنق و اقسام رمدها و تورم سفید مفاصل و فساد عظام
و سل ریه و ورم روده و ورم حجب توبرکولی و غیرها باشند
مزاج خنازیری گاهی ارثی است اگر مادر خنازیری است باید دایه قویه صحیح
المزاجی برای او انتخاب کنند که شیر او را بخورد اما غالباً از بدی تدابیر
حفظ صحتی که در آنها طفل متولد و بزرگ میشود حاصل میگردد بخصوص
وقتیکه تدابیر غذا شیر آن نیز خوب نباشد و در خانهای تحتانی سرد و رطوبتی
که هوا کم داخل میشود و تاریک است و جمعیت زیاد دارد مسکن داشته باشند
هر گاه اسباب بزرگ حفظ صحت است در این مرض اثر کلی دارد میتوان از خود
تبدیلهای اسباب معاش و مانع از عوارض که غالباً از این مرض عارض
میشود گردد
بالجمله پس از اینکه مراعات شروط حفظ صحتی را چنانکه مذکور شد کاملاً کردند
بعضی دواها هستند که در این مرض اثر کلی دارند و آنها ید و یدور و روغن ماهی

و عصاره برگ گردو و امثال اینها که میتوان نتیجه نیکی از آنها حاصل نمود
در این امراض هر گاه برای خانواده ممکن باشد چنانکه مذکور شد بهترین
تدابیر تغییر مملکت و تغییر هواست هر گاه این ممکن نمیشود طفل را در آفتاب
راه ببرند و بگردانند و بر روی ریگ و علفهای معطره بگذارند و جهد کنند که
زیاد بخود در آفتاب بسر او نتابد و او را زود بمکتب نگذارند و مدت مدیدی
در هوای بد مدرسه ها زندگانی نکند و از این شربت باو بدهند

شربت پوست کنه کنه یدوره

شربت پوست کنه کنه	یدور دو پطاس	باطفال کمتر از دو سال روزی بین
۵ مثقال	۱۵ نخود	غذاها نصف قاشق شوربخوری بدهند

که نیم نخود یدور دو پطاس خورده بود و اطفال بالاتر از دو سال بقدری بدهند
که یک نخود الی یک نخود و نیم تا دو نخود یدور داشته باشد

روغن برای مالیدن بر غدهای عنق که در این مرض بزرگ میشوند

یدور دو پطاس	عصاره شوکران	عصاره بلادن	پیه مخلوط بکز
۳۰ نخود	۱۵ نخود	۱۵ نخود	۵ مثقال

Rahitisme **رسیتیسم** و دراشتیسم (داء الکساح نرمی عظام) مرضی است
که بکلی مغایر با خنازیر است و منتفع میشود بنرمی و سوء شکل استخوانهای اطراف
و استخوانهای ستون فقرات ممکن است که مزاج را بکلی فاسد کند و بسیار کم است
که بعد از سن بلوغ عارض شود پس از امراض مخصوصه بزمان طفولیت است
از اسبابی حاصل میشود که میتوان آنها را رفع کرد و پیش بینی از حصول آنها نمود
و اگر بوقت معالجه شد اثر بدی از آن نمیماند و بکلی علاج میشود همیشه در
هنگام رستن اول تا رستن دوم بروز میکند اما گاهی در سال اول تا سال

ستم است که ظاهر میشود تمام اسبابیکه اسباب ضعف مزاج میشود طفل را مستعد
باز میکنند سوء تدابیر غذائیه و غذاهای غیر موافقه سبب حصول آن میگردند
بخصوص خوردن غذاهای حیوانی در وقتیکه خیلی کوچک اند و هم اطفالیکه شیر
نداده‌اند و زود با آنها غذاهای عمومی میدهند مستعد ابتلای این مرض میشوند
اسبابیرا که برای بروز خنازیر ذکر کردیم و سکنای در اطاقهای تحتانیه که سرد و مرطوب
باشند و امثال آنها نیز جالب این مرض اند بخصوص اگر در روز هم طفل را با آفتاب
و اماکن وسیعه نبرند

از بابت اینکه این مرض بطور نا تی(?) و خفا در بین بعض امراض دیگر ظاهر میشود
با کم و تدریج عارض اطفال سالی که حفظ صحت خوب نمیکنند میگردند
ابتدا آن معلوم نمیشود بر وقتی متخص میشود که زیاد پیش رفته و مستحکم شده است
باید کسان مریض برای اینکه پیش بینی از بروز مرض کنند رفتار را بطبق(?)
نمایند شروطی را که ذکر میکنیم معمول دارند

در وقتیکه طفل خیلی کوچک است باید او را (بطور افقی) یعنی دراز خوابانید
وقتی که بعد هم کاهی او را براست و چپ بگردانند عادت اینکه او را مدتی بر روی صندلی
بزرگ بگذارند یا در کالسکه‌های کوچک گذارده بگردانند بد است بهتر از آن
این است چنانکه ذکر شد او را بطور افقی بر روی دست بگیرند یا بخوابانند و تمام
که برای او ذکر کردیم معمول دارند تعدد(?) در ریاضت و حرکتها را بکلی آزاد بگذارند
ولی بقدریکه باشد که خسته نشود که ضعیف شود و بوضعی او را مجبور نکنند که اعمال
بدنی وسیم(?) بخورد در ریاضت اطفال بخصوص بخصوص در آنها که خوف این
مرض باشد باید تمام اعضا با هم بطور تساوی حرکت کنند که این خیلی برای نمو
آنها مفید است هیچ چیز برای او بدتر از این نیست که پی در پی یک عضو را حرکت
بدهند چنانچه بچه در کارخانه‌ها و یتیم خانه‌ها که با یک عضو کار میکنند این مرض بیشتر است

جمعی برآنند که اطفالیکه عادت میکنند همیشه بی حرکت و بیکار میمانند خوب نمو
نمیکنند لذا بسیار مضر است که اول اطفال را بر روی پاها که دارند زور زیاد بدهند بخصوص
وقتیکه آنها را زیاد حرکت دهند که عضلات آنها را خسته کنند اینست که باید اطفال
خیلی کوچک را در بین روز بخوابانند و آنهائیکه قد کشیدنشان بیشتر است شب زودتر
بخوابانند بعد اگر طولانی از اسباب قویه این مرض است باید رختخواب آنها قسمی باشد
که سر آنها بلندتر از پای آنها نباشد که نصف فوقانی بدن بروی نصف تحتانی فشار
بیاورد باید در تشک و متکائی که سر را بروی آنها میگذارند موی دم اسب یا
برگ سرخس یا گیاههای معطره گذاشته باشند و هرگز سر را بروی بالش پر نگذارند
علامات عمده که با آنها میتوان شروع و ابتدای این مرض را دانست از این قرار است
طفل غمگین و بدخلق خسته و کوفته است و از همه قسم ریاضت و حرکت ابا دارد
و چنین مینماید که از وضع ایستاده و نشسته ترسان است و همیشه میخواهد دراز
بکشد نمیخواهد هیچ حرکت بکند و همینکه میخواهند با دست برخیزد فریاد میکند
کاهی تب و عرق وافری میکند رنگ صورت پریده جلد زرد و خاکی شده اشتها ساقط
عمل هضم بهم خورده اسهال عارض میشود و نفخ و درد و بول [illegible] پیدا
میشود اینها سه چهار ماه قبل از اینکه دست و پاها ورم کند و سوء شکل
در اطراف یا در ستون فقرات که علامت عمده این مرض اند ظاهر شود نه تنها
عظام اطراف و ستون فقرات کج و منحنی شده بلکه کاهی سوء شکل در تنی(?) عارض
عارض لکن میشود که برای بی خبرها زیاد خطرناک است بجهة اینکه وقتی آبستن
میشوند زاییدن آنها خیلی مشکل بلکه محال میشود که لابد میشوند عمل [illegible]
کنند تا بچه بدر آید در وقتی علامات مرض ظاهر شد اگرچه این سوء شکلها هم ظاهر
نشده باشند جهد کنند که از ابتدا بتدابیر طبیه علاج کنند اگر این مرض را
از ابتدا علاج کنند زود علاج میشود بجهة اینکه دیده ایم اغلب اوقات معالجات

[illegible]

ژول(?)
قیصر اول
از اعاظم سلاطین روم
اکثر بلاد را مفتوح کرد
فرانسه را تکلیف [illegible]
مادر او مبتلا با این مرض
بود وضع حمل و شکل
و مشرف بهلاکت
اطبا [illegible]
کردند طفل خارج شد
[illegible]
[illegible]
[illegible]
که محال است طفل خارج
شود یکی از اطبا جرات
کرده [illegible]
از موضع رحم [illegible]
طفل را بیرون آورد
این عمل را [illegible]
آورد مشهور شد
[illegible]
[illegible]
علی

موافقه علاج شده اند اما اگر از ابتداء علاج نکنند و بگذارند استخوانها کج شود و بینی کج گردد و سخت و صلب شده و سوء شکلهای مختلفه در اعضا ظاهر بدن و در احشاء عمده ظاهر گردد که مانع از اعمال بدنیه شوند دیگر علاج پذیر نیست و بزودی هلاک میشوند ممکن است اگر از ابتدا پیش بینی نکنند موجب امراض متداوله کثیره دیگر مثل تحریک شدید سلسله اعصاب و مالیخولیای مراقی و تشنج و طپش قلب و ضیق النفس عصبانی و سل و فلج و عسر هضم و ذات الجنب بشود چنانکه مذکور شد گوئی پس برای پیش بینی از آن باید اهتمام کاملی در حفظ صحت آن کنند اول در امر تغذیه آنها جهد نمایند و بعد با ماکول و سنیه که اقتضا باشند ببرند و در انجا ریاضت داشته باشند و بنا بر ملاحظات حفظ صحت را نمایند اگر با ملاحظات حفظ صحت باز مرض ظاهر شود باید مخصوصا روغن ماهی و ترکیبات ید و ترکیبات آهن و امثال آنها بدهند و وقتی معلوم شد که طفل مبتلا به این مرض است باید زیاد احتیاط کنند که استخوانهای او منحنی یا شکسته نشود مخصوص استخوان سینه که در قسمت احتیاط مخصوص لازم دارد و معین است که ریاضات حفظ صحت برای تکمیل علاج بهترین تدابیرند

Siphilis congénital

چهارم در کوفت مولودی اطفال —— انسان دنیا باید یا از پدر و بطفل منتقل میشود علامات آن غالبا از روز هشتم تا بیست و پنجم بعد از تولد بروز میکند و فشاری ببینی سریع دارد اول علامتی که مشخص است آفات اختناقیه غالبا چاق و فربه متولد شده بعد از دو سه ماه در اعضاء آنها بعض آفات بروز میکند در اطراف مقعد و آلات تناسلی و در چینهای جلد دانههای کوچک نمودار گشته بعد از آن خالهای کلی در بدن ظاهر شده گاهی در روز تولد یا یک دو روز بعد از آن (پانفیکوس) نفاع در آنها بروز کرده دمل در عدد تموس و تقرح گوش ظاهر میشود دملهای کوچک در بدن بیرون آمده منفجر میشود

گاهی

گاهی مجاری نفس مسدود شده بچه منهبرند گاهی در آنها زکام و نزله بینی و عسر نفس بواسطه ورم غشاء مخاطی بینی ظاهر گشته و بینی مثل پیرها پهن میکند استخوانهای آنها ساقط شده زود لاغر میشوند شقاق جلد و خروج قبل از وقت دندان بیرون آوردن ثنایای ثانوی یعنی دندانها بریزد هم از علامات اند موی بدن و ابرو و مژه در بچه گاهی اند درون لب و بینی و مقعد مجروح شود آن برنگ مس در بیرون و کف پا و دست ظاهر جلد آنها بخصوص جلد بیرون سرخ مایل به بنفشی بهبوق و دو روزه زخم مخصوصا در دست و پای آنها ظاهر شده کله شوند آن کوفتی مدور و مسی رنگ و کنار آنها راست و سرخ است کمتر درد و خارش دارد و صدای آنها درست خشن و گاهی گرفته میشود ناخنها کوچک شده اغلب آنها بیخوابی در تعب اند گاهی از بزرگی کبد مبتلا به یرقان و استسقای نفخ و تهیج اطراف شده و قی و اسهال و گاهی یبوست مزاج دارند عنبیه متورم و لوزتین متقرح فساد عارض عظام و بیضتین میشود این علامات اغلب از روز چهارم تا ماه ششم بروز میکند گاهی بتاخیر افتاده در سال هفتم و بالاتر ظاهر میکردند ذکر این علامات برای این بود که مادر و دایه بدانند که طفل مبتلا بکوفت است و دایه کثیره نگه دارند شیر او را اگر کنند و کلرات دو پطاس با و بخورانند و دهان او را با آن بشویند و احتیاط کامل کنند که با آنها سرایت نکند و زود بطبیب رجوع نمایند

Tuberculeuse

پنجم در سل (درن دانه سلی) توبرکول

در این مرض اول اعضاء قوی و با نمو زیاد بدن حساس مشاعر سریع التاثر و طفل غیور صورت او سفید و لطیف و اندامش کلیه لاغر و باریک جلد نازک و براق عروق نمایان چشمها درخشان حلقه وسیع مژگان بلند موها نرم اطراف استخوانها نازک و سرهای آنها کلفت در دست و پا راست و باریک و خالهای سرخ و زرد (نمش) در صورت ظاهر این اطفال زودتر از سایر اطفال

زاه

زاده میباشند و زودتر از دیگران دندان بیرون میآرند و موی میریزند و زودتر مستعد بامراض کبد و کلیه اند سینه آنها دراز و مدوّر میشود و سبب آن کثرت امراض سینه است

پس از چندی توبرکولها در ریه (سل ریه) یا در حجب دماغ (ورم حجب توبرکولی) یا در مساریقا (کارو) ظاهر میشوند این مرض اغلب ارثی است اما از بدی حفظ صحت و بدی تغذیه و تمکین در اطاقهای تحتانی رطوبتی و امثال آنها نیز عارض میشود بعضی گفته اند توبرکول سبب خنازیر میشود و خنازیر هم سبب توبرکول میشود و این خطا است آنها دو مرض مغایر یکدیگرند و هر یک مرض مستقلی اند توبرکول ممکن است حاد یا مزمن باشد در صورت حاد تب شدید میکند و خیلی زود لاغر میشوند ممکن است در چند هفته هلاک شوند (سل سواره) تا اینکه مزمن شود و موجب انمی (قلت خون) گردد در اوقات رفتار ان بطئ شده بدن بیمر عطش زیاد جلد گرم و عملیات امعا مختل و سرفهای کوچکی میکنند و وجع مبهم و سریع الزوال الحرارت بدن مختلف و تغییر پذیر گاهی زیاد و گاهی کم میشود که در شب از سی و هفت درجه و هفت عشر میکند و در صبح تخفیف داده و این از علامات ثابته مشخصه مرض است گاهی بقدری تغییر میپذیرد که در شب چهل درجه رسیده صبح به سی و هفت و شش درجه و شش عشر میرسد و بامداد تمام بدن عرق میکند خشکی زیاد کف دستها و کف پاها نیز از علامات مشخصه این مرض است چنانکه در کسانیکه خنازیر مبتلا گردند باید تمام شرایط حفظ صحت و پیش بینی در اینجا هم مرعی داشت اگر پدر و مادر آنها توبرکولی بوده اند آنها را باید نیز فربه صحیح المزاجی بدهند اهتمام زیادی در خوبی تغذیه و ورزش آنها کنند مفیدتر از هر چیز خوبی هوا و تغییرات هوا بدانست

مشاغل آنها را خسته نکنند زود بمکتب نگذارند اگر هوا سرد نباشد هر روزه

بتفرج ببرند با اینکه تحمل سرما و گرما خوب میکنند از سرما خوردگی زود مریض میشوند مواضعی که بیشتر اسباب این مرض میشوند مواضع مرتفعه مرطوبی و مواضع رطوبتی است باید در جاهای مرتفع خشک منزل کنند هوا چه سرد و چه گرم و رقیق رطوبت داشته باشد برای آنها مضر است حمامهای نمکی برای آنها مفید است بشرطی که بعد از حمام تمام بدن آنها را مالش بدهند و گرم بپوشند و غذاهای مناسب و موافق مثل گوشت طیور و زرده تخم مرغ و شیر و شکلات و قیماق و گوشت بره و گوسفند چاق و آبگوشتها و آشهای رقیق بموقع آنها نیز بخورند و از اغذیه غلیظ اجتناب نمایند که معده آنها ضعیف است هضم نمیشوند و اسباب درد امعا و نتایج بد دیگر میشوند و برای اسهال که اغلب در این مرض موجود است سه تا شش تا دو از صد ملیگرم فسفات دو شو که در یک روز بدهند نافع است و روغن ماهی از دواهای مخصوصه این مرض است که دایه ها هم میتوانند بدهند از دو مثقال شروع کرده زیاد کنند تا پنج شش مثقال برسد اطفال زیادی دیده شد که گمان زندگی در آنها نبود از اصرار و ابرام در پیش بینی و قوانین حفظ صحت و تغذیه بتدریج کم کم فربه شده مزاج آنها مستقیم گشته مانند اشخاص سالم تا سن پیری زندگی کرده اند و اطبا زیاد برای این مرض مثل ترکیبات آهنی و سم الفار و ید و غیره ذکر کرده اند که استعمال آنها موقوف بتجویز طبیب است.

Aphtalmie les nouveau-nés

ششم در رمد نوزاده بواسطه سرعت رفتارش از امراض خطرناک است ممکن است در چند روز بکلی طفل را کور کند پس باید از ابتدای طبیب تشخیص کرده زود بعلاج آن کوشید که زود علاج شود این مرض در حین تولد عارض نمیشود کلیه در روز سیم یا چهارم تا قدری بعد از آن بروز میکند شناخته میشود از تورم جفنها که همیشه بر روی هم افتاده باز نمیشوند گاهی جفنین بطوری متورم میشوند که جفن اسفل در زیر جفن اعلا ناپیدا میشود که دیگر گشودن آن ممکن نمیشود

بچه که کاملاً غانقرایا میشود و قی جفن را بر میگردانند متورم و لعاب چسبنده
دو روز اول است بعد بروز منتشر شده چرک غلیظ سفید که وقتی جفنهای را از هم باز
میکنند یکمرتبه بیرون میریزد از روشنی متالم میشود قرنیه که در اشتعال زخمی کج در
دو روز اول است ولی اگر در امکان کرده روشنائی زیاد و بر خوردن هوا و کرد و غبار و دود
و حلم ناپاکیزگی و بعض امراض عمده که در حین وضع حمل عارض میشود (سوزاک
مادر و جریان آب سفید و غیره) اسباب متعارفی اند و بابی و ممکن است که هم
باشد پس باید اسباب مذکوره را از او دور کرد و دست طفل را بست که بچشم خود نزند
و همه روزه چشم او را با رفاده خیلی پاکیزه که در آب سرد فرو برده باشند بشویند و
کنار جفنها را با روغن چرب کنند که بچسبد از محلول سنگ جهنم که یک نخود از آن در چهار
پنج مثقال آب مقطر حل کرده باشند چکانیده و بر حسب شدت و خفت مرض کم و زیاد
کنند در این ایام برای پیش بندی این مرض در مریضخانهای قابلگی و سایر مواضع
قبل از زائیدن و مهبل زن را با اسید فنیک میشویند و بلافاصله بعد از تولد محلول
سولفات دو زنک بچشم طفل میچکانند یا محلول دار اشکنه یک در هفتصد میریزند
قبل از این در یک اطفال مبتلا باین رمد میشدند و حال بواسطه این پیش بندی
اند و بیست نفر یک نفر مبتلا میشود

هفتم در زردی بچه نوزاده الی هشت روز با [illegible] میمانند و غالباً خود بخود
رفع میشود و مادامیکه مبتلا بمرض دیگر نباشد [illegible] ندارد [illegible] از امراض
خواند باید مختصر دقتی در آن کرد که از پستان شیر داد و طفل را گرم نگاه داشت
و بچه ها [illegible] اگر مدفوع اول که [illegible] یا عقی نامند بکلی خارج نشده
باشد یک دو ملتین از کلمل با او خورانید و اینها در علاج کافی اند اگر ترکیب
نتیجه [illegible] باید بطبیب رجوع نمود

Jaunisse des nouveau-nés

فصل [illegible] در امراض آلات غذا و آن بر پنج قسم است

Appareil digestif

قسم اول

